تالیف

الشیخ العلامة المحدّث الکبیر مولانا حبیب الرحمن الاعظمی رحمہ اللہ

ترجمۂ

مفتی محمد ابراہیم تیموری

+چاپ اول_

رجب ۱٤۳۸ هجری قمری

مطابق حمل ۱۳۹٦ هجری شمسی موافق آپریل ۲۰۱۷ عیسوی

تعداد ۲۰۰۰ نسخه

+_

+_ جدیدترین PDF کتاب را می توانید از نشانی ذیل اخذ کنید:

www.afghanicc.com/books

+_ یا با نشانی (email) ذیل تماس بگیرید:

miteymori@gmail.com

+_ یا با شمارۀ ذیل در تلفون، واتس اپ یا تلگرام تماس بگیرید:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

+_ یا از کتابفروشی فضل در پخته فروشی کابل تهیه کنید:

فهرست

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ كَفٰى وَ سَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى، اَمَّا بَعْدُ!

دربارۀ شیخ آلبانی

شیخ آلبانی رحمه الله از کشور آلبانیا و اسمش محمد بود. او لقب خود را ناصر الدین گذاشت. در سال ۱۹۱٤ عیسوی در آلبانیا به دنیا آمد. اسم پدرش حاجی نوح رحمه الله می‌باشد که بعداً به دمشق مهاجرت کرد. حاجی نوح مانند همۀ اهالی مسلمان آلبانیا پیرو مذهب اهل سنّت و جماعت حنفی بود و بنابرین کوشش داشت تا کتب فقه حنفی را به فرزندش تعلیم دهد و آخرین کتاب فقه حنفی را که به او درس داد کتاب «مختصر القُدّوری» است که جزو کتب ابتدائی فقه حنفی محسوب می شود. سلسلۀ تعلیمی و تحصیلی شیخ آلبانی بعد از آن منقطع شد و شیخ آلبانی تا آخر عمر دیگر در هیچ دار العلوم یا مدرسه و یا دانشگاه درس نخواند و لذا اسناد تحصیلی از هیچ مدرسه یا دار العلوم ... ندارد.

شیخ آلبانی آنگاه ساعت سازی (ترمیم ساعت) را آموخت و در آن مهارت پیدا کرد که سبب کسب روزی اش بود. و چون بزرگتر شد خود به کتاب بینی و مطالعهٔ سربخود پرداخت و سپس نوشتن را شروع کرد. جوّ بین جوانان و نوجوانان آن زمان، گفتگو دربارهٔ حدیث بود. بنابرین شیخ آلبانی نیز احادیث شریفه و علم حدیث را میدان کار خود ساخت و اوقات خود را در آن بسر کرد و بر کتب مختلف حدیث؛ تعالیق و حواشی‌های نوشته آنها را چاپ و نشر نمود. نوشته های شیخ آلبانی چون موافق خواهشات جوانان و نوجوانان سَلَفی بود به سرعت بین آنها مشهور شد و شیخ آلبانی نیز به اینگونه شهرت زیادی در بین سلفیان پیدا کرد.

مثال این کار شیخ آلبانی مانند شخصی است که در هیچ دانشگاه و پوهنتون، علم طب و فن جراحی را نزد استادان ماهر نخوانده و نیاموخته و هیچگونه سندی در علم طب و فن جراحی ندارد ولی چند کتابی را سربخود مطالعه کرده حالا ادعای مهارت در علم طب و دعوای تخصُّص در فن جراحی را می کند و کارد و چاقو گرفته به جراحی مردم دست می زند. شیخ آلبانی نیز با مطالعهٔ سر سرِ خودِ چند کتاب نزد خود ادعای مهارت در علم حدیث و دعوای تخصُّص در فن جرح و تعدیل را نمود و با کارد و چاقوی خیالات خود به جان علم حدیث و احادیث شریف و کتابها و راویان آن افتاد و لاجرم نتیجهٔ کار او یقیناً مانند نتیجهٔ کار آن شخص ناخوانده طب و نا آموخته جراحی شد که در اوج جهل مُرکَّب با جان مردم بازی می کرد. شیخ آلبانی مرحوم نیز عین کار را با احادیث رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ انجام داد.

شیخ آلبانی در این بین با انتشارات «المکتب الاسلامی» و

شیخ زهیر شاویش همدستی را آغاز نموده کتب خود را توسط آنها چاپ و نشر داد و به این وسیله هم او و هم همدستانش از چاپ و نشر این کتب پول فراوانی بدست آوردند. ولی سرانجام همین پول باعث بروز اختلافات شدید بین شیخ آلبانی و همدستانش (مانند زهیر الشاویش) شد تا آنجا که کارِ ایشان به دشنام و تفسیق یکدیگر کشید.

شیخ آلبانی در سال ۱۹۹۹ عیسوی وفات کرد. خداوند از کرده های او درگذرد.

شیخ آلبانی علاقهٔ شدید و شغف خاصی به نکته چینی و هجوم بر امامان اسلام و علمای آن داشت و خصوصاً تابعی و فقیه بزرگ اسلام حضرت امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله و سایر ائمهٔ احناف از این هجوم های ناروا و اتهامات بیجای وی مصؤن نماندند.

نکاتی دربارهٔ این کتاب

۱ از زمانی که شیخ آلبانی هجوم نامیمون خود بر کتب سنّت و علوم حدیث را آغاز کرد و گروهی نا آگاه از حدیث و علوم الحدیث را فریب داد و اذهان دستهٔ دیگری را در مورد سنّت نبویّه عَلىٰ صَاحِبِهَا الصَّلوٰةُ وَ السَّلاَم به شک و شبهه انداخت عده ای از علمای اُمت مانند علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه الله در مقابل او ایستادند و به دفاع از علوم سنّت نبوی پرداختند و توسط مقالات و تالیفات کثیری؛ بی علمی، غلط گوئی، تناقضات، انحرافات و گمراهی‌های شیخ را هویدا ساختند.

علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه الله در این مورد کتابی به نام الآلبانی شُذُوذُهُ وَأَخْطَأُهُ را ابتداءً به صورت چهار جزء جداگانه بر شخصی بنام «ارشد سَلَفی» املاء کرد و ارشد سلفی نیز این امالی را تحت اسم خود به چاپ و نشر سپرد.

﴿۲﴾ اما نام علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه الله در نگاه کسانی که در شرق و غرب او را می شناسند با فضل، تقدیر، احترام، محبت، اعتراف به مقام بلند و تخصُّص والای شان در زمینۀ علوم و سنَّت نبوی همراه است و همچنین با خدمات بزرگ ایشان در زمینۀ سنّت نبوی و ادب فراوان ایشان با دانشمندان و پیشوایان بزرگ اسلام هم ردیف می باشد. لذا هنگامی که در این راستا از جناب علامه رحمه الله تقاضا شد که اسم ایشان تاثیرات فراوانی در زمینۀ پذیرش و قبول کتاب بین مسلمین خواهد داشت و باعث افزایش اعتبار کتاب از نگاه علمی و ازدیاد استفاده از آن برای افراد دور و نزدیک خواهد بود، جناب علامه رحمه الله اجازه دادند تا اسم شان بر روی کتاب درج گردد تا کتاب مفیدتر واقع گردد.

﴿۳﴾ این کتاب نخستین بار در هند و بار دوم در بیروت چاپ و نشر گردید. افراد با غیرت آن دیار به منظور هویداسازی گمراه‌گری های شیخ آلبانی اقدام به چاپ آن کرده کتاب را بطور رایگان پخش و توزیع نمودند. این حرکت بهترین اثرات را در پی داشت و خداوند متعال مردم فراوانی را که شیفته و فریفتۀ شیخ آلبانی و شامل دستۀ او بودند به وسیلۀ آن نجات عنایت فرمود و نتیجتاً آنها به سمت احترام سَلَف و پیروی ائمۀ اربعۀ متبوع بازگشتند.

﴿۴﴾ کسانی که خود را به «سَلَفِیَّت» منسوب می کردند

هنگام ظهور کتاب «أَلْآلْبَانِيُّ شُذُوْذُهُ وَأَخْطَأَوُهُ» کتابی که پرده از عیوب سردستهٔ شان برداشت و حقیقت إدّعاهای او را برملا ساخت چشمان خود را بستند و از ذکر کتاب نزد دیگران سکوت اختیار کردند و همدیگر را نیز به خاموشی در این مورد توصیه می کردند تا نام کتاب بر زبانها مشهور نشود و نشر و پخش آن گسترش نیابد. اما بحمد الله تعالی خداوند متعال این کتاب را مقبول عام و خاص گردانید و کتاب تا بحال به چندین زبان ترجمه نیز شده که ترجمهٔ فارسی جزء اول آن در خدمت شماست.

﴿۵﴾ امیدواریم این کتاب باعث شناخت و معرِّفی مختصری از آلبانی و فرقهٔ او که تقلید أئمهٔ راستین سَلَف ـ تابعین و تبع تابعین یعنی: امام ابوحنیفه رحمه الله، امام مالک رحمه الله، امام شافعی رحمه الله و امام احمد رحمه الله ـ را انکار می‌کنند و در این دوران پر فتنه اُمت را مجبور به تقلید شیخ شان آلبانی می نمایند شود.

آنچه ما در این ترجمه انجام دادیم

- عنوان گذاری مضامین متن کتاب.
- تخریج احادیث مذکورهٔ کتاب با حوالهٔ آنها در حواشی
- تخریج عبارت شیخ آلبانی از کتب وی با حوالهٔ کامل.
- شیخ آلبانی بعد از نشر این کتاب بسا عبارات چاپ اول کتب خود را از کتب خود حذف کرد یا آنها را تغییر داد و حالا بعضی عبارات چاپ اول کتاب او که علامه حبیب الرحمن رحمه الله در اینجا حواله داده است در چاپ های جدید کتب آلبانی موجود نیست. در چنین مواقع در حاشیه برآن تصریح نموده ایم.

❁ افزودن فهرست مآخذ و مراجع کتبِ مربوطه و سایر حواله های که در طول متن و حواشی کتاب آمده اند با تفاصیل ناشر، محل چاپ، سال چاپ و غیره، در آخر کتاب تحت عنوان «فهرست مراجع کتاب».

❁ بعضی جاها مناسب دیده شد تا بعضی اصطلاحات فن حدیث تشریح شود. شرح سادۀ آنها را در حواشی افزودیم.

❁ بعد از اتمام ترجمه، مسوَّدۀ کتاب نزد بعضی از علماء و همچنین اهل زبان عرضه شد تا هر سهو علمی یا اشتباهی زبانی در ترجمه بیابند اصلاحش نمایند.

❁ لازم به تذکُّر است که کتابِ در دست شما ترجمۀ فقط جزءِ اولِ اصلِ کتابِ «أَلْآلْبَانِيُّ شُذُوْذُهُ وَأَخْطَاؤُهُ» می باشد که بی گمان مهمترین بخش کتاب شمرده می شود. سه جزء باقیمانده را بنده به سبب مصروف بودن در بعضی کارهای دیگر ترجمه نکردم اما اطلاع دارم که شخص دیگری هر چهار جزء کتاب را به فارسی ترجمه نموده است.

امید که ناشری آن را چاپ کند.

از خداوند متعال امید است که این کوشش ناچیز را مصداقِ:

قبول است گرچه هنر نیستت
که جز ما پناهی دیگر نیستت

قرار دهد و به فضل و کرم خود ترجمۀ این کتاب را مانند خود کتاب مقبول عام و خاص مسلمانان بگرداند. حقا که ما را هنری نیست و جز او ﷻ پناه دیگری نی.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الأُمِّيِّ

وَ أَزْوَاجِهِ أُمَّهَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ

وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أَهلِ بَيتِهِ وَ أَصحَابِهِ أَجمَعِينَ. وَاللّٰهُ هُوَ الْمُوَفِّقُ وَالْمُعِيْنُ.

غرض نقشیست کز ما یاد ماند   که هستی را نمی بینم بقائی
مگر صاحبدلی روزی ز رحمت   کند بر حال این مسکین دعائی

محرم ١٤٣٨ هجری قمری
مطابق سنبلهٔ ١٣٩٥ هجری شمسی موافق اکتوبر ٢٠١٦ عیسوی

محمد ابراهیم تیموری
ابن محمد اعظم تیموری،
ابن محمد شفیع تیموری، ابن ملک افضل تیموری،

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگینامۀ مختصر علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه الله

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ كَفٰى وَ سَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى، اَمَّا بَعْدُ!

سرزمین هند همواره شاهد بروز شخصیت‌های شاخص و تاریخ سازی در عرصۀ علم، عرفان و ادب بوده است؛ مانند حضرت مُجدِّد اَلْف ثانی شیخ احمد سرهندی رحمه الله، شیخ عبد الحق محدث دهلوی رحمه الله، شاه ولی الله دهلوی رحمه الله، مولانا قاسم نانُوتَوِی رحمه الله، حکیم الامت اشرف علی تهانوی رحمه الله، شیخ الهند محمود الحسن دیوبندی رحمه الله، امام العصر علامه انورشاه کشمیری رحمه الله، و... و... و...

یکی از این شخصیت‌های فراموش ناشدنی و ماندگار، مُحدِّث دیار هند و عالَم اسلام علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه الله است که عالِم بی بدیل، مُحدِّثی بلند پایه، محقِّق و نویسنده‌ای چیره‌دست بود. ایشان خدمات شایانی در زمینه‌های مختلف علوم حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی از خود بجا گذاشته اند.

علامه حبیب الرحمن أعظمی رحمه الله بیش از هفتاد سال زندگی خویش را در خدمت به سنّت نبوی و علم و ادب گذراندند. وی

سنبل پرهیزگاری و تقوی بودند.

ولادت و تحصیلات:

علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه‌الله به سال ۱۳۱۹هـ ق در شهر مِئُو از ولایت یوپی هند در خانوادۀ متدینی پا به عرصۀ وجود نهاد. پدرش عالم دین بود و خانۀ پدرش نخستین مدرسۀ ایشان به شمار می‌آید. دروس ابتدائی را از اساتید محلۀ خود فراگرفت. سپس علوم فقه، حدیث، لغت عربی و منطق را از محضر علمای بزرگ زمانش همچون مولانا عبد الغفار بن عبد الله رحمه‌الله شاگرد حضرت مولانا رشید احمد گنگوهی رحمه‌الله حاصل کرد. ایشان بعدها به دار العلوم دیوبند پیوست و از محضر بزرگانی چون امام العصر علامه انورشاه کشمیری رحمه‌الله، مولانا سید اصغر حسین رحمه‌الله، مفتی عزیز الرحمن دیوبندی رحمه‌الله، مولانا شبیر احمد عثمانی رحمه‌الله و مولانا کریم بخش سَنْبَلی رحمه‌الله؛ علوم حدیث، تفسیر، منطق، ادب و علم بیان را حاصل نمود.

ایشان در سال ۱۳۳۹هـ ق سند فراغت یافته و در دارالعلوم مِئُو به تدریس فقه و علوم عربی مشغول شد. سپس به ترتیب در مدارسی همچون جامعۀ مظهر العلوم مِئُو، مفتاح العلوم آن شهر و دار العلوم ندوةُ العلماء لکنهو به سِمَت مدرِّس در علوم عالیه نایل گشت.

سفرهای علمی و حدیثی:

علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه‌الله چندین مرتبه جهت تحقیق و بررسی و طبع دست‌آوردهای علمی خود به کشورهای عربی سفر نمود. ایشان چندین بار به سرزمین حِجاز برای ادای

مناسک حج مشرَّف گشت. همچنین به شهرهای کویت، دمشق، صیدا، بعلبک، حلب، لاذقیه، بحرین و شام سفرهائی داشت.

این سفرها در زندگی ایشان باعث انقلاب فکری و تحوُّل علمی قرار گرفت. در این اسفار بسیاری از علمای بلندپایه از ایشان اجازۀ روایت حدیث را دریافت نمودند، مانند شیخ عبد العزیز بن باز مفتی اعظم سعودی، دکتور عبد الحلیم محمود شیخ سابق ازهر، شیخ حَسَنَین محمد مخلوف مفتی دیار مصر، علامه خیر الدین زرکلی، شیخ مصطفی احمد زرقاء فقیه بی بدیل عالَم عرب و شیخ حسن خالد مفتی اعظم کشور لبنان.

خدمات علمی:

علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه‌الله به مدت پنج سال عضو مجمع شرعی ولایت اُتَّرْپَرَدِیْش و همچنین عضو مجلس شورای عالی دار العلوم دیوبند و از اعضای دائمی جمعیت علمای هند و نیز عضو هیئت‌های دیگر جهانی بود.

مولانا در آئینۀ گفتار معاصرین:

داکتر عبد الحلیم محمود شیخ سابق ازهر می گوید: اگر در تمام جهان، فردی سزاوار لقب شیخ الحدیث باشد آن شخص کسی جز علامه حبیب الرحمن اعظمی نیست. محقق بزرگ مصری محمود احمد شاکر می‌نویسد: مولانا حبیب الرحمن اعظمی چنانکه از دستاوردهایش نمایان است از بزرگترین علمای معاصر می باشد.

وفات علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه‌الله:

پس از خدماتی چشم‌گیر به جهان اسلام در عرصۀ تخریج

و تحقیق احادیث نادره و تالیفات مختلف در زبان اردو و عربی و دریافت تقدیرنامه از جانب حکومت هند، سرانجام این مهتاب عالَمتاب در دهم رمضان سال ١٤١٢هـق مصادف با دهم مارچ ۱۹۹۲میلادی در نود و پنج سالگی اُفول نمود.

آثار علمی مولانا اعظمی:

علامه حبیب الرحمن اعظمی رحمه الله در کنار مشغلۀ تدریس به تحقیق و تالیف کتاب نیز اهتمام می‌ورزید؛ بطوری که در جهان عرب و عجم یکی از بزرگترین نویسندگان و محققان به شمار می‌رود.

آثار علمی مولانا را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود؛ بخش نخست مقالات علمی و ادبی ایشان که در مجله های اردو زبان همچون مجلۀ معارف شهر اعظمْگَر هند نشر می‌شد، و همچنین مجلۀ البرهان دهلی و مجلۀ دار العلوم دیوبند به نشر مقالات مولانا اقدام می‌کردند.

بخش دیگر کار علمی مولانا کتاب هائی هستند که به تحقیق و تعلیق و تالیف آنها همت گماشته است.

مثلاً:

۱) تحقیق و تعلیق کتاب المطالب العالیة بزوائد المسانید الثمانیة تالیف علامه ابن حَجَر عَسْقَلانی رحمه الله.

۲) تحقیق و تعلیق کتاب مسند الإمام الحُمَیدی.

۳) تعلیق، تصحیح، تحقیق و تطبیق کتاب الزهد والرقائق امام عبد الله بن مبارک رحمه الله.

۴) تعقبات ایشان بر تعلیقات محدث شیخ احمد شاکر رحمه الله بر «مسند الإمام احمد». وقتی شیخ شاکر آنها را مشاهده کرد

بسیار خوشحال شده إقدام علامه رحمه الله را شایان تمجید و تقدیر دانسته آن را در آخر جلد پانزدهم «مسند الإمام أحمد» چاپ خود افزود.

۵ تعلیق و تصحیح مُصَنَّف عبد الرزاق در یازده جلد.

۶ «سنن سعید بن منصور» استاد امام مُسلِم رحمه الله در دو جلد بزرگ.

۷ تلخیص خواتم جوامع الأصول از ابن أثیر رحمه الله در یک جلد بزرگ.

۸ فتح المغیث بشرح ألفیة الحدیث از امام سخاوی رحمه الله در یک جلد خیلی بزرگ.

۹ مختصر الترغیب والترهیب للمنذری از حافظ ابن حَجَر رحمه الله در یک جلد.

۱۰ «ثقات إبن شاهین» در یک جلد بزرگ.

۱۱ مسند إسحاق بن راهویه رحمه الله از شیوخ بخاری رحمه الله و مسلم رحمه الله در دو جلد بزرگ.

۱۲ «زوائد مسند البزار» از حافظ هَیْثَمی رحمه الله که دو جلد آن تا حال منتشر شده است.

۱۳ تحقیقات و بررسی‌های گرانمایهٔ ایشان بر مُصَنَّف إبن أبی شیبة که افزون بر بیست جلد می باشد.

۱۴ الحاوی لرجال الطحاوی. برای اولین بار ایشان رجال مشکل الآثار را تحقیق نموده است.

۱۵ الاتحافات السنیة بذکر مُحدِّثی الحنفیة که تا کنون به چاپ نرسیده است.

۱۶ استدراکات قاسم بن قَطْلُوبُغَا.

۱۷ رسائل شاه ولی الله.

۱۸ تعلیقات بر حیاة الصحابة.

۱۹ جزء خطبات النبی صلی الله علیه وسلم.

۲۰ «**الآلبانی شذوذُهُ وأخطاؤُهُ**» همین کتابی که ترجمهٔ جزء اول آن در دست شما قرار دارد و در چهار بخش چاپ و توزیع شده است.

بخش سوم کتب ایشان آن کتاب‌هائی است که به زبان اردو تالیف شده است:

۲۱ حجیّت حدیث و سنت. این کتاب را علامه محقّق محمد عوامه به زبان عربی ترجمه نموده است بنام: نصرة الحدیث فی الاحتجاج بالحدیث و الرد علی منکری الحدیث.

۲۲ اعیان الحجاج در دو جلد.

۲۳ رکعات تراویح

۲۴ الشارع الحقیقی

۲۵ الاعلام المرفوعة فی حکم الطلقات المجموعة

۲۶ الازهار المربوعة فی رد الآثار المتبوعة

۲۷ تحقیق اهل الحدیث

۲۸ دفع المجادلة عن آیة المباهلة

۲۹ ارشاد الثقلین بجواب اتحاد الفریقین

۳۰ التقیید السدید علی التفسیر الجدید

۳۱ ابطال عزاداری

۳۲ تعزیه داری

۳۳ دلیل الحجاج (راهنمای حجاج)

۳۴ رد تحقیق الکلام که تا کنون به چاپ نرسیده است

۳۵ اهل دل کی دل‌آویز باتین

۳۶ رجال البخاری. این را بنابر درخواست علامه سید سلیمان

ندوی رحمه الله تالیف نموده است.

۳۷ دستکار اهل شرف.

بر علاوۀ اینها حضرت مولانا اعظمی رحمه الله تألیفات سودمند دیگر نیز دارند که نزدیک به شصت عدد می رسد.

علامه اعظمی در میدان شعر هم ید طولایی داشتند و از وی اشعاری به زبان عربی و اردو بجا مانده است.

بحمد الله تعالی

محرم ۱۴۳۸ هجری قمری
مطابق سنبلۀ ۱۳۹۵ هجری شمسی موافق اکتوبر ۲۰۱۶ عیسوی

محمد ابراهیم تیموری
ابن محمد اعظم تیموری،
ابن محمد شفیع تیموری، ابن ملک افضل تیموری،

شیخ البانی

و علم حدیث

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَ كَفٰى وَ سَلَامٌ عَلٰى عِبَادِهِ الَّذِيْنَ اصْطَفٰى، اَمَّا بَعْدُ!

میزان تحصیلی شیخ آلبانی رحمه‌الله

شیخ ناصر الدین آلبانی علاقۀ شدیدی به تخطئۀ علمای بزرگ اسلام دارد و در این مورد پروای هیچ کسی - هرکس که می خواهد باشد - را ندارد. گاهی شیخ آلبانی را مشاهده می کنید که امام بُخاری رحمه‌الله و امام مُسْلِم رحمه‌الله و امثال ایشان را منسوب به وهم می کند و گاه می بینید که امام ابن عبد البَرّ رحمه‌الله، علامه ابن حَزْم رحمه‌الله، علامه ابن حَجَر رحمه‌الله، ابن تیمیه رحمه‌الله، ذَهَبی رحمه‌الله، و حتی بزرگان خود چون ابن قَیِّم رحمه‌الله، صَنْعانی رحمه‌الله و شَوْکانی رحمه‌الله را متهم به غلط گوئی می سازد، و در اینکار به حدی افراط می ورزد که نه تنها جُهَّال بلکه علمای ساده به این پندار می افتند که در این عصر او نابغۀ بی مثال است.

شیخ آلبانی در مواضع زیادی از کتبش با افتخار نکات فوق را اظهار می نماید و اذهان خوانندگان خود را به آن متوجه می گرداند. لذا گاه می بینید که ادعاء می کند:

فَاغْتَنِمْ هٰذَا التَّحْقِيْقَ فَإِنَّكَ لَا تَرَاهُ فِي غَيْرِ هٰذَا الْمَوْضِعِ.

«این تحقیق را غنیمت بشمار، زیرا در غیر از اینجا آن را نخواهی یافت». یعنی چنین تحقیقی را نزد سایر مُصَنِّفین اسلام نمی یابی.[۱]

و گاه می بینید که دعوی می نماید که خداوند او را در عصر حاضر به دانستن زیادات وارده احادیث در طُرُق مختلف آنها که در لابلای کتبِ پراکنده پخش می باشند مختص گردانیده است و بنابرین او حالا به جائی رسیده که محققین قرون گذشتهٔ اسلام و عصور حاضره به آن نرسیده اند.

لیکن کسانی که شناختی با شیخ آلبانی دارند و آگاهی ای با زندگی او، بخوبی می دانند که شیخ آلبانی علم را از نزد علماء نیاموخته و برای تعلُّم پیشِ اساتید زانوی تَلَمُّذ خم نکرده است، حالآنکه إِنَّمَا الْعِلمُ بِالتَّعَلُّمِ، علم توسط آموختن از استاد بدست می آید. پس هنگامی که شیخ آلبانی علم را از استاد فرا نگرفته، او را با علم چه کار؟!

بنده اطلاع دارم که میزان آموزش شیخ آلبانی و مقام علمی او تا «مختصر القُدوری» است و اکثر مهارتش در ساعت سازی، حتی که خودش نیز اعتراف داشته برآن فخر می‌کند. نتیجتاً لازمهٔ آن اینست که شیخ آلبانی بر بسا اموری علم ندارد که طَلَبَهٔ معمولی علومِ حدیثِ مدارسِ ما آنها را می دانند. بطور نمونه چند مثال را را در صفحات آینده مشاهده کنید:

---

[۱] بطور مثال: سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلباني: ۳۸٤/۱ تحت حديث ۱۹۹ | سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلباني: ۲٦٤/٤ تحت حديث ۱۷۸۲

نمونه های بی خبری شیخ آلبانی از علم حدیث

شیخ آلبانی فرق بین ظرف پنیر و قطعۀ پنیر را نمی داند:

۱ شیخ آلبانی عبارت حدیثی را به اینگونه می خواند:
«تَصَدَّق بِأَتْوَارٍ مِنَ الأَقِط» و چنین توضیحش می دهد که «أتوار» جمع تَوْر است به معنای ظرف مسی.
(یعنی ظرف هائی از پنیر را خیرات کرد).[۱]
حالآنکه یک طالب علم معمولی می داند که درست «بِأَثوَارٍ مِنَ الأَقِط» است و أثوار جمع ثَوْر به معنای قطعۀ پنیر می باشد چنانکه در «نهایۀ» ابن أثیر رحمه الله مذکور است.[۲] [۳]

---

[۱] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ٣٦٩/١ تحت حديث ١٩٠

[۲] النهاية في غريب الحديث والأثر لابن الأثير: ٢٢٨/١ (ثَوَرَ)

[۳] شیخ آلبانی در سطر آخر همین صفحه می نویسد:
«أتوار بالمثناة كذا فی المسند». یعنی «اتوار» در المُسْنَد آمده است. (سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ٣٦٩/١ س آخر تحت حديث ١٩٠)
ولی این ادعای نادرست است، زیرا کلمۀ «أتوار» اصلاً در «المُسْنَد» وجود ندارد. در المُسْنَد فقط کلمۀ «أثوار» آمده و بس.
(مسند الإمام أحمد بن حنبل: ٤٢٣/٥ حديث ٣٤٦٤ | مسند الإمام أحمد بن حنبل: ٤٧/١٣ حديث ٧٦٠٥ | مسند الإمام أحمد بن حنبل: ١٠٥/١٣ حديث ٧٦٧٥ | مسند الإمام أحمد بن حنبل: ٢٠/١٥ حديث ٩٠٥٠ | مسند الإمام أحمد بن حنبل: ١٥/ ٣١٨ حديث ٩٥١٩ | مسند الإمام أحمد بن حنبل: ١٥٦/١٦ حديث ١٠٢٠٤)
حتی محققین مُسند احمد نیز در چند جا بر کلمۀ «أثوار» در حواشی تصریح کرده اند.

شیخ آلبانی نمی داند که مبارکپوری غیرمقلد سرسخت است:

﴿۲﴾ شیخ آلبانی می پندارد که مُبَارَکْپُورِی صاحب کتاب «تُحْفَةُ الأحْوَذِی»[۱] حنفی المذهب است چنانکه او را در فهرست «المسحُ عَلَی الجَوْرَبَین»، «الحنفی» ذکر کرده.[۲]

حالآنکه مُبَارَکْپُورِی یکی از مشهورترین غیر مقلدین هند و از سرسخت‌ترین معاندین ائمۀ اربعه می باشد. اگر شیخ آلبانی خودش در این زمینه مشکوک است می‌تواند از شاگرد خود شیخ تقی الدین مراکشی هِلالی بپرسد.

شیخ آلبانی علمش وسعتی ندارد:

﴿۳﴾ شیخ آلبانی در زیر یک حدیث تحقیقی را آورده آنگاه می نویسد:

وَهٰذَا تَحْقِیقٌ دَقِیْقٌ إسْتَفَدْنَاهُ مِنْ تَدْقِیْقَاتِ الأئِمَّةِ.

این تحقیق دقیقی است که آن را از تدقیقات امامان، خود بهره برداری کرده ام.[۳]

این گفتۀ فردی است که آفاق علمش وسعتی ندارد. زیرا اگر وسعت می‌داشت حتماً می دانست که مُحدّث هند شیخ نیموی رحمه الله قبل از او این تحقیق دقیق را در کتاب خود «التعلیقُ الحَسَن» ذکر نموده بود.

«أبوابُ المِیَاهِ، حدیثُ أنَّ زَنْجِیّاً وَقَعَ فِی زَمزَم...».[۴]

---

[۱] أبو العلا محمد عبد الرحمن بن عبد الرحیم مُبَارَکْپُورِی متوفی ۱۳۵۳هـ ق.

[۲] المسح علی الجوربین والنعلین: ص ۳ س ٦ الفهرس

[۳] سلسلة الأحادیث الصحیحة للآلبانی: ٥٩٦/۱ تحت حدیث ۲۹۸

[٤] آثار السنن للنیموی مع التعلیق الحَسَن: ص ۸ و ۹ حدیث ۱۰

شیخ آلبانی راوی نهایت ضعیف را راوی صحیحَیْن می داند:

۴ شیخ آلبانی می گوید: «ابن زید» که ابن وَهْب در تفسیر طَبَری[1] از او روایت می کند «عمر بن محمد بن زید» از راویان شَیْخَیْن[2] است.[3]

این از بدترین اشتباهات و آشکاراترین بی علمی هاست.[4]
اگر شیخ آلبانی در مجلس علماء حاضر می شد و در حلقه های درس و تعلیم شرکت می کرد در چنین غلط و جهل بزرگ نمی افتاد، زیرا اطفال مدارس ما نیز می‌دانند «ابن زید» که امام طَبَرِی رحمه الله در تفسیر خود از او روایت می‌کند یا تفسیری از او نقل می شود «عَبْد الرَّحْمَن بْنِ زَیْد بن اَسْلَم» است.[5]

شیخ آلبانی در اینجا نغمه ای دیگر می سراید و ادعاء می کند که راویان اسناد این حدیث همه ثقات اند واین طریق بهترین طُرُق حدیث می باشد. (السلسلة الصحیحة: ٥/٢ و ١٦/٢)[6]
حالآنکه حقیقت اینست که «عَبْد الرَّحْمَن بْنِ زَیْد» را امام احمد رحمه الله و ابن المَدِیْنی رحمه الله ضعیف قرار داده اند. این را از او

---

[1] مثلاً جامع البیان في تأویل القرآن: ١٨٧/٢ روایت ١١٧٦ | جامع البیان في تأویل القرآن: ٤٩٧/٤ روایت ٤٦٥٨ | جامع البیان في تأویل القرآن: ٤٩٢/٥ روایت ٥٩٧٥

[2] مراد از شَیْخَیْن در فن حدیث، امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله است.

[3] سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة للآلبانی: ٣٤٨/٧ حدیث ٣٣٣٥

[4] شیخ آلبانی در چاپ های جدید سلسلۀ صحیحۀ خود این بحث را سراسر حذف کرده است و در چاپ های جدید سلسلۀ ضعیفه اش، «تفسیر طبری» را به «تفسیر بخاری» (البخاری فی تفسیر) تبدیل کرده است.

[5] و امام طبری رحمه الله خود نیز برآن تصریح می‌کند: حدثني یونس، قال أخبرنا ابن وهب عن عبد الرحمن بن زید ... جامع البیان في تأویل القرآن: ٣٩٦/١ روایت ٥٥٠

[6] شیخ آلبانی در چاپ های جدید صحیحۀ خود این عبارات را حذف کرده است.

امام بخاری رحمه الله و ابوحاتم رحمه الله حکایت نموده. امام نَسائی رحمه الله و ابو زرعه رحمه الله درباره اش می گویند: ضعیف است.

ابوحاتم رحمه الله می‌گوید: لَیْسَ بِالْقَوِیِّ فِی الْحَدِیْثِ... وَکَانَ فِی الْحَدِیْثِ وَاهِیاً. یعنی در حدیث قوی نیست... و در روایت حدیث واهی است.

ابن حِبَّان رحمه الله می‌گوید: اسْتحقَّ التَّرْک. مستحق ترک است.

ابن سَعد رحمه الله می گوید: کَانَ کَثِیْرَ الْحَدِیْثِ ضَعِیْفاً جِدّاً. حدیث بسیار نقل می کند و خیلی زیاد ضعیف است.

ابن خُزَیْمَة رحمه الله می‌گوید: لَیْسَ مِمَّنْ یَحْتَجُّ أَهْلُ الْعِلْمِ بِحَدِیْثِهِ لِسُوْءِ حِفْظِهِ. او کسی است که اهل علم به حدیث روایت شده اش احتجاج نمی کنند، زیرا حافظه اش خراب بود.

ساجی رحمه الله می گوید: او منکر الحدیث است.

حاکم رحمه الله و ابونُعَیْم رحمه الله می گویند: احادیث موضوع (جعلی) را روایت می کند.

ابن جوزی رحمه الله می‌گوید: علماء بر ضعیف بودن او اجماع دارند.

امام طحاوی رحمه الله می‌گوید: حَدِیْثُهُ عِنْدَ أَهْلِ الْعِلْمِ بِالْحَدِیْثِ فِی النَّهَایَةِ مِنَ الضّعْفِ. یعنی حدیث او نزد متخصصین علوم حدیث بی نهایت ضعیف است.[۱]

اکنون شما خود در بین این إدّعای یکه تازانهٔ جسورانه که می گوید «این بهترینِ طُرُق حدیث است»، و در بین ماحَصَل سخنان این نُقّاد فن حدیث که می گویند «بی نهایت ضعیف است» مقایسه نمائید!

---

[۱] تهذیب التهذیب للعسقلانی: ۱۷۸/٦ عبد الرحمن بن زید بن اسلم العدوی

شیخ آلبانی معنی حدیث و طُرُق آن را نمی داند:

۵ شیخ آلبانی حدیثی را نقل می کند: «إِذَا قُلْتَ لِلنَّاسِ أَنْصِتُوا وَهُمْ يَتَكَلَّمُونَ فَقَدْ أَلْغَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ»[۱] و سپس آن را این حمل می کند که انسان نباید با حرف خود سخنانِ مردم را قطع کند بلکه باید سکوت اختیار کند تا آنکه سخن آنها به پایان برسد و آنگاه شروع به سخن گفتن کند.[۲]

و همچنین او می‌پندارد که این حدیث از امام سیوطی ﷫ در «الجامع الکبیر» فوت شده است.[۳]

در حالی که صحیح و درست اینست که این حدیث همان حدیث ابوهُرَيْرَه ﷺ است که از طریق سعید بنُ المُسَيّب ﷫ در صَحِيْحَيْن روایت شده و از طُرُق دیگر در نزد مُسْلِم ﷫ با این لفظ مروی می باشد:

«إِذَا قُلْتَ لِصَاحِبِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ: أَنْصِتْ، وَالإِمَامُ يَخْطُبُ، فَقَدْ لَغَوْتَ».

ترجمه: اگر روز جمعه که امام مشغول ایراد خطبه است به کسی که در کنارت است بگویی: ساکت باش، سخن بیهوده ای گفته ای.[٤]

دلیل برآن اینست که شیخ آلبانی حدیث را به روایت امام احمد ﷫ از عبد الرزاق از مَعْمَر ... تخریج می کند. امام احمد ﷫ این حدیث را مختصر ساخته است در حالی که خود عبد

---

[۱] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانى: ۳۲۸/۱ حدیث ۱۷۰

[۲] شیخ آلبانی در چاپ های جدید سلسلۀ صحیحۀ خود این عبارات را حذف کرده.

[۳] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانى: ۳۲۸/۱ حدیث ۱۷۰

[٤] صحیح مُسلِم: ۵۸۳/۲ حدیث ۸۵۱ كتابُ الجُمُعَة، بَابٌ فِي الْإِنْصَاتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي الْخُطْبَةِ

الرزاق ﷺ این حدیث را بطور کامل در «مُصَنَّف» خود روایت نموده. امام عبد الرزاق ﷺ می گوید:

عَنْ مَعْمَرٍ، عَنْ هَمَّامِ بْنِ مُنَبِّهٍ أَنَّهُ سَمِعَ أَبَا هُرَيْرَةَ يَقُولُ:قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إِذَا قُلْتَ لِلنَّاسِ أَنْصِتُوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَهُمْ يَنْطِقُونَ، وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ، فَقَدْ لَغَوْتَ عَلَى نَفْسِكَ.

ترجمه: حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هرگاه در روز جمعه مردم را در حالی که امام مشغول ایراد خطبه بود دیدی که باهم صحبت می کنند و به آنها گفتی: ساکت باشید! همانا کار بیهوده ای مرتکب شده ای! [۱]

احمد بن یوسف سُلَّمِی ﷺ آن را از عبد الرزاق ﷺ با همان الفاظی که آلبانی ذکر نموده روایت کرده اما بر لفظ «لَغَوْتَ» تصریح دارد و در آخر آن الفاظ «يَوْمَ الْجُمُعَةَ» موجود می باشد. [۲] لاکن شیخ آلبانی به سبب ناآگاهی از فن حدیث و طُرُق حدیث آن را حدیثی دیگر پنداشته و گمان برده که این حدیث از امام سیُوطی ﷺ فوت شده است و بناءً با افتخار می گوید:

«فَخُذْهُ فَائِدَةً عَزِيْزَةً قَدْ لَا تَجِدُهَا فِيْ مَكَانٍ آخَرٍ».

«این فائدۀ نایاب را دریاب که جز این کتاب در جای دیگر نخواهی یافت». [۳]

شیخ آلبانی فرق بین عذرة و غَدِرَة را نمی داند:

﴿۶﴾ آلبانی می نویسد: «عذرة بِالذَّالِ وَلَعَلَّهُ الصَّوَابُ».

---

[۱] مُصَنَّف عبد الرزاق: ۲۲۳/۳ حدیث ۵٤۱۸ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، بَابُ مَا يَقْطَعُ الْجُمُعَةَ

[۲] وَقَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «إِذَا قُلْتَ لِلنَّاسِ أَنْصِتُوا وَهُمْ يَتَكَلَّمُونَ فَقَدْ لَغَوْتَ عَلَى نَفْسِكَ، يَعْنِي يَوْمَ الْجُمُعَةِ». صحيفةُ هَمَّامِ بْنِ مُنَبِّهٍ: ص ۵۹ حدیث ۱۲۰

[۳] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ۳۲۸/۱ حدیث ۱۷۰

یعنی عذرة با حرف ذال بوده شاید درست باشد.[1]

ولی درست اینست که «غَدِرَة» با حرف «غین» و «دال» بعد از آن است، چنانکه در «النهایة» آمده است.

ابن أثیر رحمه الله می نویسد:

«إنَّه مَرَّ بأرضٍ يُقَالُ لَهَا غَدِرَة فسَمَّاها خَضِرَة» كَأَنَّهَا كَانَتْ لَا تَسْمَحُ بالنَّبَات، أَوْ تُنْبِتُ ثُمَّ تُسْرِعُ إِلَيْهِ الآفةُ، فشُبَّهَت بالغَادِرِ لِأَنَّهُ لَا يَفي.[2]

شیخ آلبانی راوی منکر الحدیث را از راویان بخاری می داند:

﴿۷﴾ از نمونهٔ نا آگاهی شیخ آلبانی از علوم الحدیث یکی اینست که می نویسد: هٰذَا إسْنَادٌ رِجَالُهُ كُلُّهُمْ ثِقَاتٌ مَعْرُوْفُوْنَ مِنْ رِجَالِ الْبُخَارِيِّ غَيْر الْكنَانيِّ.

یعنی تمام راویان این سند ثقه و معروف از راویان صحیح بخاری می باشد بجز کنانی.[3]

شیخ آلبانی این سخن را در مورد حدیثی گفته است که ابن حِبَّان رحمه الله آن را روایت نموده و یکی از راویان آن فردی به نام «عاصم بن عمر» می باشد که خیلی زیاد ضعیف است. لیکن در طبع صحیح ابن حِبَّان تحریفی از سوی ناسخان واقع شده و بجای «عاصم بن عمر»، عاصم بن محمد نوشته شده و در «موارد الظمآن إلى زوائد ابن حِبَّان»؛ شیخ معلّمی، عبد الرزاق حمزه و آلبانی از آن غافل مانده اند!!![4]

---

[1] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ۴۱۹/۱ حدیث ۲۰۸

[2] النهاية في غريب الحديث والأثر لابن الأثير: ۳۴۵/۳ (غَدَرَ)

[3] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ۴۳۸/۱ حدیث ۲۲۳

[4] موارد الظمآن إلى زوائد ابن حبان: ۲۰۳/۱ حدیث ۲۹۰ باب فيمن بصق في القبلة

همین حدیثِ ابن حِبَّان را امام بَزَّار ﵀ از زعفرانی با همان إسنادِ ابن حِبَّان روایت می کند، ولی راوی در آن عاصم بن عمر است چنانکه در «مجمع الزوائد»[١] و «زوائد البَزّارِ»[٢] امام هَیْثَمِی ﵀ مذکور می باشد.

در مورد عاصم بن عمر، امام بخاری ﵀ می گوید: او منکر الحدیث است.

ابن حِبَّان ﵀ می گوید: بسیار منکر الحدیث است.

امام ترمذی ﵀ می گوید: متروک است.

و بار دیگری گفت: لَیْسَ بِثِقَةٍ. ثقه نیست....[٣]

برخی کوشیده اند از ضعف او بکاهند ولی راوی ای که امام بخاری ﵀ درباره‌اش بگوید: «منکر الحدیث»، روایت کردن حدیث از او حلال نمی باشد. شیخ آلبانی خود نیز این سخن را از امام بخاری ﵀ در چندین جا در «سلسۀ احادیث ضعیفۀ» خود آورده است.[٤]

اما اینکه عاصم بن عمر را ابن حِبَّان ﵀ در کتاب الثقات ذکر کرده، باید دانست که شیخ آلبانی به توثیق ابن حِبَّان التفاتی نمی کند، و بارها توثیق وی را بی‌اهمیت قرار داده است، و نباید از یاد برد که ابن حِبَّان ﵀ خود نیز عاصم بن عمر را در کتاب

---

[١] مجمع الزوائد ومنبع الفوائد للهیثمی: ١٩/٢ حدیث ٢٠٠٦ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابٌ فِي الْبُصَاقِ فِي الْمَسْجِدِ

[٢] كشف الأستار عن زوائد البزار للهیثمی: ٢٠٨/١ حدیث ٤١٣ كِتَابُ الصَّلاةِ، بَابٌ الْبُصَاقُ فِي الْمَسْجِدِ

[٣] تهذیب التهذیب لابن حجر: ٥١/٥ عاصم بن عمر

[٤] سلسلة الأحادیث الضعیفة للآلبانی: ٧١٠/١ تحت حدیث ٤٩٥ | سلسلة الأحادیث الضعیفة للآلبانی: ٢/٢ تحت حدیث ٥٠٣ | سلسلة الأحادیث الضعیفة للآلبانی: ٢/ ٨٦ تحت حدیث ٦٢٠ و...

الضعفاء ذکر می کند و می گوید جداً منکر الحدیث است.[۱]

حالا بنده در اینجا می پرسم، آیا این طرز کار شیخ آلبانی در صحیح یا ضعیف قرار دادن یک حدیث، یک قاعدهٔ اصولی است که محدثین بنیادش نهاده اند؟ و آیا این روش مخصوصی که شیخ آلبانی مردم را بسوی آن وگُزیدن آن فرا می‌خواند همان روش محدثین پیرامون تصحیح و تضعیف رُوات می باشد؟ و یا آنکه این روش شیخ آلبانی در بازی کردن با احادیث شریفه درست همانگونه است که بازی کردن اطفال با توپ فوتبال؟

شیخ آلبانی فرق بین متابِع و شاهِد را نمی داند:

۸) شیخ آلبانی در کتاب «جَلْبَابُ المرأَةِ المُسْلِمَةِ» حدیثی از حضرت بُرَیْدَةَ ﷺ را ذکر می کند و سپس می گوید:

شَرِیْکٌ سَیِّئُ الْحِفْظِ لٰکِنَّهُ قَدْ تُوْبَعَ».

«شریک حافظه‌اش خراب است ولی حدیث متابع دارد».[۲]

آنگاه حدیثی از حضرت علی بن ابی طالب ﷺ در تائید معنای حدیث بُرَیْدَةَ ﷺ را می آورد. اینکار شیخ آلبانی دلالت واضح دارد که او فرق بین «المتُابِع» و «الشَّاهِد»[۳] در فن حدیث را نمی‌داند.

---

[۱] قال ابن حَجَر العسقلانی ﷺ: وذکره أیضاً فی الضعفاء فقال منکر الحدیث جداً.
تهذیب التهذیب للعسقلانی: ۵۲/۵ عاصم بن عمر

[۲] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ۷۷ حاشیهٔ ۲

[۳] الشاهد: حدیث یساوی آخر أو یُشبهه فی المعنی فقط، والصحابی غیر واحد ...
والمتابعة: أن یُتابِعَ – أی أن یوافِقَ – راویاً ظُنَّ تفرُّده غیرُهُ فی لفظٍ ما رواه بشرط وحدة الصحابیِّ (فی متابعة غیره لغیره) ویُسمّی هٰذَا الغیرُ المتابِع، - بالکسر - والتابِع ایضاً.
قواعد فی علوم الحدیث للتهانوی: ص ۴۵ و ۴۶ | ومثله فی مبادی علم الحدیث وأصوله لعلامة شبیر احمد العثمانی: ص ۷۵ ←

شیخ آلبانی فرق بین طریقَیْن و حدیثَیْن را نیز نمی داند:

همچنین از اینجا دانسته می شود که شیخ آلبانی تفاوتِ بین «الطریقَیْن» و «الحدیثَیْن» را نیز نمی داند، لذا می گوید:

«أَلْحَدِیْثُ حَسَنٌ بِهٰذَیْنِ الطَّرِیْقَیْنِ».

این حدیث به سبب این دو طریق روایت حَسَن است.[1]

شیخ محترم! از شما می پرسیم آیا حدیث حضرت بُرَیْدَة رضی الله عنه و حضرت علی رضی الله عنه دو حدیث می‌باشند یا دو طریقِ یک حدیث واحد؟!

شیخ آلبانی به دلخواه خود حدیث را صحیح یا ضعیف قرار می دهد:

سپس آلبانی حدیث فوق «شریک» را حَسَن قرار می‌دهد ولی در اسناد آن حدیث «أبو ربیعة» وجود دارد.

حافظ ابن حَجَر رحمه الله در موردش می‌گوید: مَقْبُولٌ، وَحَدِیْثُهُ هٰذَا مِنْ افْرَادِهِ[2]، یعنی ابو ربیعه «مَقْبُولٌ» است و این حدیثش از افراد اوست.

← به زبان ساده؛ «متابِع یا تابِع» در فن حدیث آن حدیثی را می گویند که بخاطر تائید معنی یک حدیث دیگر جهت استدلال پیش کنند، ولی صحابی روایت کننده در هر دو حدیث یک شخص باشد. و «شاهد» در علم حدیث آن حدیثی را می گویند که بخاطر تائید معنی یک حدیث دیگر پیش کنند ولی این دو حدیث از دو صحابی مختلف روایت شده باشد.

شیخ آلبانی از این قاعده نا آگاه و بی خبر است و متابِع و شاهِد را یک چیز می پندارد.

[1] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ۷۷ حاشیهٔ ۲

[2] تهذیب التهذیب للعسقلانی: ۹۴/۵۱۲ ابو ربیعة الایادی شمارهٔ ۴۱۳ | تقریب‌التهذیب لابن حجر: ص ۶۳۹ أبو ربیعة الإیادي

(یعنی بجز او کس دیگری آن را روایت نکرده. [۱] مراجعه شود به تهذیب).

آلبانی خود در مورد راوی ای بنام «أبو خالد» از ابن حَجَر رحمه الله حکایت می کند که «أنَّهُ مَقبُولٌ» و سپس خودش آن را تفسیر نموده می گوید: یعنی لیِّن الحدیث است و او این جمله را افراداً (به تنهائی) بیان کرده، بناءً «هٰذَا سَنَدٌ ضَعِیْفٌ»، این سند ضعیف است. [۲]

سوال حالا اینجاست که چه چیزی شیخ آلبانی را واداشت که آن حدیث را حَسَن قرار بدهد و این حدیث را ضعیف؟!

شیخ آلبانی حدیث سَلَمَة بن ابی الطُّفَیل را حَسَن قرار می دهد در حالی که او «مجهول» است، مطابق گفتهٔ ابن خراش رحمه الله، و بجز ابن حِبَّان رحمه الله کس دیگری او را توثیق نمی کند، ولی شیخ آلبانی بر توثیق ابن حِبَّان اعتماد ندارد.

اما اینکه ابن حَجَر رحمه الله می گوید که فِطر بن خلیفة نیز از سَلَمَة روایت کرده، مخدوش است، زیرا فِطر از سَلَمَة بن ابی الطفیل روایت نمی‌کند بلکه از سَلَمَة بن الطفیل روایت می‌کند و فیصلهٔ قطعی که هر دوی آنها یک شخص باشد جایز نیست.

و اگر بالفرض گفتهٔ ابن حَجَر رحمه الله را بپذیریم، دراین‌صورت سَلَمَة بن ابی الطُّفَیل مستور می‌باشد و بجز ابن حِبَّان رحمه الله کسی او را توثیق نکرده و توثیق ابن حِبَّان نزد آلبانی لیّن می‌باشد، پس حدیث او را شیخ آلبانی چگونه حَسَن قرار می دهد؟!

---

[۱] وقال ابن حَجَر فیه: منکر الحدیث. لسان المیزان لابن حجر: ٣٠٦/٤ عمر بن ربیعة أبو ربیعة الإیادي

[۲] سلسلة الأحادیث الصحیحة للآلبانی: ٧٢٠/١ تحت حدیث ٣٧٦

شیخ آلبانی از طُرق حدیث نا آگاه است:

﴿۹﴾ آلبانی در کتاب «جلباب المرأة المسلمة»[۱] خود حدیثی را ذکر کرده آن را به ابن سَعْد رحمه الله نسبت داده است. در إسناد آن رِبْعِيُ بن حِراش عَنْ إمرأةٍ عَن أخْتِ حُذَيْفَة قرار دارد و همان حدیث را در کتاب «آداب الزفاف»[۲] خود ذکر می‌کند و به نَسائی و ابوداود نسبت می دهد و در إسناد آن رِبْعِيُ بن حِراش عَنْ إمْرَأَتِهِ وجود دارد.

شیخ آلبانی نمی داند که «المرأة = زن» در تمام أسانید این حدیث همان همسر رِبْعِی می‌باشد و ناشر ابن سَعْد دچار تحریف شده هاء «إمرأته» از او ساقط شده و او بجایش «إمرأةً» نوشته است، و آلبانی از آن نا آگاه بوده در کتاب «جلباب المرأة المسلمۀ» خود گفته است که «در إسناد آن زنی است که نام گرفته نشده»[۳] ولی در کتاب «آداب الزفاف» می گوید که «در سند این حدیث همسر رِبعِی قرار دارد».[٤]

شیخ آلبانی گویا خود و همنظران خود را تکفیر می کند:

﴿۱۰﴾ شیخ آلبانی از صَنْعانی رحمه الله حکایت می کند که:

---

[۱] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ۸۹
[۲] آداب الزفاف للآلبانی: ص ۲۸۵
[۳] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ۸۹
[٤] آداب الزفاف للآلبانی: ص ۲۸۵

«هرگاه کسی با کافری در لباس مشابهت اختیار نماید و معتقد باشد که به این وسیله مانندش می‌شود، او کافر است... و حکایت می کند که تکفیر اینها عین ظاهر حدیث است».[١]

شیخ آلبانی عبارت بالا را نقل کرده بر درستی آن اعتراف دارد، ولی بنده بیم دارم که شیخ آلبانی ناخودآگاهانه اقرار به کفر خود کرده باشد و همراهان و همفکران خود را که با اروپائی ها و انگلیس ها در لباس مشابهت اختیار می‌کنند متهم به کفر نموده باشد، زیرا مردم همواره آلبانی و همراهان و همفکرانش را می بینند که پوشاک اروپائی می پوشند و مانند اروپائیان با سرهای برهنه می‌گردند و بر میز غذا می‌خورند و در خوراک با کفار اروپا مشابهت اختیار می نمایند تا مردم آنها را بسان اروپائی‌ها متمدّن و روشنفکر تصوُّر کنند و آنها را متهم به ارتجاع و تحجُّر نکنند.

آنها دوست دارند از نگاه تمدُّن و روشنفکری مانند کفار اروپا باشند، و لذا اطفال‌گونه، رسم و رواج اروپائی‌ها را نقّالی می‌کنند و خود را با لباس‌های اروپائی می‌آرایند و آداب نشست و برخاست، محفل و مجلس، مکاتب و غذاخوری های اروپائی را بر فرهنگ اهل اسلام که نسل به نسل از اسلاف به ارث برده اند ترجیح می دهند؟

آیا شیخ آلبانی و همراهان و همفکرانش نمی دانند که به سند صحیح از حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثابت است که «وَلاَ أَكَلَ عَلَى خِوَانٍ قَطُّ» که آنحضرت هیچگاه بر میز غذا نخوردند... بلکه «عَلَى السُّفَرِ» بر همین دسترخوان‌ها غذا تناول می کردند.[٢]

---

[١] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: حاشیة ٢٠٦

[٢] صحیح البخاری: ٧٠/٧ حدیث ٥٣٨٦ كِتَابُ الأَطْعِمَةِ، بَابُ الخُبْزِ المُرَقَّقِ وَالأَكْلِ عَلَى الخِوَانِ وَالسُّفْرَةِ

شیخ آلبانی هر حدیث با صیغۀ مجهول را ضعیف می داند

۱۱ از دلائل واضح بی بضاعتی و عدم علم شیخ آلبانی از علوم الحدیث، اصرار شدیدش بر اینست که صیغۀ فعل مجهول دائماً برای تمریض (ضعیف بودن روایت) استعمال می‌شود، بنابرین هر حدیث یا قولی که با صیغۀ «رُوِیَ» یا «یُرْوَی» یا «یُذْکَر» بیاید حتماً ضعیف می باشد.[۱]

این اصرار شیخ آلبانی پندار فاسد بوده و اعتقادی است که بطلان آن هویداست. زیرا چه اندازه احادیث یا اقوال اند که با صیغۀ مجهول آمده اند ولی بدون ذره‌ای شک و تردید صحیح و قوی می باشند.

برخی از آنها را به عنوان نمونه در ذیل می آوریم:

۱ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ ...».

یعنی از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت شده که هلاکت باد بر پاشنه های که آنها را در وضو نمی شویند ...[۲]

علامه مُنْذِری رحمه الله می نویسد:[۳] اشارۀ ترمذی به حدیثی است که طَبَرَانی در «مُعْجَمُ کبیر» خود و ابن خُزَیْمَة در «صحیح»[٤]

---

[۱] «رُوِیَ» یعني روایت شده، «یُرْوَی» روایت می شود، «یُذْکَر» ذکر می گردد.

[۲] جامع الترمذی: ۵۸/۱ حدیث ۴۱ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ، بَابُ مَا جَاءَ وَيْلٌ لِلْأَعْقَابِ مِنَ النَّارِ

[۳] الترغیب والترهیب للمنذری: ۱۷۰/۱ حدیث ۸ کتاب الطهارة، الترغیب في تخلیل الأصابع، والترهیب من ترکه ...

[٤] صحیح ابن خزیمه: ۱۲۱/۱ حدیث ۱۶۲ كِتَابُ الْوُضُوءِ، بَابُ التَّغْلِيظِ فِي تَرْكِ غَسْلِ بُطُونِ الْأَقْدَامِ فِي الْوُضُوءِ

خود روایت نموده اند.[1]

﴿۲﴾ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ، «أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ تَوَضَّأَ ثَلَاثًا ثَلَاثًا».

یعنی از ابوهریره رضي الله عنه روایت شده که آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در هنگام وضو اعضای شستنی وضو را سه سه بار شستند.[2]

شیخ مُبارکپُوری غیرمقلّد می‌گوید:[3]

«این حدیث را با سندی که در آن اشکالی وجود ندارد ابن ماجه تخریج نموده است».[4]

﴿۳﴾ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَهَذَا أَصَحُّ مِنْ حَدِيثِ شَرِيْكٍ، لِأَنَّهُ قَدْ رُوِيَ مِنْ غَيْرِ وَجْهٍ.

یعنی این حدیث صحیح تر از حدیث شریک است زیرا به طُرُق مختلف روایت شده است.[5]

﴿۴﴾ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

حَدِيث عَمَّار حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ وَقَدْ رُوِيَ عَنْ عَمَّارٍ مِنْ غَيْرِ وَجْهٍ

یعنی حدیث عَمَّار رضي الله عنه حدیث حَسَن صحیح است و به طُرُق مختلف از حضرت عَمَّار رضي الله عنه روایت شده است.[6]

---

[1] واین حدیث چنانکه محقق کتاب در حاشیهٔ آن تصریح کرده حدیث صحیح است. صحیح ابن خزیمه: ۱۲۱/۱ حاشیهٔ حدیث ۱۶۲

[2] جامع الترمذی: ۶۲/۱ حدیث ۴۳ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي الْوُضُوءِ مَرَّتَيْنِ مَرَّتَيْنِ

[3] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ۱۳۱/۱ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ، بَاب مَا جَاءَ فِي الْوُضُوءِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا

[4] و سند این حدیث حَسَن بوده در موجودیت شواهد دیگر وفق گفتهٔ شیخ شعیب ارناؤوط صحیحٌ لِغَيْرِهِ می باشد.

سنن ابن ماجه: ۲۶۷/۱ حدیث ۴۱۵ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ وَسُنَنِهَا، بَابُ الْوُضُوءِ ثَلَاثًا ثَلَاثًا.

و حتی خود شیخ آلبانی این حدیث را صحیحٌ لِغَيْرِهِ می داند. صحیح سنن ابن ماجة: ۱۴۲/۱ حدیث ۳۴۰ چاپ مکتبة المعارف للنشر والتوزیع، الریاض،

[5] جامع الترمذی: ۶۵/۱ حدیث ۴۶ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ، بَابُ فِي الْوُضُوءِ مَرَّةً، وَمَرَّتَيْنِ، وَثَلَاثًا

[6] جامع الترمذی: ۲۶۸/۱ حدیث ۱۴۴ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّيَمُّمِ

۵ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ عَنْ عَمَّارٍ أَنَّهُ قَالَ: تَيَمَّمْنَا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ....

یعنی از حضرت عَمَّار رضی الله عنه روایت شده که ما در موجودیت آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... تیمُّم می کردیم.[۱]

شیخ مُبارکپُوری غیرمقلّد می گوید:

أَيْ مِنْ غَيْرِ طَرِيقٍ وَاحِدٍ بَلْ مِنْ طُرُقٍ كَثِيرَةٍ.

یعنی این حدیث نه از یک طریق بلکه از طُرُق بسیاری روایت شده است.[۲]

۶ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَقُولُ بَعْدَ التَّسْلِيمِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ...».

یعنی روایت شده که آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بعد از سلام «لَا إِلَهَ إِلَّا الله وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ...» می گفتند.[۳]

شیخ مبارکپوری غیرمقلد می گوید: این حدیث را شیخَیْن، (امام بخاری رحمه الله و امام مسلم رحمه الله) تخریج نموده اند.[٤]

۷ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللّه عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ «قَرَأَ فِي الظُّهْرِ قَدْرَ تَنْزِيلِ السَّجْدَةِ».

یعنی روایت شده که آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نماز ظهر به اندازۀ سورۀ تنزیل قرائت می کردند.[۵]

---

[۱] جامع الترمذی: ۲٦۸/۱ حدیث ١٤٤ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّيَمُّمِ

[۲] تحفة الأحوذی للمبارکپوری:۳۸۳/۱ تحت حدیث ١٤٤ أَبْوَابُ الطَّهَارَةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي التَّيَمُّمِ

[۳] جامع الترمذی: ۹٦/۲ حدیث ۲۹۹ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا يَقُولُ إِذَا سَلَّمَ

[٤] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ١٦٧/٢ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا يَقُولُ إِذَا سَلَّمَ مِنْ الصَّلَاةِ

[٥] جامع الترمذی: ١١٠/٢ حدیث ٣٠٧ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي الظُّهْرِ وَالعَصْرِ

این حدیث را امام مُسْلِم رحمه الله تخریج نموده است[۱] چنانکه در «التحفة» آمده است.[۲]

۸ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَرُوِي عَنْ عُمَرَ أَنَّهُ كَتَبَ إِلَى أَبِي مُوسَى ...

روایت شده که حضرت عمر رضی الله عنه به حضرت ابوموسی رضی الله عنه نوشت ...[۳]

در ثبوت آن از حضرت عمر رضی الله عنه هیچ شک و شبهه‌ای وجود ندارد.[٤]

۹ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَرُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ كَانَ يَقْرَأُ فِي الفَجْرِ مِنْ سِتِّينَ آيَةً إِلَى مِائَة.

یعنی روایت شده که حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در نماز صبح از ٦۰ تا ۱۰۰ آیت می خواندند.[٥]

شیخ مبارکپوری غیرمقلّد می گوید:

این حدیث را شیخَیْن (امام بخاری رحمه الله و امام مُسلم رحمه الله) تخریج نموده اند.[٦]

۱۰ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

---

[۱] صحیح مسلم: ۳۳۳/۱ حدیث ٤٥۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ الْقِرَاءَةِ فِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ

[۲] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ۱۸٥/۲ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي الظُّهْرِ وَالعَصْرِ

[۳] جامع الترمذی: ۱۱۰/۲ حدیث ۳۰۷ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي الظُّهْرِ وَالعَصْرِ

[٤] نصب الراية للزيلعی: ٥/۲ فصل فی القراءة | مُصَنَّف عبد الرزاق: ۱۰٤/۲ حدیث ۲٦۷۲ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا يُقْرَأُ فِي الصَّلَاةِ

[٥] جامع الترمذی: ۱۰۸/۲ حدیث ۳۰٦ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي الصُّبْحِ

[٦] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ۱۸۳/۲ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي الصُّبْحِ

وَرُوِيَ عَنْهُ أَنَّهُ قَرَأَ: إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ.

يعنی روایت شده که آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سورۀ إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ را قرائت کردند.[١]

شیخ مبارکپوری می گوید:[٢] آن را نَسائی تخریج نموده.[٣]

﴿١١﴾ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَرُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَرَأَ فِي المَغْرِبِ بِالطُّورِ.

روایت شده که حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سورۀ طور را در نماز مغرب قرائت می کردند.[٤]

شیخ مبارکپوری غیرمقلّد می گوید: آن را شیخَیْن و غیره تخریج نموده اند.[٥]

﴿١٢﴾ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَرُوِيَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ، أَنَّهُ «قَرَأَ فِي المَغْرِبِ بِقِصَارِ المُفَصَّلِ».

روایت شده که حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه در نماز مغرب قِصَار مُفَصَّل را قرائت کردند.[٦]

این روایت را امام مالک رحمه الله و ابن أبی شیبة رحمه الله و امام بَیْهَقی رحمه الله و عبد الرزاق رحمه الله تخریج نموده اند و صحیح است.[٧]

﴿١٣﴾ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

---

[١] جامع الترمذی: ١٠٨/٢ حدیث ٣٠٦ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي الصُّبْحِ

[٢] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ١٨٣/٢ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي الصُّبْحِ

[٣] حتی خود شیخ آلبانی نیز این حدیث را صحیح خوانده است. صحیح سنن النسائی للآلبانی: ٣١٥/١ و ٣١٦ حدیث ٩٥٠ چاپ مكتبة المعارف للنشر والتوزيع

[٤] جامع الترمذی: ١١٢/٢ حدیث ٣٠٨ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي المغربِ

[٥] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ١٨٨/٢ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي المغرب

[٦] جامع الترمذی: ١١٢/٢ حدیث ٣٠٨ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي القِرَاءَةِ فِي المغربِ

[٧] موطأ الإمام مالک: ٨٤/١ حدیث ٢١٨ ما جاء في القراءة في صلاة المغرب | مُصَنَّف عبد الرزاق: ١٠٩/٢ حدیث ٢٦٩٨ كِتَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ القراءة فی المغرب

وَقَدْ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ: «مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ إِقَامَةُ الصَّفِّ»، وَرُوِيَ عَنْ عَلِيٍّ، وَعُثْمَانَ، أَنَّهُمَا كَانَا يَتَعَاهَدَانِ ذَلِكَ.

روایت شده که حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمودند: درست کردن صف از کمال نماز است [1] و روایت شده که حضرت عثمان رضی الله عنه و حضرت علی رضی الله عنه بر آن پابندی داشتند. [2]

همهٔ اینها ثابت می باشند. [3]

۱۴ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ مِنْ غَيْرِ هَذَا الوَجْهِ عن أَنَسٍ».

این حدیث به طریقی غیر از این طریق از حضرت اَنَس رضی الله عنه روایت شده است. [4]

شیخ مبارکپوری غیرمقلّد می گوید:

آن را بخاری رحمه الله و مُسْلِم رحمه الله و غیره روایت کرده اند. [5]

۱۵ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ عَنْ عَائِشَةَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نَحْوَ هَذَا.

---

[1] مسند احمد: ۳۴٦/۲۲ حدیث ١٤٤٥٤

وقال محققو المسند: صحيحٌ لغيره، وهذا إسناد حَسَنٌ، عبد الله بن محمد بن عقيل يعتبر به في المتابعات والشواهد فيحسن حديثه، وباقي رجال الإسناد ثقات من رجال الشيخين. وهو في مُصَنَّف عبد الرزاق (٢٤٢٥)، ومن طريقه أخرجه أبو يعلى (٢١٦٨)، والطبراني في «الكبير» (١٧٤٤)، وفي «الأوسط» (٣٠٠٩). وفي الباب عن أَنَسٍ، سلف برقم (١٢٢٣١) و (١٢٨١٣) وغيرهما، وهو متفق عليه.

[2] جامع الترمذی: ٤٣٨/١ حديث ٢٢٧ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي إِقَامَةِ الصُّفُوفِ

[3] موطأ الإمام مالک: ١٦٤/١ حدیث ٤٢٣ ماجاء في تسوية الصفوف

[4] جامع الترمذی: ٥/٣ حديث ٦١٩ أَبْوَابُ الزَّكَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ إِذَا أَدَّيْتَ الزَّكَاةَ فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ

[5] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ٢٠٠/٣ تحت حديث ٦١٩ أَبْوَابُ الزَّكَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ إِذَا أَدَّيْتَ الزَّكَاةَ فَقَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ

از حضرت عائشه رضی الله عنها از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مانند همین حدیث روایت شده.[1]

شیخ مبارکپوری غیرمقلّد می‌گوید:

حدیث عائشه رضی الله عنها را امام مُسْلِم رحمه الله تخریج کرده است.[2]

۱۶ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ أَنَّهُ كَانَ يَحْلِفُ...[3]

سپس خود امام ترمذی رحمه الله سند آن را ذکر می کند و می گوید: «هَذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ».[4]

۱۷ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَهَذَا أَصَحُّ لِأَنَّهُ رُوِيَ عَنْ ابْنِ جُرَيْجٍ.

یعنی این صحیح تر است زیرا از ابن جُرَیْج روایت شده.[5]

امام ترمذی رحمه الله در اینجا کلام ابن جُرَیْج را با صیغهٔ «رُوِيَ» تعبیر می کند و بر ارسال این حدیث بر او اعتماد می نماید. این دلیل است که امام ترمذی رحمه الله صیغهٔ «رُوِيَ» را بطور دائمی برای تضعیف نمی داند.

۱۸ امام ترمذی رحمه الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ مِنْ غَيْرِ هَذَا الوَجْهِ.

یعنی این حدیث از طریق دیگر نیز روایت شده.[6] آنگاه حدیث را با سند آن آورده می گوید:

---

[1] جامع الترمذی: ۴۱/۳ حدیث ۶۶۲ أَبْوَابُ الزَّكَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الصَّدَقَةِ

[2] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ۲۶۴/۳ تحت حدیث ۶۱۹ أَبْوَابُ الزَّكَاةِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي فَضْلِ الصَّدَقَةِ

[3] جامع الترمذی: ۱۴۹/۳ حدیث ۷۹۲ أَبْوَابُ الصَّوْمِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي لَيْلَةِ القَدْرِ

[4] جامع الترمذی: ۱۵۱/۳ حدیث ۷۹۲ أَبْوَابُ الصَّوْمِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي لَيْلَةِ القَدْرِ

[5] جامع الترمذی: ۱۰۳/۳ حدیث ۷۳۵ أَبْوَابُ الصَّوْمِ، بَابُ مَا جَاءَ فِي إِيجَابِ القَضَاءِ عَلَيْهِ

[6] جامع الترمذی: ۲۹۲/۲ حدیث ۴۲۷ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بابٌ آخر

هٰذَا حَدِيثٌ حَسَنٌ صَحِيحٌ». [۱]

۱۹ امام ترمذی رحمه‌الله می گوید:

هَذَا حَدِيثٌ قَدْ رُوِيَ مِنْ غَيْرِ وَجْهٍ عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ».

این حدیث از طُرُق دیگر نیز از حضرت ابوهریره رضي‌الله‌عنه روایت شده است. [۲]

شیخ مبارکپوری غیرمقلّد می گوید: حدیث ابوهریره رضي‌الله‌عنه را شیخَیْن (امام بخاری رحمه‌الله و امام مُسلم رحمه‌الله) تخریج نموده اند. [۳]

۲۰ امام ترمذی رحمه‌الله می گوید:

وَقَدْ رُوِيَ عَنِ إبْنِ عَبَّاسٍ.

از عبد الله بن عباس رضي‌الله‌عنه روایت شده ... [٤]

شیخ مبارکپوری غیرمقلّد می گوید:

آن را ابن خُزَیْمَة تخریج نموده است. [٥]

۲۱ امام بخاری رحمه‌الله می گوید:

وَيُذْكَرُ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... (فِى الرُّقَى بِفَاتِحَةِ الكِتَابِ).

یعنی ذکر شده از حضرت عبد الله بن عباس رضي‌الله‌عنه از پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ... [٦]

---

[۱] جامع الترمذی: ۲۹۲/۲ حدیث ٤۲۸ أَبْوَابُ الصَّلَاةِ، بابٌ آخر

[۲] جامع الترمذی: ٦۱/٥ حدیث ۲۷۰۳ کتاب الاستئذان، بَابُ مَا جَاءَ فِي تَسْلِيمِ الرَّاكِبِ عَلَى المَاشِي

[۳] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ٤۰۱/۷ حدیث ۲۷۰۳ کتاب الاستئذان

[٤] جامع الترمذی: ٦٦/٥ حدیث ۲۷۱۲ کتاب الاستئذان، بَابُ مَا جَاءَ فِي كَرَاهِيَةِ طُرُوقِ الرَّجُلِ أَهْلَهُ لَيْلًا

[٥] تحفة الأحوذی للمبارکپوری: ٤۱۰/۷ حدیث ۲۷۱۲ کتاب الاستئذان، باب ما جاء كَرَاهِيَةِ طُرُوقِ الرَّجُلِ أَهْلَهُ لَيْلًا

[٦] صحیح البخاری: ۱۳۱/۷ كِتَابُ الطِّبِّ، بَابُ الرُّقَى بِفَاتِحَةِ الكِتَابِ

علامه ابن حَجَر رحمه الله می نویسد:

وَصَلَهُ الْمُؤَلِّفُ بَعْدَ بَابٍ، امام بخاری آن را در باب بعدی با سند آورده است.[۱]

﴿۲۲﴾ امام بخاری رحمه الله می گوید:

«وَيُذْكرُ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ السَّائِبِ ...»

از حضرت عبد الله بن سائب رضی الله عنه ذکر می شود که ...[۲]

علامه ابن حَجَر رحمه الله می نویسد:

این حدیث طبق شروط امام مُسْلِم رحمه الله صحیح بوده لذا آن را در «صحیح» خود تخریج نموده است.[۳]

﴿۲۳﴾ امام بخاری رحمه الله می گوید:

وَيُذْكَرُ عَنْ عُثْمَانَ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لَهُ: إِذَا بِعْتَ فَكِلْ ...

از حضرت عثمان رضی الله عنه ذکر می‌شود که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمودند: چون فروش کردی، پیمانه اش کن.[٤]

علامه ابن حَجَر رحمه الله دربارهٔ آن می گوید:

فَالْحَدِيثُ حَسَنٌ. حدیث حَسَن است.[٥]

حقیقتی که شایان قبول در این باره می‌باشد این است که مناسب هست هر دو صیغهٔ جزم و تمریض را معتبر دانست، بناءً

[۱] فتح الباری لابن حجر: ٦٠/١ المقدمة، فِي تَفْسِيرِه سُورَة حم السَّجْدَة

[۲] صحیح البخاری: ١٥٤/١ كِتَابُ الأَذَانِ، بَابُ الجَمْعِ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ فِي الرَّكْعَةِ

[۳] فتح الباری لابن حَجَر: ١٨/١ المقدمة، الْفَصْل الرَّابِع... | فتح الباری لابن حَجَر: ٢٥٥/٢ كِتَابُ الأَذَانِ، (بَابُ الْجَمْعِ بَيْنَ السُّورَتَيْنِ فِي رَكْعَةٍ وَالْقِرَاءَةِ بِالْخَوَاتِمِ ...)

[٤] صحیح البخاری: ٦٧/٣ كِتَابُ البُيُوعِ، بَابُ الكَيْلِ عَلَى البَائِعِ وَالمُعْطِي

[٥] فتح الباری لابن حَجَر: ١٨/١ المقدمة، الْفَصْل الرَّابِع...

شایسته نیست صیغۀ جَزم بر روایت ضعیفی اطلاق شود و نیز سزاوار نیست که صیغۀ تمریض بر روایت صحیح و قوی‌ای اطلاق گردد، لیکن این امر را بسیاری از مُصنِّفین چه فقهاء و چه غیر ایشان نادیده گرفته اند، چنانکه علامه ابن حَجَر رحمه الله از امام نَوَوِی رحمه الله در مقدمۀ فتح الباری آورده است.[۱]

اما معنای اینکه صیغه های مجهول برای تمریض می باشد اینست که آن صیغه‌ها استعمال شوند و مراد از آنها تمریض باشد و مراد این نیست که آنها تنها برای تمریض وضع شده‌اند و همیشه و دائماً فقط برای تمریض استعمال می گردند و بس.

مگر آنکه یکی از مُصنِّفین آن را در کتاب خود التزام کرده باشد، مانند امام مُنْذری رحمه الله در کتاب «الترغیب والترهیب» خود، زیرا امام مُنْذری رحمه الله تصریح نموده که هرگاه حدیثی را در آن کتاب بیاورد که در آغازش کلمۀ «یُرْوٰی» یا «رُوِیَ» باشد، معنایش اینست که آن حدیث ضعیف می باشد.

اما برعلاوۀ مُنْذری رحمه الله، مصنِّفین دیگر روش‌های جداگانه دارند. مثلاً امام بخاری رحمه الله جائی که صیغۀ تمریض را استعمال کند، معنی حدیث صحیح تنها از آن اخذ نمی شود، (یعنی صیغۀ تمریض در نزد بخاری تنها دلالت بر صحت حدیث نمی‌کند) بلکه برخی از آن روایات، صحیح می‌باشند و برخی حَسَن اند و برخی ضعیف. علامه ابن حَجَر برآن تصریح نموده با مثال‌های گوناگون آن را مُبَرْهَن ساخته است.[۲]

خلاصه اینکه روایتی که با صیغۀ تمریض آورده یا ذکر شود صحت آن روایت را افاده نمی کند، لیکن اینهم لازم نمی آید که

---

[۱] فتح الباری لابن حَجَر: ۱۹/۱ المقدمة، الْفَصْل الرَّابِع...

[۲] فتح الباری لابن حَجَر: ۱۸/۱ و ۱۹ المقدمة، الْفَصْل الرَّابِع ...

روایت مذکور حتماً ضعیف باشد.

لذا ابن تیمیه رحمه الله را می بینید که در کتاب خود «ألكَلِمُ الطَّيِّب» حدیثی را با صیغهٔ «يُذكَر» می آورد که خود صحیح بوده شاهد صحیحی نیز دارا هست،[۱] اما شیخ آلبانی به سبب بی خبری‌اش از فن حدیث در مقابل می گوید:

«لَا وَجْهَ عِنْدِی لِتَمْرِيْضِهِ».

یعنی تمریض آن نزد من وجهی ندارد.[۲] (ص: ۷۵) و سپس حدیث دیگر با همین صیغه را می‌آورد که حَسَن است.(ص:۵۱)

---

[۱] الكَلِمُ الطَّيِّب لابن تيمية: ص ۳۸ في دخول المسجد والخروج منه

[۲] شیخ آلبانی این عبارت را از چاپهای جدید تخریج الكَلِمُ الطَّيِّب خود حذف کرده است.

شیخ آلبانی دیده و دانسته کتمانِ علم می کند

۱۲ یکی از شواهد جفای شیخ آلبانی بر عدل و انصاف و گریزش از حق اینست که وقتی می‌خواهد حدیث هَیْثَم بن حَنَش در مورد «یا مُحَمَّد» گفتن حضرت عبد الله بن عمر ﷺ را ضعیف نشان بدهد،[۱] از خطیب بغدادی حکایت می کند که أَلْهَیْثَمُ هٰذَا مَجْهُوْلٌ، هَیْثَم مجهول است، و به همین مقدار اکتفاء می نماید، و به اینگونه وانمود می کند که هَیْثَم را کسی بجز خطیب نام نبرده و چیزی غیر از این روایت را از او نمی دانند.[۲]

حالآنکه حقیقت اینست که هَیْثَم بن حَنَش را امام بخاری ﷺ در «التاریخ الکبیر» خود[۳] و ابن ابی حاتم ﷺ در «الجرح والتعدیل»[٤] ذکر کرده اند و هر دوی ایشان تصریح نموده اند که سَلَمَة بن کُهَیْل نیز از وی روایت می کند که به اینگونه مجهول بودن هَیْثَم برطرف شده عدم آگاهی خطیب ثابت می گردد.

هر دوی این مرجع پیشِ چشم شیخ آلبانی بود، زیرا وی توسط شیخ مُعَلِّمی از گفتار خطیب بغدادی آگاهی یافته است و شیخ مُعلِّمی این گفتار خطیب را در «تعلیق» خود بر تاریخ بخاری نقل کرده است.

---

[۱] عن الْهَیْثَمِ بْنِ حَنَشٍ قَالَ: کنَّا عِندَ عَبدِ اللهِ بنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنهُمَا، قَالَ: فَخَدِرَتْ رِجْلُهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: اذْکُرْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَیْكَ، فَقَالَ: یَا مُحَمَّدُ. فکَأَنَّمَا نَشط مِنْ عقالٍ.
الکَلِمُ الطَّیِّب لابن تیمیة: ص ٩٦ فِي الرِّجْلِ إِذَا خَدِرَتْ

[۲] تخریج الکَلِمُ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۱۷۳ فی الرِّجل أذا خَدِرَتْ

[۳] التاریخ الکبیر للبخاری: ۲۱۳/۸ الهَیثَمُ بنُ حَنَش

[٤] الجرح والتعدیل لابن ابی حاتم: ۷۹/۹ الهَیثَم بن حَنَشٍ

ولی جناب شیخ آلبانی حق سپاس را ادا نکرد، زیرا اگر اداء می‌کرد آنچه را در صدد کتمانش بود ـ یعنی امام بخاری رحمه الله هَیْثَم را در تاریخش ذکر کرده لذا مجهول بودن هَیْثَم برطرف گردیده ـ برمَلا می شد.

اگر این نوعِ عملکرد همان چیزی است که شیخ آلبانی آن را اتباع از سنّت صحیحه می خواند و مردم را به سوی آن دعوت می دهد؛ پس سلام بر این گونه اتباع!

نمونه ای دیگر از نا آگاهی شیخ آلبانی از علم حدیث:

﴿۱۳﴾ یکی دیگر از شواهد ظلم شیخ آلبانی بر علم حدیث یا نادانی وی از علوم حدیث اینست که حدیث فوق را [۱] با دعوای اختلاط ابو اسحاق السَّبِیعِی مُعَلَّل می خواند[۲] ولی نمی داند یا آنکه دیده و دانسته کتمان می‌نماید که این حدیث را امام سفیان ثوری رحمه الله نیز روایت کرده است[۳] و او از کسانی می‌باشد که قبل از اختلاط ابو اسحاق حدیث را از او فراگرفته است، چنانکه ابن حَجَر رحمه الله در «مقدمۀ» فتح الباری برآن تصریح نموده است.

اما دعوای شیخ آلبانی که این حدیث مضطرب است مردود می باشد، زیرا بعید نیست که ابو اسحاق آن را از هر سه نفر؛ از هَیْثَم، ابُوشعبة و عبد الرحمن شنیده باشد، و گاهی از اولی آن را روایت می کند و گاهی از دومی و گاهی از سومی. و خود جناب

---

[۱] عن الْهَيْثَم بْنِ حَنَش قَالَ: كنَّا عِندَ عَبدِ اللهِ بنِ عُمَرَ رَضِيَ اللهُ عَنهُمَا، قَالَ: فَخَدِرَتْ رِجْلُهُ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: اذْكُرْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيْكَ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ. فَكَأَنَّمَا نَشط مِنْ عقالٍ. الكَلِمُ الطَّيِّب لابن تيمية: ص ٩٦ في الرِّجْلِ إِذَا خَدِرَتْ

[۲] تخريج الكَلِمُ الطَّيِّب لاآلبانی: ص ۱۷۳ فی الرِّجل أذا خَدِرَتْ

[۳] الأدب المفرد للبخاری: ص ۳۳۵ حديث ٩٦٤ بَابُ مَا يَقُولُ الرَّجُلُ إِذَا خَدِرَتْ رِجْلُهُ

آلبانی چندین احادیث را با اختراع چنین احتمالی صحیح قرار داده است.

یکی از بارزترین دلائل بی خبری شیخ آلبانی از فن حدیث:

۱۴ از بارزترین دلائل بی خبری شیخ آلبانی از علم حدیث یکی اینست که در مورد حدیث «بَرَدَ أَمْرُنَا» که ابن تیمیهٔ حنبلی رحمه‌الله آن را در «الكَلِمُ الطَّيِّب» خود آورده[1] می نویسد:

«این حدیث را در هیچ یک از کتاب های معروف حدیث نیافتم، حالآنکه ابن تیمیه می گوید که این روایت در احادیث صِحاح موجود است ... بزرگترین ترس من اینست که ابن تیمیه این روایت را با حدیث «لَقَدْ سَهُلَ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ»[2] اشتباه کرده باشد».[3]

عجب وقاحتی؛ چگونه بر ابن تیمیه رحمه‌الله که شهرت نبوغش، وسعت علم و کثرت استحضارش در علم حدیث آفاق را فراگرفته ادعای برتری را می کند؟!

شیخ آلبانی علم ندارد که علامه ابن عبد البر رحمه‌الله در کتاب «الإستيعاب» این حدیث را با سند صحیح یا حَسَن آورده و در آخرش چنین وارد است: «بَرَدَ أمْرُنَا وصَلُحَ».[4]

مراجعه نمائید به پاورقی الإصابة: ۱۷٤/۱ و ۱۷۵/۱

---

[1] الكَلِمُ الطَّيِّب لابن تيمية: ص ۱۰۰ في الفأل والطيرة

[2] صحيح البخاری: ۱۹۳/۳ حديث ۲۷۳۱ كِتَابُ الشُّرُوطِ، بَابُ الشُّرُوطِ فِي الجِهَادِ وَالمُصَالَحَةِ مَعَ أَهْلِ الحَرْبِ وَكِتَابَةِ الشُّرُوطِ

[3] تخريج الكَلِمُ الطَّيِّب للآلبانی: ص ۱۸۰ حديث ۲۵۰ في الفأل والطيرة

[4] الاستيعاب في معرفة الأصحاب لإبن عبد البر: ۱۸۵/۱ بريدة الأسلمي

و همچنین علامه ابن أثير رحمه‌الله آن را در «النهاية» ذكر كرده است. النهاية في غريب الحديث والأثر لإبن الأثير: ۱۱۵/۱ (بَرَدَ)

شیخ آلبانی مؤلفین کتب شرح حال راویان را متهم به غفلت می کند:

﴿۱۵﴾ یکی دیگر از شواهد بی خبری شیخ آلبانی از علم حدیث و شتابزدگی او در صدورِ حکمِ های بدون تحقیق و حُبّ برتری خواهی‌اش بر دیگران اینست که او مؤلفینی را که پیرامون شرح حال راویان صِحاح سِتَّه قلم فرسائی نموده اند مورد انتقاد قرار می‌دهد که چرا آنها در مورد هِلال مولی عمر بن عبد العزیز غفلت نموده شرح حال او را ذکر نکرده اند.[۱] [۲]

حالآنکه منشاء این انتقاد همان بی علمی و عدم تحقیق خود آلبانی می باشد. مؤلفین، هِلال مذکور را ذکر کرده اند و نسبت به او غفلت نورزیده اند. آنان او را در «أَلْكِنٰى» در شرح حال ابوطُعمة ذکر کرده اند، اما شیخ آلبانی نا آگاه می باشد.[۳]

شیخ آلبانی راویِّ را که چهار نفر از او روایت می کنند مجهول می داند:

از جملۀ آن بی خبری های شیخ آلبانی از فن حدیث که موجب شرمساری می‌گردد یکی اینست که حکم می‌کند که «هِلال مولی عمر بن عبد العزیز» مجهول است. مجهول قرار دادن هِلال از عدم علم خود شیخ آلبانی حکایت دارد، زیرا عمر بن عبد العزیز بن عمر، و دو پسر یزید بن جابر و عبد الله بن لُهَيْعَة از «هِلال» روایت نموده اند.[٤]

---

[۱] تخریج الكَلِمُ الطَّيِّب للآلبانی: ص ۱۱۸ و ۱۱۹ حدیث ۱۲۲ فصل في الكرب والهم والحزن

[۲] آلبانی در چاپهای جدید کتاب تخریج الكَلِمُ الطَّيِّب خود عبارت فوق خود را حذف کرده و تحقیق آتی فوق علامه اعظمی رحمه الله را در آن افزوده است البته بدون ذکری از علامه اعظمی رحمه الله.

[۳] تهذیب التهذیب لإبن حَجَر: ۱۳۷/۱۲ أبو طعمة ٦٥٦

[٤] تهذیب التهذیب لإبن حَجَر: ۱۳۷/۱۲ أبو طعمة ٦٥٦

آیا کسی که چهار نفر از وی روایت کنند در علم حدیث مجهول به شمار می رود؟!

این در حالی است که ابن عَمّار الموصلی ﵀ «هِلال» را توثیق نموده، لذا «هِلال» مستور نیز نیست. ابن یونس ﵀ می گوید: او قاری مصر بود.[1] ابن حَجَر ﵀ در «تقریب» می گوید: مَقبُولٌ مِنَ الرَّابِعَةِ لَمَ یَثْبُتْ أَنَّ مَکحُولاً رَمَاهُ بالکَذِبِ. او در روایت مقبول است، نسبت کذب مکحول به او ثابت نمی باشد.[2]

شیخ آلبانی چون حدیث را نمی یابد ادعاء می کند سهو یا تحریف است:

﴿۱۶﴾ همچنین از نمونه های فضائح شیخ آلبانی در علم حدیث و تعجُّلش در تخطئه و منسوب ساختن دیگران به غلط اینست که می گوید:

«روایت «سَبْع» (هفت بار) را نیافتم و اینکه ابن قَیِّم آن را در کتاب خود آورده، شاید بر اثر سهوش یا یا بنابر تحریف روایت «ثلاث» باشد».[3]

در حالی که روایت «سَبْع» (هفت بار) در «عَمَلُ الْیَوْمِ وَاللَّیْلَةِ» نَسائی از حدیث عمر بن عبد العزیز مُرْسَلاً موجود است.[4]

شیخ آلبانی در حدیث صحیح اشکال می سازد:

﴿۱۷﴾ از بارزترین دلائل عدم آگاهی شیخ آلبانی بر طُرُق

---

[1] تهذیب التهذیب لإبن حَجَر: ١٣٧/١٢ أبو طعمة ٦٥٦

[2] تقریب التهذیب لإبن حَجَر: ص ٦٥١ أبو طعمة شمارۀ ٨١٨٦

[3] شیخ آلبانی از چاپ های جدید کتاب تخریج الکَلِمُ الطَّیِّب خود عبارت فوق را کُلاً حذف کرده است.

[4] عَمَلُ الْیَوْمِ وَاللَّیْلَةِ للنَّسائی: ص ٤١٣ حدیث ٦٥٠ مَا یَقُول عِنْد الکرب إِذا نزل بِهِ

احادیث و جرئت وی به مجرد ظن باطل اینست که او در مورد حدیث دعاء هنگام ارادۀ دخول به قریه[١] [٢] که ابن حِبَّان ﷺ و حاکم ﷺ صحیحش دانسته اند و ذَهَبی ﷺ با آنها موافق بوده و حافظ ابن حَجَر ﷺ آن را حَسَن قرار داده است، چنین إدّعاء می کند که:

«گفتار آنها اشکال دارد، زیرا مدار حدیث ابو مروان است و نَسائی در موردش می گوید: لَيْسَ بِمَعْرُوْفٍ، شناخته نمی شود، شاید منظور حافظ ابن حَجَر حُسْنِ معنای حدیث باشد».[٣]

ادعای شیخ آلبانی کذب است، زیرا امام نَسائی ﷺ این حدیث را در «عَمَلُ الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ» از طریق مالک بن أبی عامر نیز تخریج نموده[٤] و إسناد آن از درجهٔ حَسَن پائین تر نیست، و جای تعجُّب نیست که کسی مدّعی صحت آن نیز باشد.[٥]

همچنین اعتماد شیخ آلبانی برآنچه از امام نَسائی ﷺ نقل می کند ناشی از عدم علم او می باشد، زیرا حافظ ابن حَجَر ﷺ أبو مروان را در بخش کُنیه های «الإصابة» در «القسم الاول»[٦] و

---

[١] أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَمْ يَرَ قَرْيَةً يُرِيدُ دُخُولَهَا إِلَّا قَالَ حِينَ يَرَاهَا: اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَظْلَلْنَ، وَرَبَّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَقْلَلْنَ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَضْلَلْنَ، وَرَبَّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَيْنَ، فَإِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ، وَخَيْرَ أَهْلِهَا، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا، وَشَرِّ أَهْلِهَا، وَشَرِّ مَا فِيهَا». هَذَا حَدِيثٌ صَحِيحُ الْإِسْنَادِ وَلَمْ يُخَرِّجَاهُ.

(وقال الذهبی: صحيح). المستدرک للحاکم: ٢/١١٠ حديث ٢٤٨٨

[٢] الكَلِمُ الطَّيِّب لإبن تيمية: ص ٧٨ و ٧٩ في القرية أم البلدة إذا أراد دخولها

[٣] تخريج الكَلِمُ الطَّيِّب للآلبانی: ص ١٤٧ حديث ١٧٩ في القرية أم البلدة إذا أراد دخولها

[٤] عَمَلُ الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ للنَّسائی: ص ٣٦٧ حديث ٥٤٣

[٥] شیخ آلبانی حالا در چاپ های جدید تخریج الكَلِمُ الطَّيِّب خود حدیث را صحیح می گوید. (ص ١٤٧ حاشیه)

[٦] الإصابة في تمييز الصحابة لإبن حَجَر: ٣٠٧/٧ أبو مروان الأسلمي - ١٠٥٢٩

در ذیل «مُعْتِب»[1] ذکر کرده و گفته که او مشهور به کنیه‌اش می باشد و صحابی بودن او را انکار نکرده بلکه گفته: اسناد (روایت صحابی بودنش) واهی است. و در «تهذیب التهذیب» او را ذکر نموده می گوید: از حضرات علی ﷺ، ابو ذر ﷺ، أم مطاع أسلمیة ﷺ (صحابیه)، کعب الاحبار ﷺ و عبد الرحمن بن مغیث ﷺ روایت می‌کند، و از او پسرش، عطاء (کذا) و همچنین عبدالرحمن بن مهران روایت می کنند.[2]

و قاعده اینست که هرگاه دو نفر از کسی روایت کنند، عدم شناختش مرتفع می شود.

باز عِجْلی ﷺ می گوید: مدنی و تابعی ای ثقه است.

ابن حِبَّان ﷺ او را در ثِقات تابعین ذکر می کند.

طَبَری ﷺ او را در بین کسانی که از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت نموده اند ذکر کرده است.[3]

لذا می گوئیم: عدم معرفت حال راوی حتی با کمتر از این اندازه معلوماتْ دور می شود، بنابرین گفتۀ امام نَسائی ﷺ در بارۀ او که «غیر معروف است»، از تعنُّت و تشدُّد وی به حساب می آید، زیرا هر راوی ای که مانند فوق باشد صحیح نیست که او را غیر معروف گفت.

---

[1] الإصابة في تمييز الصحابة لإبن حَجَر: ١٣٧/٦ مُعْتِب بن عمرو الأسلمي - ٨١٣٥

[2] تهذيب التهذيب لإبن حَجَر: ٢٣٠/١٢ أبو مروان الأسلمي

[3] تهذيب التهذيب لإبن حَجَر: ٢٣٠/١٢ أبو مروان الأسلمي

شیخ آلبانی و احادیث نماز سنت قبل از جمعه

۱۸ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحه‌اش چنین می نویسد:
سُنَّةُ الْجُمُعَةِ وَالْمَغْرِبِ الْقَبْلِيَتَيْنِ.[۱]
صحیح چنین است:
سُنَّةُ الْجُمُعَةِ وَسُنَّةِ الْمَغْرِبِ الْقَبْلِيَتَانِ.
شیخ آلبانی در ادامه می نویسد:
«برخی از متأخرین از این حدیث (مَا مِنْ صَلاةٍ مَفْرُوضَةٍ إلّا وَبَيْنَ يَدَيْهَا رَكْعَتَانِ) بر مشروعیّت نماز سنت قبل از جمعه استدلال نموده‌اند حالآنکه این استدلال باطل است، زیرا در بخاری و غیر بخاری ثابت شده که در زمان رسول الله صَلَّى‌اللهُ‌عَلَيْهِ‌وَسَلَّمَ غیر از آذان اول و اقامت و در بین شان خطبه چیزی دیگر وجود نداشت.[۲]

در اینجا باید گفت که اگر استدلال بر حدیث حضرت عبد الله بن مُغَفّل رضي‌الله‌عنه «بَيْنَ كُلِّ أَذَانَيْنِ صَلاَةٌ، ثَلاَثًا لِمَنْ شَاءَ» [۳] می بود گفتۀ شیخ آلبانی وجهی می داشت، اما هنگامی که استدلال از حدیثِ «مَا مِنْ صَلاةٍ مَفْرُوضَةٍ إلّا وَبَيْنَ يَدَيْهَا رَكْعَتَانِ» [٤] حضرت

---

[۱] شیخ آلبانی در چاپهای جدید سلسلۀ صحیحۀ خود عبارت فوق خود را کُلاً حذف کرده است.

[۲] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانى: ٤٦٥/١ تحت حديث ٢٣٢

[۳] صحيح البخارى: ١٢٧/١ حديث ٦٢٤ كِتَابُ الأَذَانِ، بَابٌ: كَمْ بَيْنَ الأَذَانِ وَالإِقَامَةِ، وَمَنْ يَنْتَظِرُ الإِقَامَةَ

[٤] صحيح ابن حِبَّان: ٢٠٨/٦ و ٢٠٩ حديث ٢٤٥٥

عبد الله بن زُبَیر رضی الله عنه باشد برای ادعای شیخ وجهی نمی ماند، چون هیچ گونه مانعی برای مشروعیت آن نماز قبل از اذان اول وجود ندارد.

زیرا اگر کسی قبل از اذان اول دو رکعت نماز بخواند حدیث بالا در حقّش صادق می آید که او قبل از فرض نماز خوانده است و از همین جهت حافظ ابن حَجَر رحمه الله در «فتح الباری» می‌گوید: این حدیث قوی ترین روایتی است که می توان بر مشروعیّت دو رکعت نماز قبل از جمعه بر آن تمسُّک کرد. [۱]

شیخ آلبانی و اتباع هوی دربارهٔ احادیث:

۱۹ و متاسفانه باید گفت که از نمونه‌های جرأت بیجا و اتباع هوی شیخ آلبانی در میدان علم حدیث یکی اینست که می گوید: «تمام احادیثی که پیرامون نماز سنّت قبل از جمعه وارد شده اند هیچ یک از آنها صحیح نیست». [۲]

ولی شیخ محترم آن احادیث را بیان نکرده و به تفصیلِ سخن در مورد آنها نپرداخته است تا بر آنها اطلاع پیدا کنیم، زیرا اگر این کار را می کرد بی علمی و بی تحقیقی وی روشن می شد.

احادیث نماز سنّت قبل از جمعه:

ما حالا می‌خواهیم آنچه را شیخ محترم آلبانی پنهان نموده برای خوانندگان روشن بسازیم. امام زَیْلَعِی رحمه الله و علامه ابن حَجَر رحمه الله دو حدیث مرفوع را ذکر می کنند:

---

[۱] فتح الباری لإبن حَجَر: ٤٢٦/٢ تحت حدیث ٩٣٧

[۲] سلسلة الاحادیث الصحیحة للآلبانی: ٤٦٥/١ تحت حدیث ٢٣٢

حدیث حضرت عبد الله بن مسعود ﷺ:

﴿۱﴾ یکی حدیث حضرت عبد الله بن مسعود ﷺ است [۱] و در اسناد آن کسی که متروک الحدیث باشد وجود ندارد، راوی آن علی بن سعید رازی که شیخ طَبَرَانی ﷺ است نزد آلبانی حَسَنُ الحدیث می باشد، [۲] و ابوعُبَیده از پدرش روایت می کند، و مثل این إسناد را بسا محدثین که امام ترمذی ﷺ یکی از آنها است حَسَن قرار داده اند.

اما گفتهٔ حافظ: در إسناد آن ضعف و انقطاع است، قابل اعتبار نیست. [۳]

حدیث حضرت علی ﷺ:

﴿۲﴾ حدیث دوم حضرت علی ﷺ است. [٤] اَثْرَم ﷺ می گوید: حدیث واهی است. ابن حَجَر ﷺ می گوید: محمد بن عبد الرحمن السَّهمی در آن وجود دارد که نزد بخاری و غیره ضعیف است.

ولی آنچه ابن حَجَر ﷺ می‌گوید درست نیست، زیرا امام بخاری ﷺ محمد بن عبد الرحمن السَّهمی را در «تاریخ کبیر»

---

[۱] نصب الرایة للزَّیْلَعِی: ۲۰٦/۲ باب صلاة الجمعة | الدِّرَایَةُ فِی تَخریجِ أَحادیثِ الهدایة: ۲۱۷/۱ ذکر سنَّة الْجُمُعَة

[۲] بطور مثال: سلسلة الأحادیث الصحیحة للألبانی: ٥٦/٦ تحت حدیث ۲۵۱۸ | سلسلة الأحادیث الصحیحة للألبانی: ۲۵/٤ تحت حدیث ۱۵۲۰ | سلسلة الأحادیث الصحیحة للألبانی: ٦٤۹/٤ تحت حدیث ۱۹۹٤

[۳] فتح الباری لإبن حَجَر: ٤۲٦/۲ تحت حدیث ۹۳۷

[٤] نصب الرایة للزَّیْلَعِی: ۲۰٦/۲ باب صلاة الجمعة | فتح الباری لإبن حَجَر: ٤۲٦/۲ تحت حدیث ۹۳۷

خود ذکر کرده و غیرِ آنکه حدیثی را از او آورده چیز دیگری در آن وجود ندارد. سپس امام بخاری ﷫ درباره اش می گوید: لا يُتَابَعُ عَلَيْهِ.[1] ابن حَجَر ﷫ آن را در «لسان المیزان» نقل کرده چنین گردانیده: لاَ يُتَابَعُ عَلٰى رَوَايَتِهِ، که این صورت مُوهِمِ خلاف آنچه امام بخاری ﷫ گفته است می باشد.[2]

اما تصریح به تضعیفِ محمد بن عبد الرحمن السَّهمی را نه عیناً یافتیم و نه اثراً.

علاوۀ امام بخاری ﷫، ابوحاتم ﷫ می‌گوید: لَيْسَ بِمَشْهُورٍ، او مشهور نیست، اما این صراحتی بر تضعیف ندارد.

بلی، ابن حَجَر ﷫ از ابن معین نقل می کند که ضعیف است و ابن ابی حاتم ﷫ آن را نقل کرده است، لیکن کتاب ابن ابی‌حاتم ﷫ در دسترس ما قرار دارد و آنچه که علامه ابن حَجَر ﷫ إدّعاء می کند در آن وجود ندارد،[3] مگر اینکه آن را از کتابی دیگر نقل کرده باشد.

ابن عدی ﷫ می گوید: به نظر من او مشکلی ندارد.

ابن حِبَّان ﷫ او را در کتاب الثِقات ذکر می‌کند و این حدیث را نیز می آورد.[4]

حقیقت اینست که محمد بن عبد الرحمن حَسَنُ الحدیث است، زیرا ابن المثنی، نصر بن علی، خلیفة، و سفیان العصفری از او روایت کرده اند، لذا گفتۀ ابو حاتم ﷫ که: لَيْسَ بِمَشْهُورٍ، او مشهور نیست، باطل است. ابن عدی ﷫ و ابن حِبَّان ﷫ او را

---

[1] التاریخ الکبیر للبخاری: ١٦٢/١ مُحَمد بْن عَبد الرَّحمَن، السَّهمِيُّ
[2] لِسان المیزان لإبن حَجَر: ٢٤٥/٥ مُحَمد بْن عَبد الرَّحمَن، السَّهمِيُّ
[3] الجرح والتعدیل لإبن أبی حاتم: ٣٢٧/٧ مُحَمد بْن عَبد الرَّحمَن، السَّهمِيُّ
[4] لِسان المیزان لإبن حَجَر: ٢٤٥/٥ مُحَمد بْن عَبد الرَّحمَن، السَّهمِيُّ

توثیق نموده اند، پس این حدیثش حَسَنٌ لِذَاتِهِ می باشد، و در اینکه حَسُنٌ لِغَيْرِهِ باشد هیچ شکی وجود ندارد زیرا شواهد دارا هست.

حدیث حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما:

۳ علامه زَيْلَعِی رحمه الله و ابن حَجَر رحمه الله حدیث سومی را از حضرت عبدالله‌بن‌عمر رضی الله عنهما ذکر می‌کنند که ایشان نماز (سنَّت) قبل از جمعه را طولانی می خواند و بعد از جمعه دو رکعت در خانۀ خود اداء می کرد و می‌گفت که رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این گونه می کردند. امام نَوَوِی رحمه الله توسط آن بر مشروعیت سنّت قبل از جمعه استدلال می نماید.[۱]

اما اشکال حافظ رحمه الله برآنکه «اگر منظور از آن بعدِ دخول وقت است، پس مرفوعاً صحیح نیست، زیرا پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همواره بعد زوال آفتاب از خانه بیرون می شد و به ایراد خطبه مشغول می گردید»، دربارۀ آن باید گفت که این اشکال حافظ رحمه الله بی‌دلیل است. مگر در روایات وارد شده که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وقتی از خانه بیرون می‌شدند بلافاصله مستقیماً بر روی منبر می نشستند بدون تخلُّل چیزی در بین خروج و جلوس ایشان؟!

همچنین گفتۀ او که أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ، تخصیصِ بلا مُخصِّص است، ظاهر این است که «كَانَ

---

[۱] وَذَكَرَ أَيْضًا حَدِيثَ نَافِعٍ، قَالَ: كَانَ ابْنُ عُمَرَ يُطِيلُ الصَّلَاةَ قَبْلَ الْجُمُعَةِ، وَيُصَلِّي بَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ فِي بَيْتِهِ، وَيُحَدِّثُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ، انْتَهَى. قَالَ: رَوَاهُ أَبُودَاوُد (باب الصلاة بعد الجمعة) بِسَنَدٍ عَلَى شَرْطِ الْبُخَارِيِّ.

نصبُ الراية لِلزَّيْلَعِی: ۲۰۷/۲ باب صلاة الجمعة | فتح الباری لإبن حَجَر: ۴۲۶/۲ تحت حدیث ۹۳۷

يَفْعَلُ ذَلِكَ» بر تمام آنچه در حدیث گذشته راجع می شود.

اما اینکه برخی از راویان فقط به ذکر نصفِ دوم حدیث اکتفاء کرده‌اند، باید دانست که اینکار از جملۀ تصرُّفات راوی می باشد که حدیث را بنابر مقصود و هدفی مختصر ساخته است.

و بر سبیل تنزُّل؛ اگر مرفوع بودن حدیث شریف با روایت حضرت عبد الله بن عمر رضي الله عنهما ثابت نگردد، این امر کاملاً معلوم است که حضرت عبد الله بن عمر رضي الله عنهما به شدّت تمام جوینده و متّبع سنت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بود و همچنین از آنچه قولاً و فعلاً از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزدش ثابت نمی شد شدیداً مجتنب می بود، پس عمل او خود دلیل دیگری است بر ثبوت نماز سنُّت قبل از جمعه از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.

حدیث حضرت ابوهریره رضي الله عنه:

۴ حافظ ابن حَجَر رحمه الله حدیث چهارمی را از حضرت ابوهریره رضي الله عنه با این لفظ نقل کرده است:

«كَانَ صلى الله عليه وسلم يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ رَكْعَتَيْنِ وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا». (رَوَاهُ الْبَزَّارُ)؛ یعنی آنحضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قبل از جمعه دو رکعت می خواند و بعد از جمعه چهار رکعت.[1]

حافظ رحمه الله می گوید: وَفِي إِسْنَادِهِ ضَعْفٌ. یعنی در سندش ضعف وجود دارد.[2] حافظ رحمه الله در «تلخیص» آن را با لفظ «وَبَعْدَهَا رَكْعَتَيْنِ» به طَبَرَانی نسبت داده برآن سکوت نموده است.[3] [4]

---

[1] فتح الباری لإبن حَجَر: ۴۲۶/۲ تحت حدیث ۹۳۷

[2] فتح الباری لإبن حَجَر: ۴۲۶/۲ تحت حدیث ۹۳۷

[3] التلخیص الحبیر لإبن حَجَر: ۱۸۷/۲ کتاب الجمعة

[4] که علامت حَسَن بودن حدیث نزدش می باشد.

حدیث حضرت ابوهریره و جابر ﭭ:

۵ علامه زَیْلَعِی ﬀ و ابن حَجَر ﬀ حدیث پنجمی را ذکر کرده اند که امام ابن ماجه ﬀ در «سُنَن» خود از حضرت ابوهریره و جابر ﭭ روایت کرده که:

حضرت سُلَیک غَطْفانی ﭬ در حالی آمد که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مشغول ایراد خطبه بود، رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به او فرمود: أَصَلَّيْتَ رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ أَنْ تَجِيءَ؟ آیا قبل از آمدن دو رکعت نماز خواندی ؟ گفت: نخیر! فرمود: «فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ وَتَجَوَّزْ فِيهِمَا». پس دو رکعت بخوان! [1]

حافظ ابن حَجَر ﬀ در «تلخیص» می‌نویسد:

«مَجْد الدین ابن تیمیه ﬀ [2] می نویسد که عبارتِ «قَبْلَ أَنْ تَجِيءَ» دلیل است بر سنیَّت نماز قبل از جمعه».

حافظ ﬀ از علامه مِزِّی ﬀ نقل می کند که «قَبْلَ أَنْ تَجِيءَ» مُصَحَّفِ «قَبْلَ أَنْ تَجْلِسَ» می‌باشد.[3] اما این دعوائی است بی‌دلیل، به همین خاطر مَجْدالدین ابن تیمیه ﬀ و امام زَیْلَعِی ﬀ التفاتی به آن نکرده اند و ابن حَجَر ﬀ نیز غیرِ آنکه تنها این سخن را از او نقل کرده دیگر توجُّهی به آن ننموده است.

---

[1] نصب الراية لِلزَّيْلَعِي: ۲۰٦/۲ باب صلاة الجمعة | فتح الباری لإبن حَجَر: ٤٢٦/٢ تحت حدیث ۹۳۷ | سنن ابن ماجه: ۲۰۵/۲ حدیث ۱۱۱٤ أَبْوَابُ إِقَامَةِ الصَّلَوَاتِ وَالسُّنَّةِ فِيهَا، بَابُ مَا جَاءَ فِيمَنْ دَخَلَ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ

شیخ شعیب ارناؤوط در حاشیۀ حدیث می نویسد: حديثٌ صحيحٌ. سنن ابن ماجه: ۲۰۵/۲ حدیث ۱۱۱٤

[2] مَجْد الدین أبو البرکات عبد السلام ابن تیمیه حنبلی متوفی ٦٥٢ هـ ق، پدرکلانِ ابن تیمیۀ حرّانی مشهور.

[3] التلخیص الحبیر لإبن حَجَر: ۱۸۷/۲ کتاب الجمعة

حدیث ششم:

۶ علامه زَیْلَعِی رحمه الله و ابن حَجَر رحمه الله حدیث ششمی را ذکر کرده‌اند و آن حدیث حضرت ابن عباس رضي الله عنه در سنن ابن ماجه می باشد. حافظ رحمه الله می گوید:

وَإِسْنَادُهُ ضَعِيفٌ جِدًّا. سند آن بسیار ضعیف است.[۱]

اینها شش حدیث دربارهٔ نماز سنّت قبل از جمعه می باشد که بعضی آنها حدیث صحیح هستند و بعضی حَسَن و بعضی ضعیف، و بجز روایت ششم هیچ یک آنها ضعف شدید ندارد. و حتی اگر فرض کنیم که همهٔ آنها ضعیف باشند، پس آیا اصول حدیث نیست که بعضی از آنها دیگرانش را تقویت می دهد و به اینگونه حدیث به درجهٔ حدیث حَسَن ارتقاء می یابد، چنانکه خود شیخ آلبانی همین روش را در بسیاری از جاهای کتبش استعمال نموده است.

امثلهٔ این روش شیخ آلبانی:

۱ مثلاً شیخ آلبانی در سلسلهٔ احادیث صحیحهٔ خود در جائی می گوید:

نَعَمْ، ألحَدِيْثُ حَسَنٌ لِغَيْرِهِ فَإِنَّ لَهُ شَاهِداً.

بلی، این حدیث حَسَنٌ لِغَيْرِهِ است زیرا دارای شاهد می باشد.[۲]

---

[۱] نصب الراية لِلزَّيْلَعِی: ۲۰٦/۲ باب صلاة الجمعة | التلخيص الحبير لإبن حَجَر: ۲/ ۱۸۷ كتاب الجمعة

[۲] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ٤٦١/۱ تحت حديث ۲۳۱

﴿۲﴾ شیخ آلبانی در جائی دیگر از سلسلۀ احادیث صحیحۀ خود می گوید:

كُلُّهَا ضَعِيفةُ الأسَانِيدِ وَلَكِن بَعضهَا يَشُدُّ بَعضاً.

همۀ آن احادیث از نگاه سند ضعیف اند لیکن بعضی آنها بعضی دیگر را تقویت می کند.[1]

﴿۳﴾ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحۀ خود می گوید:

وَجُمْلَةُ الْقَوْلِ: أَنَّ الْحَدِيْثَ بِهٰذِهِ الطُّرُقِ صَحِيْحٌ.

خلاصۀ کلام اینست که حدیث به سبب این طُرُق صحیح می باشد.[2]

﴿۴﴾ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحۀ خود می گوید:

وَبِالْجُمْلَةِ فَالْحَدِيْثُ بِهٰذِهِ الطُّرُقِ وَالشَّوَاهِدِ يرْتَقي إِلَى دَرَجَةِ الصِّحَّةِ.

خلاصه آنکه حدیث با این طُرُق و شواهد به درجۀ صحت ارتقاء می کند.[3]

﴿۵﴾ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحۀ خود می گوید:

وَالْكُدَيْمِيُّ مُتَّهَمٌ... لٰكِنَّهُ لَمْ يَتَفَرَّدْ بِهِ ... وَبِمُتَابَعَةِ أَحْمَدَ وَغَيْرِهِ صَحَّ الْحَدِيْثُ.

کُدَیْمِی متهم است لیکن به سبب متابعت احمد و غیره حدیث صحیح می گردد.[4]

﴿۶﴾ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحۀ خود می گوید:

وَجُمْلَةُ الْقَوْلِ: أَنَّ هٰذَا الْإِسْنَادَ ضَعِيْفٌ، وَلٰكِن لَيْسَ شَدِيْد

---

[1] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانى: ٧٥/١ تحت حديث ٣٤

[2] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانى: ٢٢٦/١ تحت حديث ١٠٩

[3] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانى: ٢٤٩/١ تحت حديث ١٢٦

[4] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانى: ٦٥٣/١ تحت حديث ٣٣٣

الضّعْفِ، فَيَصْلحُ شَاهِداً لِحَدِيْثِ أَبِيْ أُمَامَةَ، فَيَرْتَقِي بِهِ إِلَى دَرَجَةِ الْحَسَنِ.

خلاصهٔ کلام اینست که این سند ضعیف است لیکن ضعف آن شدید نیست، لذا صلاحیّت شاهد بودن برای حدیث ابو امامه را دارد، و به این ترتیب روایت به درجهٔ حدیث حَسَن ارتقاء می کند.[1]

﴿۷﴾ شیخ آلبانی در سلسلهٔ صحیحهٔ خود می گوید:

«این حدیث مُرْسَل است لیکن شاهدی داراست که توسط آن تقویت می یابد».

آنگاه شاهد را ذکر می کند و چون در اسناد آن عبد الله العمری به سوء حفظ معروف است می گوید:

«احادیث مانند آن صلاحیت استشهاد را دارد، زیرا ضعف آن به خاطر تهمت در خودش نیست بلکه بخاطر سوءِ حفظش است، لذا ضعفش اندک می باشد، و بناءً این شاهد قوی برای مُرْسَل زُهری محسوب می‌گردد و توسط آن شاهد، حدیث صحیح قرار می‌گیرد چنانکه قواعد این علم شریف آن را تقاضا دارد».[2]

﴿۸﴾ شیخ آلبانی در سلسلهٔ صحیحهٔ خود می گوید:

وَبِالْجُمْلَةِ فَالْحَدِيْثُ بِهٰذِهِ المُتَابِعَاتِ جَيِّدٌ.

خلاصه آنکه حدیث در موجودیت این متابعات، جَیِّد و درست می باشد.[3]

﴿۹﴾ شیخ آلبانی در کتاب آداب الزفاف خود حدیثی را از «صحیح مسلم» را آورده سند آن را ضعیف قرار می‌دهد و سپس

---

[1] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلباني: ٥٥٦/١ تحت حديث ٢٧٣

[2] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلباني: ٣٣٠/١ تحت حديث ١٧١

[3] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلباني: ٨٧٧/١ تحت حديث ٤٨٥

برایش شواهدی ذکر می کند و آنگاه می گوید:

فَالْحَدِيْثُ بِهٰذِهِ الشَّوَاهِدِ صَحِيْحٌ أَوْ حَسَنٌ عَلَى الأَقَلّ.

و حالا حدیث با این شواهد، صحیح یا علی‌الأقل حَسَن می گردد.[1]

﴿۱۰﴾ شیخ آلبانی در کتاب آداب الزفاف خود می گوید:

«به راستی سند این حدیث ضعیف است لیکن ضعف آن خیلی شدید نیست، احادیث مانند آن با آمدن از طریق دیگری یا با حدیث دیگری که شاهدش شود جبران می‌شود چنانکه قاعدۀ اصول حدیث می باشد.[2]

﴿۱۱﴾ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحۀ خود می گوید:

فَإِنَّ شَرِيْكاً ... هُوَ سَيِّءُ الْحِفْظِ، وَمِثْلُهُ مُتَابَعَةِ قَيْسٍ وَهُوَ ابنُ الرّبيع، لٰكِنَّ الْحَدِيْثَ حَسَنٌ بِاقْتِرَانِهِمَا مَعاً، وَهُوَ صَحِيْحٌ لِغَيْرِهِ لِوُرُوْدِهِ مِنْ طُرُقٍ أُخْرٰى.

همانا شریک... سیِّئُ الحفظ است و مانند آن است متابِعش قَیْس، لیکن حدیث هر دو باهم یکجا شده حدیث حَسَن می گردد، و خود این حدیث صحیحٌ لِغَیْرِهِ می‌باشد، زیرا از چند طُرُق دیگر نیز آمده است.[3]

﴿۱۲﴾ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحۀ خود می گوید:

«حدیث مذکور گرچه اسنادش ضعیف است ولی ضعف اسناد دلالت بر ضعف و عدم ثبوت حدیث نمی کند، زیرا احتمال دارد سند حَسَن یا صحیح در جائی دیگری دارا باشد و یا شواهدی برایش موجود باشد که مجموعۀ آن بر ثبوت آن دلالت کند.

---

[1] آداب الزفاف للآلبانی: ص ١٤٤ حاشیة حدیث ٢٣

[2] آداب الزفاف للآلبانی: ص ٢٢٧ تحت حدیث ٣٩

[3] سلسلة الأحادیث الصحیحة للآلبانی: ٧٨٣/١ تحت حدیث ٤٢٣

و واقعیت هم اینست که این حدیث نیز هم چنان است که گفتیم و شواهدی دارا می باشد که دلالت بر وجود اصل آن می کند».[1]

﴿۱۳﴾ شیخ آلبانی در سلسلهٔ صحیحهٔ خود می گوید:

وَجُمْلَةُ الْقَوْلِ أَنَّ هٰذَا الْحَدِيْثَ بِمَجْمُوْعِ طَرِيْقَيْهِ وَهٰذَاالشَّاهِدُ صَحِيْحٌ بِلَا رَيْبٍ.

خلاصهٔ کلام اینست که حدیث با هر دو طریق خود و با این شاهد بدون شک صحیح می باشد.[2]

﴿۱۴﴾ شیخ آلبانی در سلسلهٔ صحیحهٔ خود حدیثی را همراه با شواهد آن ذکر نموده و هر یک آنها را ضعیف قرار داده سپس می گوید:

وَجُمْلَةُ الْقَوْلِ: أَنَّ هٰذَا الْحَدِيْثَ بِمَجْمُوْعِ طَرِيْقَىْ عُمَرَ وَطَرِيْقِ أَبِيْ سَعِيْدٍ يَرْتَقِي إِلَى دَرَجَةِ الْحَسَنِ لِغَيْرِهِ عَلَى أَقَلِّ الْأَحْوَالِ.

و خلاصهٔ سخن آنکه این حدیث با مجموع دو طریق عمر و طریق ابوسعید حداقل به درجهٔ حَسَن لِغَيْرِهِ ارتقاء پیدا می‌کند.[3]

﴿۱۵﴾ شیخ آلبانی در کتاب آداب الزفاف خود حدیثی را ذکر نموده و به ضعف آن اشاره کرده سپس می گوید:

لٰكِنْ مَتْنَ الطَّرِيْقِ الْأُوْلٰى... لَهُ شَاهِدَانِ أَوْرَدَهُمَا الْهَيْثَمِيُّ... وَلِهٰذَا حَسَّنْتُهُ.

اما متن طریق اولی ... دارای دو شاهد است که هَيْثَمِی آنها را تخریج کرده است ... لذا من این حدیث را حَسَن قرار دادم.[4]

---

[1] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ۷۵۹/۱ تحت حديث ۴۰۱

[2] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ۷۳۱/۱ تحت حديث ۳۸۱

[3] سلسلة الأحاديث الصحيحة للآلبانی: ۷۳۱/۱ تحت حديث ۳۸۱

[4] آداب الزفاف للآلبانی: ص ۱۱۵ تحت حديث ۱۰

۱۶ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحۀ می گوید:

خلاصۀ کلام این است که حدیث از طریق آن اصحابی که ذکر کردم آمده است وگرچه هرکدام آنها خالی از ضعف نیست، اما ضعف برخی از آنها خیلی زیاد شدید نیست (این گفته خبر از شدّت ضعف برخی از آن احادیث دارد) [۱] بنابرین من معتقدم این حدیث با مجموعه‌اش حداقل به درجۀ حَسَن ارتقاء پیدا می کند.[۲]

شیخ آلبانی احادیث ضعیف بسیاری را به کثرت به سببِ وجودِ شاهد یا متابِع ضعیف، حدیث حَسَن قرار می دهد. نقل همۀ آنها مرا خسته می‌سازد، حتی خواننده از قرائت نمونه هائی که تا بحال نقل کرده ام با وجود آنکه بسیار اندک است شاید خسته شده باشد.

---

[۱] و حقیقت نیز چنین است، زیرا:

روایت اولش حدیث منکر است که ابن ابی حاتم برآن تصریح کرده.

روایت دوم، یکی از راویانش الولید است که ابن معین، نَسائی و غیره او را ضعیف قرار داده اند.

روایت سوم، یکی از راویانش کذاب است و دیگرش هالک است و حدیث خیلی بسیار واهی می باشد، و همچنان راوی ای در آن وجود دارد که حدیث جعلی وضع می کرد و ابن المنذر او را متهم به کذب نموده، و یکی دیگر از راویانش مجهول می باشد.

در مورد روایت چهارم عراقی می گوید: إسناد آن ضعیف است.

روایت پنجم را تنها کسی روایت کرده که واهی می باشد.

مراجعه کنید به سلسلة الأحادیث الصحیحۀ آلبانی: تحت حدیث ۳۴۳

[۲] سلسلة الأحادیث الصحیحة للآلبانی: ٦٧٧/١ تحت حدیث ۳۴۳

طرز کار شیخ آلبانی در تصحیح و تضعیف احادیث

تصرُّفات شیخ آلبانی در این زمینه بسیار شگفت آور و عجیب است. زیرا او را می‌بینید که در «سلسلهٔ احادیث ضعیفهٔ» خود چیزهائی را که در «سلسلهٔ احادیث صحیحه اش» صحیح قرار داده از سر نو درهم می شکند و قواعدی را که در سلسلهٔ صحیحه‌اش اساس گذارده بود در سلسلهٔ ضعیفه اش هیچ اهمیتی برای رعایت آنها نمی گذارد.

این بدان خاطر است که تصحیح و تضعیف احادیث شریفه نزد شیخ آلبانی همیشه تحت حکم خواهشات و خواسته هایش می باشد، و از این سبب هرگاه دلش بخواهد حدیثی را صحیح قرار بدهد تا به وسیلهٔ آن برعلیه ائمهٔ مجتهدین یا برعلیه نوابغ و اراکین علم حدیث و اهل فن بتازد فوراً از قاعده‌ای از قواعد علم حدیث استفاده جوئی می کند و آن را علیه ایشان استعمال می کند، و هرگاه بخواهد حدیثی را ضعیف قرار بدهد همان قواعد قبلی را فوراً پس پشت می اندازد.

از مثال های واضح آن، احادیث نماز سنّت قبل از جمعه می باشد. زیرا شیخ آلبانی نمی تواند از یکسو از ورود احادیث متعدد در این موضوع انکار نماید و از سوی دیگر هرگز بر آن اعتراف هم نمی کند، لذا دست به حیله ای می زند، و آن اینکه ادعاء می کند که «بعضی از این احادیث از برخی دیگر ضعیف

تر هستند»، ولی شیخ محترم فراموش می‌کند که خودش بسیاری از احادیثی را که بعضی از آنها از بعضی دیگر ضعیف تر هستند هنگامی که دل خودش بخواهد صحیح یا حسن قرار می دهد، که نمونه های از آن را در بالا مشاهده کردید.

احادیث موقوفه و آثار صحابه:

همچنین شیخ آلبانی از احادیث موقوفه و آثار صحابه که در این باب وارد شده اند و مجالی برای شک و تردید در صحت اسانید برخی از آنها وجود ندارد بطور کلّی اعراض می کند.

این احادیث موقوفه و آثار صحابه جزو دلائل ثبوت نماز سنّت قبل از جمعه از رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌باشند ولی شیخ آلبانی از آنها چشم می بندد، زیرا دلش نمی خواهد آنها را ببیند. شتر دیدی ندیدی!

همچنین زمانی که دیدهٔ شیخ محترم بر بَابُ الصَّلَاةِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ وَبَعْدَهَا در مُصَنَّف عبد الرزاق (متوفی ۲۱۱ هـ ق)، یا بر أَلصَّلَاةُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ در مُصَنَّف ابن ابی شَيْبَة (متوفی ۲۳۵ هـ ق) یا بر بَابُ الصَّلَاةِ بَعْدَ الجُمُعَةِ وَقَبْلَهَا در صحیح البخاری (متوفی ۲۵۶ هـ ق)، و یا بر بَابُ مَا جَاءَ فِي الصَّلَاةِ قَبْلَ الجُمُعَةِ وَبَعْدَهَا در جامع الترمذی (متوفی ۲۷۹ هـ ق) می افتد فوراً چشم را می بندد. زیرا این بزرگان علم حدیث، روایاتی را در این ابواب کتب خود ذکر کرده اند که مسنون بودن نماز قبل از جمعه را به وضوح ثابت می گرداند.

مثلاً:

۱- مثلاً امام عبد الرزاق رحمه الله روایت می کند:

كَانَ عَبْدُ اللهِ يَأْمُرُنَا أَنْ نُصَلِّيَ قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعًا، وَبَعْدَهَا أَرْبَعًا.

حضرت عبد الله بن مسعود ﷺ به ما دستور می داد که قبل از جمعه و بعد از جمعه چهار چهار رکعت نماز بخوانیم.[۱]

﴿۲﴾ و همچنین روایت می کند:

أَنَّ ابْنَ مَسْعُودٍ كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ الْجُمُعَةِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، وَ بَعْدَ هَا أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ.

حضرت عبد الله بن مسعود ﷺ خودش نیز قبل از جمعه و بعد از آن چهار چهار رکعت نماز می خواند.[۲]

﴿۳﴾ امام ابن ابی شیبة ﷺ نیز عمل حضرت عبد الله بن مسعود ﷺ را به وجهی دیگر روایت می کند.[۳]

﴿۴﴾ و از حضرت عبد الله بن عمر ﷺ روایت می کند:

«كَانَ ابْنُ عُمَرَ يُهَجِّرُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَيُطِيلُ الصَّلَاةَ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ الإِمَامُ».

حضرت عبد الله بن عمر ﷺ روز جمعه زود (به مسجد) می آمد و نماز می خواند و نماز را خوب طولانی می کرد تا آنکه امام برای خطبه می آمد.[٤]

﴿۵﴾ و از حضرت عمر بن عبد العزیز ﷺ روایت می کند که می گفت:

«صَلِّ قَبْلَ الْجُمُعَةِ عَشْرَ رَكَعَاتٍ».

قبل از جمعه ده رکعت نماز بخوان![۵]

---

[۱] مُصَنَّف عبد الرزاق: ۲٤٧/٣ حدیث ٥٥٢٥ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، بَابُ الصَّلَاةِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ وَبَعْدَهَا

[۲] مُصَنَّف عبد الرزاق: ٢٤٦/٣ حدیث ٥٥٢٤ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، بَابُ الصَّلَاةِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ وَبَعْدَهَا

[۳] مُصَنَّف ابن ابی شَيْبَة: ٤٦٣/١ حدیث ٥٣٦٠ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، أَلصَّلَاةُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ

[٤] مُصَنَّف ابن ابی شَيْبَة: ٤٦٣/١ حدیث ٥٣٦١ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، أَلصَّلَاةُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ

[٥] مُصَنَّف ابن ابی شَيْبَة: ٤٦٣/١ حدیث ٥٣٦٢ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، أَلصَّلَاةُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ

۶ امام عبدالرزاق رحمه الله روایت می‌کند که عطاء رحمه الله قبل از نماز جمعه دوازده رکعت نماز می خواند.[۱]

۷ امام ابن ابی شَیْبَة رحمه الله از حضرت ابراهیم نَخَعِی رحمه الله روایت می کند:

«كَانُوا يُصَلُّونَ قَبْلَهَا أَرْبَعًا».

صحابه و تابعین رضی الله عنهم قبل از جمعه چهار رکعت نماز می خواندند.[۲]

۸ و از طاؤوس رحمه الله نیز روایت می‌کند که در روز جمعه تا وقتی که دو رکعت نماز در خانه اش نمی خواند به مسجد نمی آمد.[۳]

۹ و به همین‌گونه از حضرت ابو مَجْلِز رحمه الله روایت می کند.[٤]

۱۰ ابن سَعْد رحمه الله از صفیَّه بنت حُیَی آورده است که او قبل از جمعه چهار رکعت نماز می خواند. حافظ ابن حَجَر رحمه الله آن را در «الدراية» نقل کرده است.[٥]

بعد از ذکر این همه می گوئیم: شیخ آلبانی که ادعاء دارد که «ریسمان تقلید را از گردن خود دور کرده»، اگر شیخ محترم در این إدّعای خود صادق باشد، در احادیثی که هیچگونه شک و

---

۱ مُصَنَّف عبد الرزاق: ۲٤٦/۳ حدیث ٥٥۲۱ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، بَابُ الصَّلَاةِ قَبْلَ الْجُمُعَةِ وَبَعْدَهَا

۲ مُصَنَّف ابن ابی شَيْبَة: ٤٦۳/۱ حدیث ٥۳٦۳ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، أَلصَّلَاةُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ

۳ مُصَنَّف ابن ابی شَيْبَة: ٤٦۳/۱ حدیث ٥۳٦٥ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، أَلصَّلَاةُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ

٤ مُصَنَّف ابن ابی شَيْبَة: ٤٦۳/۱ حدیث ٥۳٦٤ كِتَابُ الْجُمُعَةِ، أَلصَّلَاةُ قَبْلَ الْجُمُعَةِ

٥ الدراية فی تخريج احاديث الهداية: ۲۱۸/۱ ذكر سُنّةِ الْجُمُعَة

تردیدی در صحت آنها وجود ندارد دلالتی آشکار بر مشروعیّت نماز قبل از جمعه در داخل مسجد قبل از خروج امام را خواهد یافت، لیکن جُمود شیخ محترم بر تقلید از علمائی که آن احادیث را بر مُطْلَقِ نفل حمل کرده اند او را از ایمان به آن احادیث باز می دارد.

﴿۱۱﴾ مثلاً حدیث حضرت سلمان رضی الله عنه نزد امام بخاری رحمه الله با این لفظ:

ثُمَّ يَخْرُجُ فَلاَ يُفَرِّقُ بَيْنَ اثْنَيْنِ، ثُمَّ يُصَلِّي مَا كُتِبَ لَهُ، ثُمَّ يُنْصِتُ.

یعنی (روز جمعه) نمازگذار به مسجد بیاید و بین دو نفر خود را بزور جا نکند و سپس هرقدر در تقدیرش بود نماز بخواند و سپس خاموشانه به خطبه گوش بدهد.[۱]

﴿۱۲﴾ و حدیث حضرت ابودَرْداء رضی الله عنه در مسند احمد با این لفظ: «وَرَكَعَ مَا قُضِيَ لَهُ».[۲]

﴿۱۳﴾ و حدیث حضرت ابوذر رضی الله عنه با این لفظ:

«ثُمَّ يَرْكَعَ إِنْ بَدَا لَهُ».

﴿۱۴﴾ و در حدیث حضرت ابوایوب رضی الله عنه در نزد احمد با لفظ: «فَيَرْكَعَ إِنْ بَدَا لَهُ».[۳]

﴿۱۵﴾ و در حدیث حضرت نُبَيشَةُ الْهُذَلِی رضی الله عنه در نزد احمد:[٤]

«فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْإِمَامَ خَرَجَ، صَلَّى مَا بَدَا لَهُ».

﴿۱۶﴾ و در حدیث حضرت ابوهریره رضی الله عنه نزد بَغَوِی:[٥]

«فَصَلَّى مَا قُدِّرَ لَهُ، ثُمَّ أَنْصَتَ».

---

[۱] صحيح البخاری: ۳/۲ حديث ۸۸۳ كِتَابُ الجُمُعَةِ، بَابُ الدُّهْنِ لِلْجُمُعَةِ

[۲] مسند احمد: ٥۹/۳٦ حدیث ۲۱۷۲۹

[۳] مسند احمد: ٥٤۷/۳۸ حدیث ۲۳٥۷۱

[٤] مسند احمد: ۳۲۱/۳٤ حدیث ۲۰۷۲۱

[٥] شرح السنة للبغوی: ۲۳۰/٤ حدیث ۱۰٥۹ بَابُ التَّنَظُّفِ وَالتَّطَيُّبِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

۱۷ و در حدیث حضرت ابو سعید رضی الله عنه و ابوهریره رضی الله عنه نزد امام احمد و بَغَوِی:[۱]

«ثُمَّ رَكَعَ مَا شَاءَ أَنْ يَرْكَعَ، ثُمَّ أَنْصَتَ إِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ».

حضرت رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در تمامی این احادیث، خلق را به ادای نماز قبل از جمعه تشویق می‌نمایند، گرچه آن را بر آنها لازم نمی گردانند و تعداد رکعات آن را نیز در این احادیث متعین نمی سازند.

[۱] مسند احمد: ۲۹۲/۱۸ حدیث ۱۱۷۶۸ | شرح السنة للبغوی: ۲۳۰/٤ حدیث ۱۰٦۰ بَابُ التَّنَظُّفِ وَالتَّطَيُّبِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ

شیخ آلبانی و حدیث طائفهٔ منصوره

۱۹ یکی دیگر از نمونه‌های قصور علم و وسعت ناآگاهی شیخ آلبانی از علوم حدیث اینست که در سلسلهٔ صحیحهٔ خود حدیث حضرت عِمْرَان بن حُصَیْن رضی الله عنه به روایت رامْهُرْمُزِی را ذکر می‌کند که در پایان آن راوی حدیث یزید بن هارون رحمه الله محملی برای حدیث نه روایتاً بلکه بطور گمان از جانب خود بیان می‌کند [۱] اما شیخ آلبانی این بیان و تفسیر او را «زیادة» نامگذاری نموده می گوید:

وَإِنَّمَا أَوْرَدْتُهُ مِنْ أَجْلِ هٰذِهِ الزِّيَادَةِ،

من این حدیث را بخاطر این «زیادة» در اینجا آورده ام.

و همچنین این بیان و تفسیر را چند سطر بعد نیز «زیادة» می نامد.

بِيَد أَنَّ هٰذِهِ الزِّيَادَة مَعْرُوْفَةٌ وَثَابِتَةٌ،

این «زیادة» معروف و ثابت است.[۲]

شیخ مسکین نمی فهمد که امثال اینگونه بیان‌های مزعومهٔ راوی را در علم حدیث «زیادة» نمی گویند بلکه «زیادة» آن است

---

[۱] متن حدیث اینست: لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِيْ ظَاهِرِيْنَ عَلَى الْحَقِّ حَتَّى تَقُوْمَ السَّاعَةُ. یعنی «گروهی از امت من همیشه بر حق پایدار و کامیاب می باشند تا آنکه قیامت برپا شود». راوی، یزید بن هارون رحمه الله در آخر حدیث می گوید:

قَالَ يَزِيْدُ بْنُ هَارُوْنَ: إِنْ لَمْ يَكُوْنُوْا أَصْحَابَ الْحَدِيْثِ فَلَا أَدْرِي مَنْ هُمْ؟

اگر این گروه اصحاب الحدیث (محدثین) نباشند پس من نمی دانم که این گروه چه کسی خواهد بود.

[۲] سلسلة الاحادیث الصحیحة للآلبانی: ٥٤١/١ تحت حدیث ٢٧٠

که یک راوی نسبت به سایر راویان همان حدیث در متن حدیث چیزی را بیشتر روایت می کند.

۲۰ همچنین از دلائل ناآگاهی شیخ آلبانی از علوم حدیث این گفتهٔ او است:

عِمْرَان بْن حُصَيْنٍ عِنْدَ أَحْمَدَ أَيْضاً مِنْ طُرُقٍ أُخْرٰى عَنْ حَمَّادِ ابْنِ سَلَمَة بِهِ دُوْنَ الزِّيَادَةِ.

حدیث عِمْرَان بْن حُصَيْن رضی الله عنه در نزد احمد از طُرُق دیگر از حَمَّاد بن سَلَمَة بدون زیادت می باشد.

ولی هنگامی که این «زيادة» گفتار خود یزید است نه متن حدیث، و حدیثی که امام احمد رحمه الله روایت می کند نه از طریق یزید بلکه از طُرُق دیگر است، چه نیازی به این گفته می‌باشد که امام احمد آن را بدون زیادت روایت نموده است؟ نیاز زمانی پیدا می‌شود که امام احمد رحمه الله آن را از همان طریق یزید روایت نموده باشد.

۲۱ از جملهٔ سخنان شیخ آلبانی که موجب شرمساری گوینده‌اش می گردد یکی اینست که قول و رأی بی دلیل راوی‌ای را «زیادت حدیث» می نامد تا به اینگونه ناآگاهان و بی خبرانِ فرقهٔ «اهل حدیث» امثالِ خودش را مشتبه بگرداند که گویا این «قول و رایِ» راوی در واقع متن حدیث است.

۲۲ همچنین از جملهٔ اعمال شرم‌آور جناب شیخ آلبانی این است که گروهی از صحابه رضی الله عنهم را که این حدیث با روایت آنها مشهور است بدون اینکه الفاظ حدیث شان را بیاورد نام می برد تا در چشم مردم خاک پاشیده وانمود کند که این الفاظ را همهٔ این اصحاب کرام رضی الله عنهم روایت کرده اند و به اینگونه تلبیس را به پایهٔ تکمیل برساند.

تفصیل این مقال چنین است که شیخ آلبانی می خواهد نادانانی را که پیرو او هستند و خود را «اهل حدیث» می‌خوانند خرسند بسازد که طائفهٔ منصوره همان گروه «اهل الحدیث» می باشد،[۱] با وجود آنکه این مطلب نه در مرفوع نَبَوی وارد شده و نه در موقوف صحابی و نه مقطوع تابعی، بلکه خلعتی است که ابن مبارک رحمه الله، ابن مدینی رحمه الله و شاگردش امام بخاری رحمه الله به تن «محدثین» می پوشانند.

یزید بن هارون رحمه الله و احمد رحمه الله می گویند:

إِنْ لَمْ يَكُوْنُوْا أَصْحَاب الْحَدِيْثِ فَلَا أَدْرِي مَنْ هُمْ؟

«اگر آنها اصحاب الحدیث (محدثین) نباشند پس نمی دانم که آنها چه کسانی خواهند بود»!

ایشان این سخن را بطور قطعی نمی گویند بلکه این نکته ای است که ذهن شان بدان سو رفته است.

و نباید فراموش کرد که افرادی که قائل به آن هستند چه به طور جزم و چه به طور احتمال، همگی جزو اصحاب الحدیث یعنی محدثین می باشند. و کیست که دوست نداشته باشد در زمرهٔ گروهی قرار بگیرد که مصداق حدیثی قرار گیرند که در آن فضیلت یا تعریفی برای آن گروه مذکور است؟!

---

[۱] «اهل الحدیث» در اصطلاح طبقهٔ محدثین را می گویند، ولی امروزه گروهی سوء استفاده نموده این اسم را بر فرقهٔ خود نام گذارده اند و تنها خود را نجات یابنده در قیامت می‌پندارند و بقیهٔ اهل اسلام را بدعتی و مشرک و اهل النّار می‌دانند. این فرقه همچنین خود را سَلَفی و اَثَری نیز می‌نامد و سایر مسلمانان آنها را به نام‌های گوناگون مانند غیرمقلد، خوارج، وهابی و لامذهب و غیره می‌شناسند. شیخ آلبانی که خود یکی از سران این فرقه می‌باشد گفتهٔ یزید بن هارون رحمه الله که نظر شخصی او هست را به نام «زیادت» متن حدیثِ رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای آنها پیش می کند. ولاحول و لا قوة الا بالله.

شیخ آلبانی وقتی اسامی کسانی را ذکر می‌کند که قایل اند مراد از طائفۀ منصوره در حدیث شریف همان اصحاب الحدیث یا طبقۀ محدثین است فوراً در پی هر اسم اصلِ الفاظ ایشان را نیز می آورد، لیکن هنگامی که اسامی صحابه‌ای را می نویسد که راوی این حدیث هستند الفاظ احادیث ایشان را هرگز ذکر نمی کند، چرا، زیرا در متن احادیث شریفۀ ایشان تصریحاتی وجود دارد که اقوال قائلین به طائفۀ منصوره بودن اصحاب الحدیث (محدثین) را درهم می شکند و این خلعت را از تن شان بیرون می کشد و اوهام شیخ آلبانی را بر باد هوا می دهد.

چندی از احادیثی که شیخ آلبانی کتمان کرده است:

در اینجا چندی از احادیثی را که جناب آلبانی کتمان کرده ذکر می کنیم.

﴿۱﴾ جناب آلبانی بحث طائفۀ منصوره را با بیان حدیث حضرت عِمْرَان بن حُصَيْن ﵁ به روایت رامْهُرْمُزِی آغاز نموده بعداً می گوید:

«حدیث عِمْرَان را احمد، ابوداؤد و حاکم بدون این زیادت تخریج نموده اند».[۱]

لیکن شیخ محترم از اصل متن حدیث چشم‌پوشی و از آوردن آن خودداری می کند، زیرا اصل الفاظ حدیث نزد حاکم چنین است:

«لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِينَ عَلَى مَنْ نَاوَأَهُمْ حَتَّى يُقَاتِلَ آخِرُهُمُ الْمَسِيحَ الدَّجَّالَ».

---

[۱] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ۵۴۰/۱ تحت حدیث ۲۷۰

یعنی گروهی از امت من همواره بخاطر حق با دشمنان می جنگند و پایدار و کامیاب می‌باشند حتی که آخرین ایشان با دجّال خواهد جنگید».[۱]

این حدیث نص صریح است که طائفۀ منصوره و پیروزمند همان مجاهدانی می‌باشند که در راه حق می‌جنگند. امام ابوداؤد رحمه الله نیز این حدیث را تحت عنوان «بَابٌ فِيْ دَوَامِ الْجِهَادِ» تخریج می‌کند و اشاره می‌رساند که طائفۀ منصوره و پیروز همان دلاورانی هستند که به جهاد می پردازند.[۲]

۳ از جملۀ صحابه‌ای که شیخ آلبانی نام می‌گیرد حضرت ابواُمامه رضي الله عنه است که حدیثش را به مُسْنَد احمد نسبت می‌دهد،[۳] لیکن شیخ محترم اصل نَصِّ حدیث را کتمان می کند.

اصل حدیث چنین است:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي عَلَى الدِّيْنِ ظَاهِرِيْنَ لَعَدُوِّهِمْ قَاهِرِيْنَ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ إِلَّا مَا أَصَابَهُمْ مِنْ لَأْوَاءَ حَتَّى يَأْتِيَهُمْ أَمْرُ اللهِ وَهُمْ كَذٰلِكَ. قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ وَأَيْنَ هُمْ؟ قَالَ: بِبَيْتِ الْمَقْدِسِ وَ أَكْنَافِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ.

یعنی گروهی از امت من همواره گامزن و پیروز بر دین اند و بر دشمنان شان غالب. کسانی که با آنها مخالفت می ورزند زیانی به آنها نمی توانند برسانند مگر آنچه در تقدیر شان باشد، تا زمانی که امر خداوند (قُرب قیامت) بیاید آنان بر همین وضع خواهند بود. مردم گفتند یا رسول خدا آنها در کجا خواهند بود؟

---

[۱] المستدرک للحاکم: ۸۱/۲ حدیث ۲۳۹۲ کتاب الجهاد | مسند احمد: ۱۴۹/۳۳ حدیث ۱۹۹۲۰

[۲] سنن ابی داؤد: ۱۴۱/۴ حدیث ۲۴۸۴ كِتَابُ الجِهَادِ، بَابٌ فِي دَوَامِ الجِهَادِ

[۳] سلسلة الاحادیث الصحیحة للآلبانی: ۵۴۰/۱ تحت حدیث ۲۷۰

آنحضرت صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: در بیت المقدس و اطراف بیت المقدس![1]

در الفاظ حدیث «عَلَى الدِّينِ ظَاهِرِينَ لَعَدُوِّهِمْ قَاهِرِينَ» بیندیشید و سپس بنگرید که چگونه جناب رسول خدا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ جایگاه آن گروه و مرکز جولانگاه ایشان را بیت المقدس می نامند. اگر مراد آنحضرت صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن گروه، اصحاب‌الحدیث (محدثین) می بود مُسلَّماً در پاسخ می فرمودند که بخارا، بغداد، خراسان، واسط، شام، بصره، کوفه یا حِجاز.

﴿۴﴾ از جملهٔ صحابه ای که این حدیث شریف را روایت کرده‌اند ولی شیخ آلبانی از آنان نام نمی‌برد حضرت جابر بن عبد الله رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ است و لفظ حدیث وی چنین می باشد:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ ظَاهِرِيْنَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

«گروهی از امت من بخاطر حق همیشه می‌جنگند و پیروز هستند تا روز قیامت».

این حدیث را امام مُسلم رَحِمَهُ اللّٰهُ در کتابُ الإِمَارَة در خلال ابواب جهاد ذکر کرده است.[2]

﴿۵﴾ از جملهٔ صحابه ای که شیخ آلبانی آنها را نام گرفته، حضرت عمر فاروق رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ و حضرت مُغِيرة بن شعبة رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ است.[3]

لفظ حدیث حضرت عمر رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ نزد دَارِمی:

«لَا يَزَالُ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ».[4]

---

[1] مسند احمد: ٦٥٦/٣٦ و ٦٥٧ حدیث ٢٢٣٢٠

[2] صحیح مسلم: ١٥٢٤/٣ حدیث ١٩٢٣ كِتَابُ الْإِمَارَةِ، بَابُ قَوْلِهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى الْحَقِّ لَا يَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ»

[3] سلسلة الاحادیث الصحیحة للآلبانی: ٥٤٠/١ و ٥٤١ تحت حدیث ٢٧٠

[4] سنن الدارمی: ص ٥٨٣ حدیث ٢٦٢٣ كِتَابِ الجِهَاد، لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ

و لفظ حدیث حضرت مُغیره ﷺ نزد او اینست:

لَا يَزَالُ قَوْمٌ مِنْ أُمَّتِي ظَاهِرِينَ عَلَى النَّاسِ حَتَّى يَأْتِيَ أَمْرُ اللهِ.[1]

هر دو حدیث را امام دارِمی ﷺ در کتاب الْجِهَاد آورده و چنین عنوان بر آن نهاده است:

لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ.

باب: گروهی از اُمت من بخاطر حق همیشه قتال می‌کنند.

﴿۶﴾ امام بَیْهَقی ﷺ بابی را به عنوان بَابُ إِظْهَارِ دِينِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْأَدْيَانِ در سنن کبری آورده و از حدیث جابر ﷺ که قبلاً گذشت برآن استدلال نموده است. این باب یکی از ابواب کتابُ السِّیَر است.[2]

﴿۷﴾ و در حدیث حضرت ابوهریره ﷺ در اَوسط طَبَرَانی آمده:

«يُقَاتِلُونَ عَلَى أَبْوَابِ دِمَشْقَ وَمَا حَوْلَهُ، وَعَلَى أَبْوَابِ بَيْتِ الْمَقْدِسِ وَمَا حَوْلَهُ، لَا يَضُرُّهُمْ خِذْلَانُ مَنْ خَذَلَهُمْ، ظَاهِرِيْنَ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ».[3]

یعنی قریب دروازه های دمشق و اطراف آن و قریب بیت المقدس و اطراف آن می جنگند ... تا (قُرب) قیامت برپا شود.[4]

حافظ ابن حَجَر ﷺ این را آورده می نویسد:

وَيُمْكِنُ الْجَمْعُ بَيْنَ الْأَخْبَارِ بِأَنَّ الْمُرَادَ قَوْمٌ يَكُونُونَ بِبَيْتِ

---

[1] سنن الدارِمی: ص ۵۸۲ و ۵۸۳ حدیث ۲٦۲۳ كِتَابِ الجِهَاد، لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ هَذِهِ الأُمَّةِ يُقَاتِلُونَ عَلَى الْحَقِّ

[2] السنن الکبری للبیهقی: ۳۰٤/۹ حدیث ۱۸٦۱۵ جِمَاعُ أَبْوَابِ السِّيَرِ، بَابُ إِظْهَارِ دِينِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْأَدْيَانِ

[3] السنن الکبری للبیهقی: ۳۰٤/۹ حدیث ۱۸٦۱۵ جِمَاعُ أَبْوَابِ السِّيَرِ، بَابُ إِظْهَارِ دِينِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى الْأَدْيَانِ

[4] المعجم الاوسط للطبرانی: ۱۹/۱ حدیث ٤۷

الْمَقْدِسِ وَهِيَ شَامِيَّةٌ.

«و جمع در بین احادیث به این‌گونه ممکن است که مراد از آن گروهی می باشد که در بیت المقدس می‌باشند و این گروه مردم شام هستند».[1]

---

[1] فتح الباری لإبن حَجَر: ۲۹۵/۱۳ تحت حدیث ۷۳۱۲

علاقهٔ شدید شیخ آلبانی به نقض کلام ابن تیمیه

چند نمونه از رد شیخ آلبانی بر کلام علامه ابن تیمیه رحمه الله و انتقاد شدیدش بر او را برای شما در اینجا انتخاب نموده ایم.

۱) شیخ آلبانی در تعلیق خود بر کتاب «حقيقة الصيام»، علامه ابن تیمیه رحمه الله را متهم به وهم نموده می گوید:

نسبت دادن ابن تیمیه حدیث را به او ... وهم است. ابن تیمیه در اینجا از پدرکلان خود مجدالدین عبدالسلام تقلید نموده زیرا او آن را همین گونه در «المنتقى» آورده است.[۱]

۲) شیخ آلبانی جائی دیگر می نویسد:

سکوت ابن جوزی در قبال این حدیث با وجود ظهور ضعف و کثرت عِلَل آن بسیار عجیب است و عجیب‌تر از آن اطمینان ابن تیمیه و عکس‌العمل نشان ندادنش در قبال این سکوت می‌باشد که ایهام به صحت حدیث را می رساند و در این مورد شاگردش ... محمد بن عبد الهادی نیز دنباله رو او هست ...[۲]

سپس خود شیخ آلبانی جواب حدیث را چنین می دهد:
خداوند متعال ما را از فکر و خوض در ابطال آن نجات داده، به این گونه که حدیث را ضعیف می دانیم.[۳]

بنگرید که شیخ آلبانی چگونه بر ابن الهادی رحمه الله و ابن تیمیه رحمه الله حمله می کند و آنان را نسبت به ضعف این حدیث که به

---

[۱] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ۱۵ چاپ پنجم، المكتب الاسلامی

[۲] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ۱۹ چاپ پنجم، المكتب الاسلامی

[۳] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ۲۰ چاپ پنجم، المكتب الاسلامی

گفتهٔ شیخ محترم خیلی واضح است جاهل و بی خبر قلمداد می نماید.

﴿۳﴾ ابن تیمیه رحمه الله در مورد روایتی می گوید: ضَعِيْفٌ.

آلبانی در مقابل نویسد: بَلْ هُوَ ضَعِيْفٌ جِدّاً.

بسیار زیاد ضعیف است.[1]

﴿۴﴾ ابن تیمیه رحمه الله می گوید: بَلْ يُقَوِّيهَا. این روایت آن حدیث را تقویت می کند.

آلبانی در مقابل می‌نویسد: فِيْهِ نَظَرٌ.

این گفته اشکال دارد.[2]

﴿۵﴾ ابن تیمیه رحمه الله می گوید: وَلَمْ يَتَّفِقَا إلَّا عَلَى حِجَامَةِ المُحْرِمِ.

آلبانی در مقابل می‌گوید: فِيْهِ نَظَرٌ.

این گفته اشکال دارد.[3]

﴿۶﴾ آلبانی می نویسد: گفتهٔ ابن قَيِّم در «زاد المعاد» که می گوید: لاَ يَصِحُّ، بر خودش مردود است طبق این تحقیق.[4]

﴿۷﴾ ابن تیمیه رحمه الله می گوید: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حدیث صحیح ثابت است که ایشان در حالی که روزه و احرام داشتند حجامت نمودند.

آلبانی در مقابل می نویسد: حدیثی با این الفاظ در هیچ یک از صَحيحَيْن وجود ندارد.[5]

---

[1] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ۲۰ چاپ پنجم، المكتب الاسلامی

[2] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ۲۱ چاپ پنجم، المكتب الاسلامی

[3] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ۷۱ چاپ پنجم، المكتب الاسلامی

[4] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ۷۰ چاپ پنجم، المكتب الاسلامی

[5] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ٦٧ چاپ پنجم، المكتب الاسلامی

﴿۸﴾ ابن تیمیه رحمه الله می گوید: فَضَيِّقُوْا مَجَارِيَهُ بِالْجُوْعِ وَ الصَّوْمِ.

شیخ آلبانی در مقابل می نویسد:

اصلی در کتاب های حدیث چه مطبوع و چه مخطوط برای این حدیث سراغ ندارم ... جزو عجایب است که این امر از کسی چون ابن تیمیه پوشیده بماند.[۱]

﴿۹﴾ ابن تیمیه رحمه الله می گوید: اینکار مستحب است زیرا حدیثش در «کتب سُنَن» موجود است.

شیخ آلبانی در مقابل می نویسد:

اسناد این حدیث دارای ضعف است.[۲]

﴿۱۰﴾ ابن تیمیه رحمه الله می گوید: امر به وضو در قِبال مسِّ ذکَر استحبابی است.

آلبانی در مقابل می نویسد:

دلیلی برای استحباب نیست، امر برای وجوب است.[۳]

﴿۱۱﴾ ابن تیمیه رحمه الله می گوید: از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حدیث در مورد «التبکیر بالعصر» وارد است.

آلبانی در مقابل می نویسد:

با این سِیاق ضعیف است.[٤]

﴿۱۲﴾ ابن تیمیه رحمه الله می گوید: هیچ کسی امر او به قضاء را ذکر نکرده است.

آلبانی در مقابل می نویسد:

---

[۱] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ٥٦ چاپ پنجم، المكتب الاسلامى

[۲] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ٤٥ چاپ پنجم، المكتب الاسلامى

[۳] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ٤٥ چاپ پنجم، المكتب الاسلامى

[٤] حقيقة الصيام لإبن تيمية: ص ٣٢ چاپ پنجم، المكتب الاسلامى

نه، این گفته اشکال دارد، زیرا بیش از یک نفر آن را ذکر کرده است.[۱]

۱۳ ابن تیمیه رحمه‌الله می گوید: اما این مسئلهٔ زمانی است که شخص استفراغ کند.

شیخ آلبانی می نویسد:

این زیادت را در هیچ یک از کتب حدیث که نزدم هست نیافتم ...[۲]

۱۴ شیخ آلبانی در کتاب «حجَّة النبی» خود می آورد:

ابن تیمیه می گوید: قِیْلَ إِنَّهَا مِنْ قَوْلِ الزُّهْرِیِّ لَا مِنْ قَوْلِ عَائِشَةَ.

سپس شیخ آلبانی در مقابل می نویسد:

«زُهْری کوهی است در حفظ، پس به مجرّد «قِیْلَ» چگونه تخطئه اش می‌توان کرد ...؟ بسیار عجیب است که ابن تیمیه بر آن اعتماد می کند و توسط آن حدیث عائشه را رد می کند».[۳]

۱۵ شیخ آلبانی در کتاب «حجَّة النبی» خود می نویسد:

مانعی برای رمی جَمَرَات با سنگ های که رمی شده اند وجود ندارد برخلاف آنچه ابن تیمیه می گوید.[٤]

۱۶ شیخ آلبانی در صحیحهٔ خود دربارهٔ یک گفتار ابن تیمیه رحمه‌الله می‌نویسد:

این گفتهٔ ابن تیمیه مردود است بلکه توسط این حدیث مردود می‌گردد. چقدر دوست داشتم که ابن تیمیه در این مباحث داخل نمی شد.[٥]

---

[۱] حقیقة الصیام لإبن تیمیة: ص ۲۵ چاپ پنجم، المکتب الاسلامی

[۲] حقیقة الصیام لإبن تیمیة: ص ۲۲ چاپ پنجم، المکتب الاسلامی

[۳] حجة النبی للآلبانی: ص ۸۷ چاپ پنجم، المکتب الاسلامی

[٤] حجة النبی للآلبانی: ص ۷۸ چاپ پنجم، المکتب الاسلامی

[٥] سلسلة الاحادیث الصحیحة للآلبانی: ۲۵۸/۱ تحت حدیث ۱۳۳

﴿١٧﴾ شیخ آلبانی در جائی دربارۀ ابن تیمیه ؒ می نویسد:

ابن تیمیه مبتلای وهم شده است که این حدیث را جزو اوراد وقت دخول به مسجد قرار داده.[١]

﴿١٨﴾ شیخ آلبانی در «صحیح الکَلِمِ الطَّیِّب» خود می‌گوید:

به تمام کسانی که بر این کتاب ابن تیمیه (اَلْکَلِمُ الطَّیِّب) و غیر آن دست می یابند توصیه می‌کنم که به عمل بر احادیث آن مبادرت نکنند مگر بعد از تائید ثبوت آن. و من به وسیلۀ تعلیقاتی که بر آن گذاشته‌ام راه را برای آنها آسان نموده‌ام، پس برآنچه از احادیث ثابت اند عمل کنند ... و غیر آن را ترک نمایند.[٢]

هدف شیخ آلبانی در اینجا اینست که بر مردم واجب است که باید او را به عنوان امام انتخاب کنند و کورکورانه از او تقلید کنند و بر ابن تیمیه ؒ و سایر علمای مورد اعتمادِ عرصۀ حدیث در ثبوت و عدم ثبوت احادیث اعتماد هرگز نکنند، بلکه در این مورد باید و باید به شیخ محترم آلبانی و تحقیقاتش مراجعه نمایند!!!

و باید دانست که این گفتار شیخ آلبانی فقط منحصر در کتاب‌های ابن تیمیه ؒ منحصر نیست بلکه عام بوده شامل اکثر کتب حدیث می‌باشد، زیرا شیخ محترم به صراحت می گوید که واقعیت حال بیشتر کتاب های حدیث ـ سایر کتابها را بجای خود بگذارید ـ اینست که در آنها روایاتی وجود دارند که نسبت آنها به رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نه تنها ثابت نیست بلکه آنها موضوع و جعلی و تقلُّبی می باشند.[٣] [و این امر مهم را تنها جناب شیخ محترم آلبانی حالا در این قُرب قیامت کشف کرده است].

---

[١] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ٤٤٥/١ تحت حديث ٢٢٥

[٢] صحيح الكَلِمِ الطَّيِّب للآلبانی: ص ١٦ چاپ دوم، مكتبة المعارف، رياض

[٣] صحيح الكَلِمِ الطَّيِّب للآلبانی: ص ١٧ چاپ دوم، مكتبة المعارف، رياض

به همین جهت شیخ محترم با انتشارات تجارتی «المکتب الاسلامی» در بیروت لبنان دست بهم داد تا احادیث را صاف و زلال ساخته و پیراسته تقدیم مردم کند و در بسیاری از نوشته هایش بر همین روش عمل نیز نمود و کتب احادیث [مانند جامع الترمذی، سنن نَسائی، سنن ابی داؤد و غیر آنها را دوپاره نمود، یک پاره اش را ضعیف الترمذی، ضعیف ابی داؤد ... نامید و پارهٔ دیگرش را] صحیح ابی داود، صحیح الترغیب والترهیب و غیره ... و اخیراً به پیشنهاد زهیر الشاویش صاحب انتشارات «المکتب الاسلامی»، کتاب «اَلْکَلِمِ الطَّیِّب» ابن تیمیه رحمه الله را اختصار کرد و اعتراف نمود که این پیشنهاد وی بسیار سودمند و بابرکت بوده است!

و باید گفت که چرا سودمند و بابرکت نباشد در حالی که هر دوی آنها به دنبال این همدستی سود مادی فراوانی به دست آوردند.[1]

﴿۱۹﴾ ابن تیمیه رحمه الله در «اَلْکَلِمِ الطَّیِّب» حدیث حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما را ذکر می کند که:

«خَدِرَتْ رِجْلُ ابْنِ عُمَرَ، فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ: اذْكُرْ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَيْكَ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ».[2]

«پای حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما را خواب برد، مردی به او گفت: محبوب ترین شخص نزد خود را یاد کن! حضرت عبد الله بن عمر رضی الله عنهما گفت: یا محمد!»

---

[1] این همدستی بین شیخ آلبانی و زهیر شاویش چند سالی طول کشید اما بعداً بر تقسیم پول و سود حاصله از چاپ و نشر کتب و غیره بین هر دوی شان اختلاف زیادی برپا شد تا آنجا که کار آنها به دشنام و فحش و تفسیق یکدیگر کشید.

[2] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۱۷۳ حدیث ۲۳۶

و ابن تیمیه رحمه الله مانند این حدیث را از حضرت عبد الله بن عباس رضي الله عنهما نیز آورده است».[۱]

شیخ آلبانی دربارۀ حدیث اول می گوید ضعیف است و دربارۀ ثانی می گوید: موضوع و جعلی است.[۲]

سپس می گوید: برایم بسیار قبیح است که ابن تیمیه این حدیث را در اینجا آورده است، لیکن او دنباله رو مؤلّفین قبل از خود است (در واقع جناب آلبانی شرمش می آید که بگوید: ابن تیمیه رحمه الله کورکورانه از آنها تقلید کرده است) و سپس مؤلفین بعدی مانند ابن قَیِّم، ابن جَزَرِی، صدیق حسن خان و غیره از او تقلید کرده اند (با وجود اینکه بیشتر این اشخاص دشمن تقلید هستند) بلکه من آوردن حدیث قبلی را درست نمی دانم ... زیرا روایت موقوف است... واگر صحیح هم باشد استدلال برآن صحیح نیست، به ویژه آنکه برخی از مبتدعه توسط آن بر جواز استغاثه بغیر الله استدلال می کنند.[۳]

سوال از شیخ محترم اینست: آیا بر شما لازم است تا بگوئید تمام روایاتی که مبتدعه از آنها بر جواز استغاثه استدلال می کنند موضوع و تقلّبی می باشند؟!

۲۰ ابن تیمیه رحمه الله حدیث «نِعْمَ الْبَيْتُ الْحَمَّامُ» را ذکر می کند و سکوت اختیار می کند.

اما شیخ آلبانی در مقابل می نویسد:

من این حدیث را موضوع (جعلی) می بینم.[٤]

---

[۱] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۱۷٤ حدیث ۲۳۷

[۲] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۱۷۳ و ۱۷٤ حاشیه

[۳] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۱۷۳ و ۱۷٤ حاشیه

[٤] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۱۸۳ حدیث ۲٥٤

﴿۲۱﴾ ابن تیمیه رحمه الله حدیثی را ذکر می کند و می گوید: مُسْلِم آن را تخریج نموده است.

شیخ آلبانی در مقابل آن می نویسد:

لَیْسَ عِنْدَ مُسْلِمٍ. حدیث در صحیح مسلم وجود ندارد. [۱]

﴿۲۲﴾ ابن تیمیه رحمه الله حدیثی را آورده می‌گوید: ترمذی گفته است حَدِیْثٌ حَسَنٌ.

شیخ آلبانی در مقابل می نویسد:

اولاً ترمذی آن را با این لفظ تخریج نکرده و ثانیاً ترمذی آن را حَسَن قرار نداده بلکه ضعیف گفته است. (ص: ٣٤) [۲]

﴿۲۳﴾ ابن تیمیه رحمه الله حدیثی را ذکر می کند اما شیخ آلبانی بر او ایراد می‌گیرد که حدیث را با دو لفظ آورده‌است در حالی که حدیث با یک لفظ وارد شده است. و دیگر اینکه ابن تیمیه حدیث را به مُتَّفَقٌ عَلَیْهِ نسبت می‌دهد و ابن قَیِّم نیز از او تقلید می کند حالآنکه چنین نیست. [۳]

﴿۲۴﴾ ابن تیمیه رحمه الله می‌گوید: همانا به ما رسیده است که هر کس بر این محافظت نماید او را خستگی نخواهد گرفت.

آلبانی در مقابل می نویسد:

سبب اینکار و اینکه این گفتار از چه کسی است را ندانستم، بنابرین لایق التفات نیست. [٤]

﴿۲۵﴾ ابن تیمیه رحمه الله از ترمذی در مورد حدیثی چنین نقل می کند: حَدِیْثٌ حَسَنٌ غَرِیْبٌ. این حدیث حَسَن و غریب است.

---

[۱] تخریج الکَلِم الطَّیِّب للآلبانی: ص ٦٦ حدیث ١٤ چاپ مکتبة المعارف

[۲] تخریج الکَلِم الطَّیِّب للآلبانی: ص ٧٢ حدیث ٢٥ چاپ مکتبة المعارف

[۳] تخریج الکَلِم الطَّیِّب للآلبانی: ص ٧٦ و ٧٧ حدیث ٣٤ چاپ مکتبة المعارف

[٤] تخریج الکَلِم الطَّیِّب للآلبانی: ص ٧٨ حدیث ٣٥ چاپ مکتبة المعارف

شیخ آلبانی در مقابل می نویسد:

فِيْهِ ضَعْفٌ عِنْدِیْ، نزد من این حدیث ضعف دارد.[۱]

۲۶ ابن تیمیه رحمه الله حدیثی را ذکر می کند و شیخ آلبانی در مقابل می نویسد:

این حدیث را نمی شناسم و خیال نمی کنم صحیح باشد.[۲]

۲۷ آلبانی در مقابل حدیثی که ابن تیمیه رحمه الله آورده می نویسد:

بسیار جای تعجب است از ابن تیمیه که چگونه بر این حدیث سکوت می‌کند با وجود آنکه ترمذی آن را ضعیف قرار داده.[۳]

۲۸ همچنین شیخ آلبانی در تحت آن می نویسد:

خواننده ملاحظه کند که سِیاق حدیث با عنوان باب (که ابن تیمیه نوشته) مناسبتی ندارد.[٤]

۲۹ ابن تیمیه رحمه الله حدیثی را از ابوداود ذکر می کند و آلبانی تحت آن می نویسد:

من می‌گویم که عمل بر این حدیث اجماعاً جایز نیست.[٥]

۳۰ شیخ آلبانی در سلسلۀ صحیحۀ خود می گوید:

این حدیث رد بر کسی می‌باشد که قائل است عرش اولین مخلوق است. و باید دانست که نصی در این مورد از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وجود ندارد وکسانی مانند ابن تیمیه و غیره که چنین گفته اند آن را به طور استنباط و اجتهاد گفته اند حالآنکه در

---

[۱] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۷۹ و ۸۰ حدیث ٤۰ چاپ مکتبة المعارف

[۲] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۸۳ حدیث ٤٦ چاپ مکتبة المعارف

[۳] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۸٤ حدیث ٤۸ چاپ مکتبة المعارف

[٤] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۸٥ حدیث ٤۹ چاپ مکتبة المعارف

[٥] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ۹۸ حدیث ۷۸ چاپ مکتبة المعارف

موجودیتِ نصْ، اجتهاد را چکار. چقدر دوست داشتم که ابن تیمیه در این مباحث داخل نمی شد. [۱]

[۱] سلسلة الاحادیث الصحیحة للآلبانی: ۲۵۸/۱ تحت حدیث ۱۳۳

تناقضات آلبانی با خودش

۲۳ شیخ آلبانی حتی با خودش نیز تناقُض دارد. او چیزی را که خودش یکجا تأئید می کند در جای دیگر نقضش می نماید كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا.

بعضی از نمونه های تناقضات شیخ آلبانی را در زیر می آوریم:

تناقض در حدیث ثابت و حدیث ضعیف:

۱ شیخ آلبانی در مورد حدیثی در سلسلۀ احادیث ضعیفۀ خود می‌گوید:

«مخالفش در سُنَن ابی‌داود ثابت است... مرفوعاً از حدیث ابو دَرداء»...

و سپس دربارۀ آن می نویسد:

«حدیث ابودرداء ضعیف است و (چنانکه نَوَوِی آن را جَیِّد می گوید) جیِّد نیست، لذا با گفتۀ نَوَوِی نباید فریب خورد».[1]

از جناب آلبانی می‌پرسیم:

آیا جایز است به حدیث ضعیف بگویند حدیث ثابت؟ اگر پاسخ مثبت باشد، خواننده آن را در ذهن داشته باشد! و اگر پاسخ منفی است، جناب آلبانی با خودش تناقُض دارد، زیرا حدیث ضعیف را حدیث ثابت می نامد!

---

[1] سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٦٢٢/١ تحت حديث ٤٣٣

راوی مقبول،
لَيِّنُ الحديث است یا حَسَنُ الحديث و یا صحيح الحديث؟

(۲) شیخ آلبانی در جاهای متعددِ کتب خویش تصریح می کند که هنگامی که حافظ ابن حَجَر رحمه‌الله دربارهٔ یک راوی می‌گوید «مَقْبُوْلٌ»، معنی اش اینست که او «لَيِّنُ الْحَدِيْث» می باشد.[1]

مثلاً در جائی می‌نویسد:

وَفِي «التَّقْرِيْبِ» أَنَّهُ «مَقْبُوْلٌ» يَعْنِي لَيِّنُ الْحَدِيْثِ.

در «تقریب» مذکور است که این راوی مقبول است، یعنی لَيِّنُ الْحَدِيْثِ است.[2]

و در جائی دیگر می نویسد: لَمْ يُوَثِّقْهُ الْحَافِظُ فِي «التَّقْرِيْبِ» وَإِنَّمَا قَالَ: «مَقْبُوْلٌ»، أَيْ لَيِّنُ الْحَدِيْث.

حافظ ابن حَجَر این راوی را در «تقریب» توثیق نکرده بلکه گفته «مقبول» است، یعنی «لَيِّنُ الْحَدِيْث» می‌باشد.[3]

---

[1] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ۷۲۰/۱ تحت حديث ۳۷٦ | سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ١٤٧/٦ تحت حديث ۲۵۷۲ | سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ١٤٧/٦ تحت حديث ۲۵۷۲ | سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ۵۲۳/۲ تحت حديث ۸٦٦ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ۲۲۰/۳ تحت حديث ۱۱۹۹ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٥١٦/٣ تحت حديث ١٣٤١ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٥٨٦/٣ تحت حديث ١٣٩٧ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٢٠٦/٤ تحت حديث ١٧١٦ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ١٦٥/٦ تحت حديث ٢٦٥٣ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٢٧/٩ تحت حديث ٤٠٢٤ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٥٩/٩ تحت حديث ٤٠٦٣ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٤٦٥/١٠ تحت حديث ٤٨٦١ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٥١٣/١١ تحت حديث ٥٣٢٣ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٧٤٦/١١ تحت حديث ٥٤٣٩ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ٢٤٠/١٣ تحت حديث ٦١٠٦

[2] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ۷۲۰/۱ تحت حديث ۳۷٦

[3] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ٦٠٠/٤ تحت حديث ١٩٥٧

سپس شیخ آلبانی به تناقض با خودش می پردازد و حدیثی که حافظ ابن حَجَر رحمه الله در مورد راوی اش (ابو ربیعه إیادی) گفته «مقبول» است،[١] آلبانی آن را حدیث حَسَن قرار می دهد،[٢] در حالی که حدیث نزد حافظ از إفراد این راوی می باشد.

و در سلسلۀ احادیث صحیحۀ خود می نویسد:

وَالْمُنْذِرُ هٰذَا مَقْبُوْلٌ كَمَا فِي «التَّقْرِيْبِ»، فَالْحَدِيْثُ صَحِيْحٌ.

و مُنْذِر مقبول است چنانکه در تقریب آمده، لذا حدیث صحیح می باشد.[٣]

و در جائی دیگر در سلسلۀ احادیث صحیحۀ خود دربارۀ یک راوی می نویسد:

وَقَالَ الْحَافِظُ فِي التَّقْرِيْبِ: مَقْبُوْلٌ، فَحَدِيْثُهُ يَحْتَمِلُ التَّحْسِيْنَ.

حافظ در تقریب می‌گوید مقبول است لذا حدیثش احتمال حَسَن بودن را دارد.[٤]

و در جائی دیگر در سلسلۀ احادیث صحیحۀ خود در مورد یک حدیث می گوید: وَهٰذَا سَنَدٌ حَسَنٌ، این سند حَسَن است، با وجود آنکه خودش اعتراف دارد که حافظ ابن حَجَر رحمه الله در مورد یکی از راویان آن گفته که مقبول است.

وَقَالَ الْحَافِظُ فِي التَّقْرِيْبِ مَقْبُوْلٌ.[٥]

شیخ آلبانی در کتاب جلباب المرأة المسلمة خود می گوید:

---

[١] تقريب التهذيب لإبن حَجَر: ص ٦٣٩ أبو ربيعة الإيادي

[٢] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ٧٧

[٣] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ٧١٤/١ تحت حديث ٣٧٢

[٤] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ٥٢٠/١ تحت حديث ٢٥٨

[٥] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ٤٤٩/١ تحت حديث ٢٢٧

وَإِسْمَاعِيْلُ هٰذَا ... وَلَمْ يَذْكُرْ فِيْهِ [إِبْنُ أَبِي حَاتَم] جَرْحًا وَلَا تَعْدِيْلًا... وَفِي التَّقْرِيْبِ: مَقْبُوْلٌ، فَمِثْلُهُ يُسْتَشْهَدُ بِهِ، وَلَا سِيَمَا وَقَدْ حَسَّنَ إِسْنَادَهُ الذَّهَبِيُّ.

(ابن ابی حاتم دربارۀ) این اسماعیل ... جرح و تعدیلی را نگفته است و در «تقریب» وارد است که او مقبول است... پس راوی مانند او جهت شاهد شدن برای حدیث دیگر درست است به ویژه آنکه ذَهَبی سند آن را حَسَن قرار داده است.[۱]

تناقض شیخ آلبانی در توثیق ابن حِبَّان:

﴿۳﴾ شیخ آلبانی در سلسلۀ احادیث صحیحه خود می‌گوید:

وَمِنَ الْمَعْلُوْمِ أَنَّ تَوْثِيْقَهُ (إبن حِبَّان) غَيْرُ مُعْتَمَدٍ عِنْدَ الْمُحَقِّقِيْنَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالنُّقَّادِ، وَمِنْهُمُ الذَّهَبِيُّ.

آنچه معلوم است اینست که توثیق ابن حِبَّان نزد علمای محقِّق وناقد که یکی ازآنها ذَهَبی می‌باشد مورد اعتماد نیست.[۲]

﴿۞﴾ و از همین جهت هنگامی که علامه مُنْذری رحمه الله سندی را که ابن حِبَّان رحمه الله یکی از راویان آن را توثیق کرده حَسَن قرار می دهد، شیخ آلبانی گفتۀ علامه مُنْذری رحمه الله را رد کرده می گوید:

وَفِي ذٰلِكَ نَظَرٌ عِنْدِيْ لِمَا قَرَّرْنَاهُ مِرَاراً أَنَّ تَوْثِيْقَ إِبْنِ حِبَّانٍ فِيْهِ لِينٌ.

به نظر من اینکارش اشکال دارد، زیرا چندین بار گفته ایم که در توثیق ابن حِبَّان لِین وجود دارد.[۳]

---

[۱] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ۷۵

[۲] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ۶۷۷/۱ تحت حديث ۳۴۳

[۳] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ۲۱۵/۱ تحت حديث ۱۰۵

و همچنین شیخ آلبانی دربارۀ راوی ای که ابن حِبَّان ﷺ او را توثیق کرده وعلامه بوصیری ﷺ حدیثش را حسن قرار داده در جلباب المرأة خود چنین می گوید:

فَهُوَ فِي عِدَادِ الْمَجْهُوْلِيْنَ، وَإِنْ أَوْرَدَهُ إِبْنُ حِبَّانٍ فِي الثِّقَاتِ عَلَى قَاعِدَتِهِ، وَمِنْهُ نَعْلَمُ أَنَّ قَوْلَ الْبُوْصِيْرِيِّ... إِسْنَادُهُ حَسَنٌ غَيْرُ حَسَنٍ.

او در شمار مجهولان است هرچند ابن حِبَّان طبق قاعدۀ خود او را در شمار ثِقات آورده است. از اینجا می دانیم که گفتۀ بوصیری که إسناد آن حَسَن است نادرست می باشد.[1]

سپس شیخ محترم آلبانی این نظر خود را خودش نقض می‌کند و حدیث عبد الله بن یَسَار را صحیح قرار می‌دهد و برایش این حیله را می سازد که:

فَإِنَّ عَبْدَ اللهِ هٰذَا؛ وَإِنْ لَمْ يَذْكُرُوْا تَوْثِيْقَهُ عَنْ غَيْرِ إِبْنِ حِبَّانٍ؛ فَقَدْ رَوَى عَنْهُ جَمَاعَةٌ مِنَ الثِّقَاتِ.

«گرچه بجز ابن حِبَّان هیچ کس دیگری توثیق او را ذکر نکرده است اما تعدادی ثقات از او روایت کرده اند».[2]

و در جائی دیگر حدیث مهاجر بن عمرو شامی را حَسَن قرار می دهد و می گوید:

«ابن حِبَّان او را توثیق نموده و تعدادی ثقات از او روایت کرده اند».[3]

و در مورد یحیی بن مالک می گوید:

---

[1] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ٢١٤

[2] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ١٤٦

[3] جلباب المرأة المسلمة للآلبانی: ص ٢١٣ و ٢١٤

فَمِثْله حَسَنُ الْحَدِيْثِ إِنْ شَاءَ اللهُ تَعَالَى لِتَابِعِيَّتِهِ، وَرِوَايَةِ جَمَاعَةٍ مِنَ الثِّقَاتِ عَنْهُ.

راوی‌ای مثل او حَسَن‌الحديث است إنشاء الله بخاطر آنکه تابعی است و بخاطر روایت کردن تعدادی ثقات از او.[۱]

﴿۳﴾ و حدیث عبدالکریم بن سَلِیط را حَسَن قرار می دهد با وجود اینکه بجز ابن حِبَّان رحمه الله هیچ کس دیگری او را توثیق نکرده و غیر از یک یا دو فرد، کس دیگری از وی روایت نکرده است.[۲]

تناقض شیخ آلبانی در معنی حدیثٌ غریبٌ:

﴿۴﴾ شیخ آلبانی در مواضع متعدد از کتب خود خصوصاً در سلسلهٔ احادیث صحیحه و سلسلهٔ احادیث ضعیفهٔ خود تصریح می کند که «حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ» یعنی حدیث ضعیف است. مثلاً:

﴿۱﴾ وَقَالَ أَبُوْ نُعَيْم: حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ، يَعْنِي ضَعِيْفٌ.

ابونُعَیْم دربارهٔ حدیثی گفته: «غَرِیْبٌ». معنی اش اینست که این حدیث ضعیف است.[۳]

﴿۲﴾ قَالَ التِّرْمِذِيُّ حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ، يَعْنِي ضَعِيْفٌ.

و هنگامی که امام ترمذی دربارهٔ حدیثی گفت: «غَرِیْبٌ»، یعنی آن حدیث ضعیف است.[٤]

---

[۱] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ۷۰٦/۱ تحت حدیث ۳٦٥

[۲] آداب الزفاف للآلبانی: ص ١٤٥

[۳] سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ۱۸٦/۹ تحت حدیث

[٤] سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ۱۱٥/۱ تحت حدیث ٦٤ | سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانی: ٤۲۸/٤ تحت حدیث ۱۸۱۲ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ۲٤٥/۲ تحت حدیث ۸٥۰ | سلسلة الاحاديث الضعيفة للآلبانی: ۳۲۲/٤ تحت حدیث ۱۸٤۳ | تخريج الكَلِمِ الطَّيِّب للآلبانی: ص ۱۱۷ حدیث ۱۲۰ و غیره ...

شیخ آلبانی در کتاب تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب خود دربارۀ حدیثی که امام ترمذی رحمه الله آن را تخریج کرده است می گوید:

ضَعَّفَهُ التِّرْمِذِیُّ بِقَوْلِهِ حَدِیْثٌ غَرِیْبٌ.

یعنی امام ترمذی این حدیث را ضعیف قرار می دهد زیرا گفته است این حدیث غریب است.[١]

و در جائی دیگر می نویسد:

إِسْنَادُهُ ضَعِیْفٌ وَأَشَارَ إِلَی ذَلِکَ الْحَافِظُ بِقَوْلِهِ حَدِیْثٌ غَرِیْبٌ.

اسناد این حدیث ضعیف است و حافظ ابن حَجَر رحمه الله توسط گفته اش «حَدِیْثٌ غَرِیْبٌ» به ضعف آن اشاره می کند.[٢]

شیخ آلبانی دربارۀ حدیثی که امام ترمذی رحمه الله روایت کرده است می گوید:

این حدیث ضعیف است، زیرا ترمذی با گفته‌اش که «حَدِیْثٌ غَرِیْبٌ لَانَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ هَذَا الْوَجْهِ» آن را ضعیف قرار داده است.[٣]

و دربارۀ حدیث دیگری می گوید:

ضَعَّفَهُ بِقَوْلِهِ حَدِیْثٌ غَرِیْبٌ.

یعنی امام ترمذی این حدیث را ضعیف قرار می دهد زیرا گفته است این حدیث غریب است.[٤]

شیخ دربارۀ دو حدیث ترمذی می گوید:

ترمذی در مورد هر دوی اینها می گوید: حَدِیْثٌ غَرِیْبٌ.

«یعنی اینها حدیث ضعیف هستند».[٥]

---

[١] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ٩٨ حدیث ٧٧

[٢] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ١٥٠ حدیث ١٨٣

[٣] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ١٣٧ حدیث ١٤٩

[٤] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ٧٣ حدیث ٢٥

[٥] تخریج الکَلِمِ الطَّیِّب للآلبانی: ص ١١٧ حدیث ١٢٠

سپس شیخ آلبانی را می بینید که خودش نظریۀ خود را نقض می کند و «حَدِيْثٌ غَرِيْبٌ» را حالا «**حديثٌ صحيحٌ**» و یا «**حديثٌ حَسَنٌ**» قرار می دهد.

مثلاً می گوید:

وَقَالَ أَبُوْ نُعَيْمٍ: غَرِيْبٌ... قُلْتُ: ... حَدِيْثٌ صَحِيْحٌ، وَلَا يُنَافِيْهِ قَوْلُهُ «غَرِيْبٌ»، لِأَنَّ الْغُرَابَةَ قَدْ تُجَامِعُ الصِّحَّةَ كَمَا هُوَ مُقَرَّرٌ فِي مُصْطَلَحُ الْحَدِيْثِ.

أَبُوْنُعَيْمٍ دربارۀ این حدیث می‌گوید که حدیث غریب است، من (آلبانی) می‌گویم که این حدیث صحیح است، زیرا غریب بودن حدیث با صحیح بودن آن جمع می شود چنانکه در علم الحدیث مقرَّر است.[1]

علامه ذَهَبی رحمه الله دربارۀ حدیثی می گوید:

وَهُوَ غَرِيْبٌ جِدّاً. این حدیث به شدت غریب است.

شیخ آلبانی آن را نقل کرده می نویسد:

لَا يَعْنِي أَنَّهُ ضَعِيْفٌ؛ كَمَا لَا يَخْفٰى عَلٰى أَهْلِ الْعِلْمِ لِأَنَّ الْغُرَابَةَ قَدْ تُجَامِعُ الصِّحَّةَ.

معنی این سخن این نیست که حدیث ضعیف است بلکه چنانکه اهل علم آگاه هستند غریب بودن حدیث با صحیح بودن آن یکجا جمع می شود.[2]

---

[1] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانى: ٧٤/١ تحت حديث ٢٣

[2] سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانى: ١٢٤٣/٧ تحت حديث ٣٤١٩ | ومثله فى سلسلة الاحاديث الصحيحة للآلبانى: ٢٣٩/٧ تحت حديث ٣٠٨٩

فہرست مآخذ

فہرست مآخذ کتاب
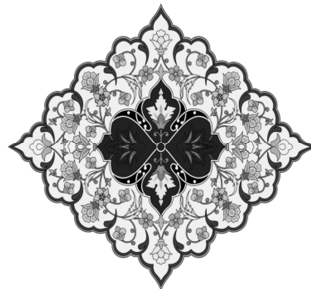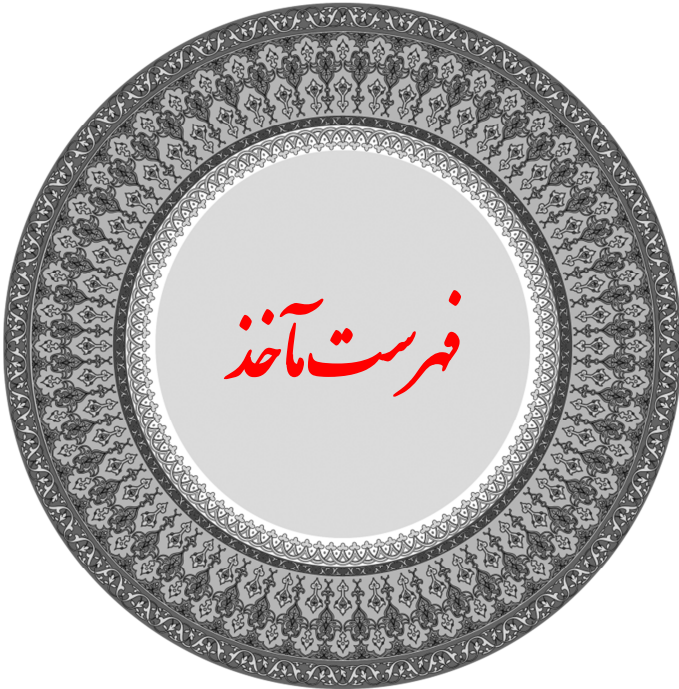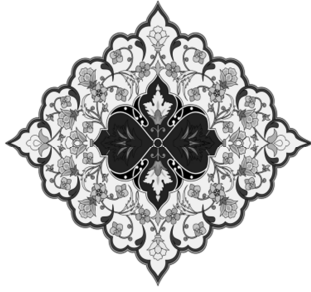
﴿۱﴾ صحيح البخاري:

الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلى الله عليه وسلم وسننه وأيامه. المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي. المحقق: محمد زهير بن ناصر الناصر. الناشر: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي). الطبعة: الأولى، ١٤٢٢هـ عدد الأجزاء: ٩

﴿۲﴾ صحيح مسلم:

المسند الصحيح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله. المؤلف: مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري النيسابوري (المتوفى: ٢٦١هـ). المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت. عدد الأجزاء: ٥

﴿۳﴾ سنن النسائي:

المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: ٣٠٣هـ). تحقيق: عبد الفتاح أبو غدة. الناشر: مكتب المطبوعات الإسلامية، حلب. الطبعة: الثانية، ١٤٠٦ – ١٩٨٦، عدد الأجزاء: ٩

﴿۴﴾ جامع الترمذي:

= سنن الترمذي. المؤلف: محمد بن عيسى بن سَوْرة بن موسى بن الضحاك، الترمذي، أبو عيسى (المتوفى: ٢٧٩هـ). تحقيق وتعليق: أحمد محمد شاكر (جـ ١، ٢). ومحمد فؤاد عبد الباقي (جـ ٣) وإبراهيم عطوة عوض المدرس في الأزهر الشريف (جـ ٤، ٥). الناشر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي، مصر، الطبعة: الثانية، ١٣٩٥ هـ - ١٩٧٥ م، عدد الأجزاء: ٥ أجزاء

﴿۵﴾ سنن أبي داود:

المؤلف: أبو داود سليمان بن الأشعث بن إسحاق بن بشير بن شداد بن عمرو الأزدي السِّجِسْتاني (المتوفى: ٢٧٥هـ). المحقق: محمد محيي الدين عبد الحميد. الناشر: المكتبة العصرية، صيدا، بيروت، عدد الأجزاء: ٤

﴿۶﴾ سنن ابن ماجه:

الكتاب: سنن ابن ماجه ت الأرنؤوط، المؤلف: ابن ماجة - وماجة اسم أبيه يزيد - أبو عبد الله محمد بن يزيد القزويني (المتوفى: ٢٧٣هـ)، المحقق: شعيب الأرنؤوط - عادل مرشد - محمَّد كامل قره بللي - عَبد اللّطيف حرز الله، الناشر: دار الرسالة العالمية، الطبعة: الأولى، ١٤٣٠ هـ - ٢٠٠٩ م، عدد الأجزاء: ٥

﴿۷﴾ موطأ الإمام مالك:

الكتاب: موطأ الإمام مالك، المؤلف: مالك بن أنس بن مالك بن عامر الأصبحي المدني (المتوفى: ١٧٩هـ)، المحقق: بشار عواد معروف - محمود خليل، الناشر: مؤسسة الرسالة، سنة النشر: ١٤١٢ هـ عدد الأجزاء: ٢

﴿۸﴾ السنن الكبرى للبيهقي:

المؤلف: أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرَوْجِردي الخراساني، أبو بكر البيهقي (المتوفى: ٤٥٨هـ). المحقق: محمد عبد القادر عطا. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، لبنان. الطبعة: الثالثة، ١٤٢٤ هـ - ٢٠٠٣ م

﴿۹﴾ مصنَّف عبد الرزاق:

المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام بن نافع الحميري اليماني الصنعاني (المتوفى: ٢١١هـ). المحقق: حبيب الرحمن الأعظمي. الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٠٣. عدد الأجزاء: ١١

﴿١٠﴾ **مسند الإمام أحمد بن حنبل:**

المؤلف: أبو عبد الله أحمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن أسد الشيباني (المتوفى: ٢٤١هـ). المحقق: شعيب الأرنؤوط -عادل مرشد، وآخرون. إشراف: د عبد الله بن عبد المحسن التركي. الناشر: مؤسسة الرسالة. الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ -٢٠٠١ م

﴿١١﴾ **صحيح ابن خزيمة:**

المؤلف: أبو بكر محمد بن إسحاق بن خزيمة بن المغيرة بن صالح بن بكر السلمي النيسابوري (المتوفى: ٣١١هـ). المحقق: د. محمد مصطفى الأعظمي. الناشر: المكتب الإسلامي، بيروت. عدد الأجزاء: ٤

﴿١٢﴾ **مصنَّف إبن أبي شيبة:**

الكتاب: المصنَّف في الأحاديث والآثار: المؤلف: أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي (المتوفى: ٢٣٥هـ). المحقق: كمال يوسف الحوت. الناشر: مكتبة الرشد، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤٠٩. عدد الأجزاء: ٧

﴿١٣﴾ **مصنَّف إبن أبي شيبة:**

الكتاب: المصنَّف في الأحاديث والآثار: المؤلف: أبو بكر بن أبي شيبة، عبد الله بن محمد بن إبراهيم بن عثمان بن خواستي العبسي (المتوفى: ٢٣٥هـ). المحقق: محمد عوامة. الناشر: مؤسسة علوم القرآن، الرياض. الطبعة: الأولى، ١٤٢٧. عدد الأجزاء: ٢٦

﴿١٤﴾ **نصب الراية لأحاديث الهداية** مع حاشيته بغية الألمعي في تخريج الزيلعي:

المؤلف: جمال الدين أبو محمد عبد الله بن يوسف بن محمد الزيلعي (المتوفى: ٧٦٢هـ). قدم للكتاب: محمد يوسف البَنُوري. صححه ووضع الحاشية: عبد العزيز الديوبندي الفنجاني، إلى كتاب الحج، ثم أكملها محمد يوسف الكاملفوري. المحقق: محمد عوامة. الناشر: مؤسسة الريان للطباعة والنشر، بيروت، لبنان/ دار القبلة للثقافة الإسلامية، جدة، السعودية. الطبعة: الأولى، ١٤١٨هـ/١٩٩٧م. عدد الأجزاء: ٤

﴿١٥﴾ **التلخيص الحبير في تخريج أحاديث الرافعي الكبير:**

المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ). الناشر: دار الكتب العلمية. الطبعة: الطبعة الأولى ١٤١٩هـ ١٩٨٩م.عدد الأجزاء: ٤

﴿١٦﴾ **المعجم الكبير للطبراني:**

المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: حمدي بن عبد المجيد السلفي، دار النشر: مكتبة ابن تيمية، القاهرة، الطبعة: الثانية، عدد الأجزاء:٢٥

﴿١٧﴾ **المعجم الأوسط للطبراني:**

المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ) المحقق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، الناشر: دار الحرمين،القاهرة، عدد الأجزاء: ١٠

﴿١٨﴾ **المعجم الصغير للطبراني (الروض الداني):**

المؤلف: سليمان بن أحمد بن أيوب بن مطير اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني (المتوفى: ٣٦٠هـ). المحقق: محمد شكور محمود الحاج أمرير. الناشر: المكتب الإسلامي ، دار عمار،بيروت ، عمان. الطبعة: الأولى، ١٤٠٥ – ١٩٨٥. عدد الأجزاء: ٢

﴿١٩﴾ **شرح السنة:**

المؤلف: محيي السنة، أبو محمد الحسين بن مسعود بن محمد بن الفراء البغوي الشافعي (المتوفى: ٥١٦هـ). تحقيق: شعيب الأرنؤوط- محمد زهير الشاويش. الناشر: المكتب الإسلامي، دمشق، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٠٣هـ - ١٩٨٣م. عدد الأجزاء: ١٥

﴿٢٠﴾ **مسند الدارمي المعروف بـ (سنن الدارمي):**

المؤلف: أبو محمد عبد الله بن عبد الرحمن بن الفضل بن بَهرام بن عبد الصمد الدارمي، التميمي السمرقندي (المتوفى: ٢٥٥هـ). تحقيق: حسين سليم أسد الداراني. الناشر: دار المغني للنشر والتوزيع، المملكة العربية السعودية. الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ٢٠٠٠ م. عدد الأجزاء: ٤

﴿٢١﴾ **مجمع الزوائد ومنبع الفوائد:**

المؤلف: أبو الحسن نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: ٨٠٧هـ). المحقق: حسام الدين القدسي. الناشر: مكتبة القدسي، القاهرة. عام النشر: ١٤١٤ هـ ١٩٩٤م. عدد الأجزاء: ١٠

﴿٢٢﴾ **الترغيب والترهيب من الحديث الشريف:**

المؤلف: عبد العظيم بن عبد القوي بن عبد الله، أبو محمد، زكي الدين المنذري (المتوفى: ٦٥٦هـ). المحقق: إبراهيم شمس الدين. الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٧. عدد الأجزاء: ٤

﴿٢٣﴾ **صحيفة همام بن منبه:**

الكتاب: صحيفة همام بن منبه، المؤلف: أبو عقبة همام بن منبه بن كامل بن سيج اليماني الصنعاني الأبناوي (المتوفى: ١٣١هـ)، المحقق: علي حسن علي عبد الحميد، الناشر: المكتب الإسلامي ، دار عمار - بيروت ، عمان، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ هـ - ١٩٨٧ م، عدد الأجزاء: ١

﴿٢٤﴾ **صحيح موارد الظمآن إلى زوائد ابن حبان:**

الكتاب: صحيح موارد الظمآن إلى زوائد ابن حبان، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠ هـ)، الناشر: دار الصميعي للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢٢ هـ - ٢٠٠٢ م، عدد الأجزاء: ٢

﴿٢٥﴾ **كشف الأستار عن زوائد البزار:**

الكتاب: كشف الأستار عن زوائد البزار، المؤلف: نور الدين علي بن أبي بكر بن سليمان الهيثمي (المتوفى: ٨٠٧هـ)، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٣٩٩ هـ - ١٩٧٩ م، عدد الأجزاء: ٤

﴿٢٦﴾ **فتح الباري شرح صحيح البخاري لابن حجر:**

المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني الشافعي. الناشر: دار المعرفة، بيروت، ١٣٧٩رقم كتبه وأبوابه وأحاديثه: محمد فؤاد عبد الباقي. قام بإخراجه وصححه وأشرف على طبعه: محب الدين الخطيب، عليه تعليقات عبد العزيز بن عبد الله بن باز. عدد الأجزاء: ١٣

﴿٢٧﴾ **الأدب المفرد:**

المؤلف: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبو عبد الله (المتوفى: ٢٥٦هـ) المحقق: محمد فؤاد عبد الباقي. الناشر: دار البشائر الإسلامية، بيروت. الطبعة: الثالثة، ١٤٠٩ – ١٩٨٩.

﴿٢٨﴾ **النهاية في غريب الحديث والأثر:**

الكتاب: النهاية في غريب الحديث والأثر، المؤلف: مجد الدين أبوالسعادات المبارك بن محمد بن محمد بن محمد ابن عبد الكريم الشيباني الجزري ابن الأثير (المتوفى: ٦٠٦هـ)، الناشر: المكتبة العلمية - بيروت، ١٣٩٩هـ - ١٩٧٩م، تحقيق: طاهر أحمد الزاوى - محمود محمد الطناحي، عدد الأجزاء: ٥

﴿٢٩﴾ **تحفة الأحوذي بشرح جامع الترمذي:**

الكتاب: تحفة الأحوذي بشرح جامع الترمذي، المؤلف: أبو العلا محمد عبد الرحمن بن عبد الرحيم الْمُبَارَكْفُورِيِّ (المتوفى: ١٣٥٣هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، عدد الأجزاء: ١٠

﴿٣٠﴾ **الطبقات الكبرى:**

الكتاب: الطبقات الكبرى، المؤلف: أبو عبد الله محمد بن سعد بن منيع الهاشمي بالولاء، البصري، البغدادي المعروف بابن سعد (المتوفى: ٢٣٠هـ)، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١٠ هـ، ١٩٩٠ م ، عدد الأجزاء: ٨

﴿٣١﴾ **جامع البيان في تأويل القرآن:**

الكتاب: جامع البيان في تأويل القرآن، المؤلف: محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الآملي، أبو جعفر الطبري (المتوفى: ٣١٠هـ)، المحقق: أحمد محمد شاكر، الناشر: مؤسسة الرسالة، الطبعة: الأولى، ١٤٢٠ هـ - ٢٠٠٠ م، عدد الأجزاء: ٢٤

﴿٣٢﴾ **تهذيب التهذيب:**

المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ). الناشر: مطبعة

دائرة المعارف النظامية، الهند. الطبعة: الطبعة الأولى، ١٣٢٦هـ عدد الأجزاء: ١٢

﴿٣٣﴾ التاريخ الكبير للبخارى:

الكتاب: التاريخ الكبير، المؤلف: محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة البخاري، أبوعبد الله (المتوفى: ٢٥٦هـ)، الطبعة: دائرة المعارف العثمانية، حيدر آباد – الدكن، طبع تحت مراقبة: محمد عبد المعيد خان، عدد الأجزاء: ٨

﴿٣٤﴾ الجرح والتعديل لابن ابى حاتم:

الكتاب: الجرح والتعديل، المؤلف: أبو محمد عبد الرحمن بن محمد بن إدريس بن المنذر التميمي، الحنظلي، الرازي ابن أبي حاتم (المتوفى: ٣٢٧هـ)، الناشر: طبعة مجلس دائرة المعارف العثمانية - بحيدر آباد الدكن – الهند، دار إحياء التراث العربي – بيروت، الطبعة: الأولى، ١٢٧١ هـ ١٩٥٢ م

﴿٣٥﴾ الدراية في تخريج أحاديث الهداية:

الكتاب : الدراية في تخريج أحاديث الهداية، المؤلف : أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى : ٨٥٢هـ)، المحقق : السيد عبد الله هاشم اليماني المدني، الناشر : دار المعرفة – بيروت، عدد الأجزاء : ٢

﴿٣٦﴾ المستدرک للحاکم:

الكتاب: المستدرك على الصحيحين، المؤلف: أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نُعيم بن الحكم الضبي الطهماني النيسابوري المعروف بابن البيع (المتوفى: ٤٠٥هـ)، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، الناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤١١ – ١٩٩٠، عدد الأجزاء: ٤

﴿٣٧﴾ الإصابة في تمييز الصحابة لإبن حَجَر:

الكتاب: الإصابة في تمييز الصحابة، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، تحقيق: عادل أحمد عبد الموجود وعلى محمد معوض، الناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، الطبعة: الأولى - ١٤١٥ هـ عدد الأجزاء: ٨

﴿٣٨﴾ تقريب التهذيب:

الكتاب: تقريب التهذيب، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، المحقق: محمد عوامة، الناشر: دار الرشيد، سوريا، الطبعة: الأولى، ١٤٠٦ – ١٩٨٦، عدد الأجزاء: ١

﴿٣٩﴾ لسان الميزان:

الكتاب: لسان الميزان، المؤلف: أبو الفضل أحمد بن علي بن محمد بن أحمد بن حجر العسقلاني (المتوفى: ٨٥٢هـ)، المحقق: دائرة المعرف النظامية – الهند، الناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات بيروت – لبنان، الطبعة: الثانية، ١٣٩٠هـ /١٩٧١م، عدد الأجزاء: ٧

﴿٤٠﴾ الاستيعاب في معرفة الأصحاب:

المؤلف: أبو عمر يوسف بن عبد الله بن محمد بن عبد البر بن عاصم النمري القرطبي (المتوفى: ٤٦٣هـ) المحقق: علي محمد البجاوي. الناشر: دار الجيل، بيروت. الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ - ١٩٩٢ م. عدد الأجزاء: ٤

﴿٤١﴾ عمل اليوم والليلة:

المؤلف: أبو عبد الرحمن أحمد بن شعيب بن علي الخراساني، النسائي (المتوفى: ٣٠٣هـ). المحقق: د. فاروق حمادة. الناشر: مؤسسة الرسالة، بيروت. الطبعة: الثانية، ١٤٠٦

﴿٤٢﴾ الكلم الطيب:

الكتاب: الكلم الطيب، المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي (المتوفى: ٧٢٨هـ)، حققه، وخرج أحاديثه، وقدم له و علق عليه: الدكتور السيد الجميلي، الناشر: دار الفكر اللبناني للطباعة والنشر، بيروت، الطبعة: الأولى، ١٤٠٧ هـ - ١٩٧٨ م، عدد الأجزاء: ١

﴿٤٣﴾ سلسلة الأحاديث الصحيحة:

الكتاب: سلسلة الأحاديث الصحيحة وشيء من فقهها وفوائدها، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع،

الرياض، الطبعة: الأولى، (لمكتبة المعارف)، عدد الأجزاء: ٦

﴿٤٤﴾ سلسلة الأحاديث الضعيفة:

الكتاب: سلسلة الأحاديث الضعيفة والموضوعة وأثرها السيئ في الأمة، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، دار النشر: دار المعارف، الرياض - المملكة العربية، السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤١٢ هـ / ١٩٩٢ م، عدد الأجزاء: ١٤

﴿٤٥﴾ صَحِيحُ التَّرْغِيب وَالتَّرْهِيب:

الكتاب: صَحِيحُ التَّرْغِيب وَالتَّرْهِيب، المؤلف: محمد ناصر الدين الألباني، الناشر: مكتَبة المَعارف لِلنَشْرِ والتوزيْع، الرياض - المملكة العربية السعودية، الطبعة: الأولى، ١٤٢١ هـ - ٢٠٠٠ م، عدد الأجزاء: ٣

﴿٤٦﴾ المسح على الجوربين والنعلين:

الكتاب: المسح على الجوربين والنعلين، المؤلف: محمد جمال الدين القاسمي (المتوفى: ١٣٣٢هـ)، الناشر: المكتب الإسلامي – بيروت، قدم له العلامة أحمد محمد شاكر، حققه: المحدث ناصر الدين الألباني، الطبعة، الثالثة، عدد الأجزاء: ١

﴿٤٧﴾ حجة النبى للآلبانى:

الكتاب: حجة النبي صلى الله عليه وسلم كما رواها عنه جابر رضي الله عنه، المؤلف: محمد ناصر الدين الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، الناشر: المكتب الإسلامي – بيروت، الطبعة: الخامسة – ١٣٩٩، عدد الأجزاء: ١

﴿٤٨﴾ جلباب المرأة المسلمة:

الكتاب: جلباب المرأة المسلمة، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، الناشر: دار السلام للنشر والتوزيع، الطبعة: الثالثة، ١٤٢٣هـ -٢٠٠٢م، عدد الأجزاء: ١

﴿٤٩﴾ آداب الزفاف في السنة المطهرة:

الكتاب: آداب الزفاف في السنة المطهرة، المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني (المتوفى: ١٤٢٠هـ)، الناشر: دار السلام، الطبعة: الطبعة الشرعية الوحيدة ١٤٢٣هـ/٢٠٠٢مـ عدد الأجزاء: ١

﴿٥٠﴾ صحيح سنن ابن ماجه:

الكتاب: صحيح سنن ابن ماجة، المولف: آلآلبانى، الناشر: مكتبة المعارف للنشر والتوزيع، الرياض،

﴿٥١﴾ تخريج الكَلِمُ الطَّيِّب للآلبانى:

الكتاب: الكلم الطيب، المؤلف: تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن عبد السلام بن عبد الله بن أبي القاسم بن محمد ابن تيمية الحراني الحنبلي الدمشقي (المتوفى: ٧٢٨هـ)، تحقيق: محمد ناصر الدين الألباني، الناشر: المكتب الإسلامي – بيروت، الطبعة: الثالثة – ١٩٧٧، عدد الأجزاء: ١

دربارهٔ مترجم

درباهٔ مترجم
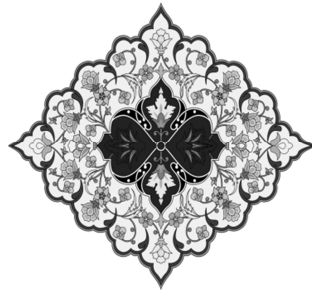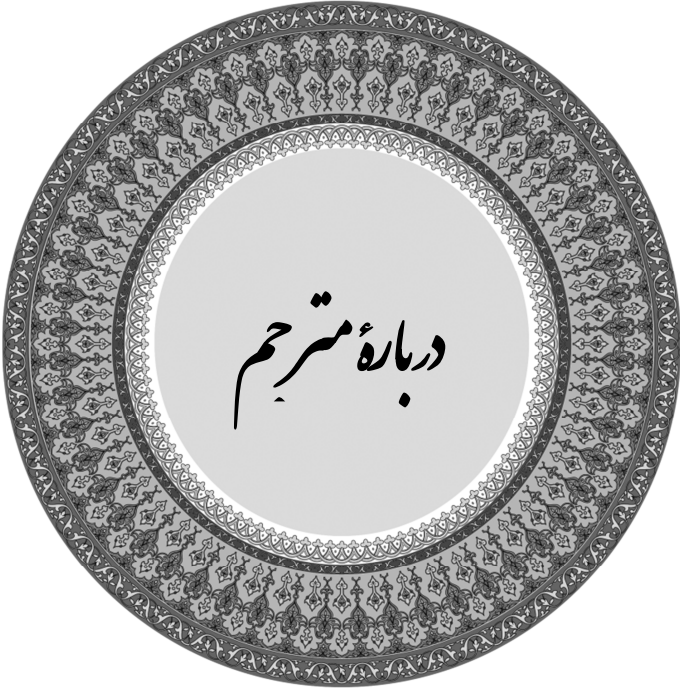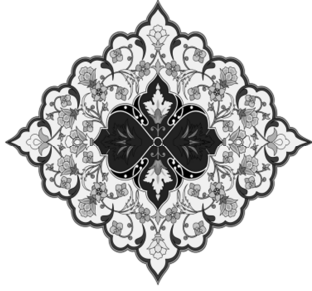
اسم: محمد ابراهیم ولد محمد اعظم ولد محمد شفیع تیموری

تاریخ ولادت: ۱۴ سنبلهٔ ۱۳۴۸ شمسی مطابق ۱۳۸۹ قمری

محل ولادت: جوی شیر، کابل، افغانستان

تحصیلات ابتدائی: مکتب قاری عبد الله، کابل

ادامهٔ تحصیلات: هند، کالج دولتی کَرنال، کَرنال، هند (حیات شناسی)

پوهنتون جامعهٔ ملیهٔ اسلامیه، دهلی نو، هند (زبان عربی)

علوم دینی: دار العلوم دیوبند، هند

مدرسهٔ رحیمیه، دهلی، هند (تا دورهٔ مشکات)

مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ حدیث)

مدرسهٔ امینیه، دهلی، هند (دورهٔ افتاء)

کتب و تراجم: عقائد ما

مختصر عقائد

اسلام چیست

چگونه حج کنید

زیورهای بهشتی (پنج حصص)

گوهرهای بهشتی

زیورهای بهشتی (کامل در دو جلد)

نماز اهل السنت و الجماعت

اصول التجوید

عقائد اسلام

عقیدهٔ طحاوی (ترجمهٔ فارسی)

عقائد اهل سنت و جماعت

چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی کنیم

چهل حدیث: چرا در داخل نماز رفع یَدَیْن نمی کنیم

ترجمهٔ نماز اهل السنت و الجماعت به انگلیسی

Salah of Ahlu-Sunnah wal-Jama'ah

ترجمهٔ عقیدهٔ طحاوی به انگلیسی

The Creed of Imam Tahawi

چرا بیست رکعت تراویح؟

تراویح: ده چلینج خدمت برادران سلفی

شیخ آلبانی و علم حدیث

تماس با مترجم:

موبایل، واتس اپ، تلگرام:

۰۰۴۴۷۷۷۶۰۰۳۱۳۷

Email:

miteymori@gmail.com

خزینۃ الکتب ابو ایوب الانصاریؓ ٹیلیگرام چینل

قارئین کرام! اس چینل میں مختلف فنون پر اردو، عربی، فارسی، ہندی اور انگریزی زبان میں کتابوں کا ایک عظیم ذخیرہ دستیاب ہے، آپ ان کتابوں سے خود بھی استفادہ کریں اور صدقہ جاریہ کی نیت سے اپنے احباب کو بھی شیئر کریں۔

♣ Join & Share ♣

https://telegram.me/abu_ayyub_al_ansari_library

♣ Contact Us ♣

abuayyubalansarilbrary@gmail.com

♣ فہرستِ فنون ♣

1- قرآنیات
2- حدیثیات
3- فقہیات
4- عقائد و فرق
5- سیرت نبوی ﷺ
6- سوانح
7- خطبات
8- تاریخ
9- ادب
10- مضامین و مقالات
11- تربیت و اصلاح
12- جنرل نالج
13- سفرنامے
14- لغات
15- طب
16- درسیات
17- قصص و واقعات
18- رسائل و جرائد
19- متفرقات